

لغو بخشی از پروازهای داخلی به خاطر

قطع سوخت رسانی

*از دیروز به اکثر شرکت‌های هواپیمایی به جز ایران ایر به دلیل بدهی

سوخت داده نشده است

*شرکت‌های هواپیمایی از این پس باید سوخت خود را به صورت نقدی خریداری کنند

صفحه ۴

اطلاعات

سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۱ - ۲۵ صفر ۱۴۳۴ - ۸ ژانویه ۲۰۱۳ - شماره ۲۵۰۰ - ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

رئیس مجلس: مبارزه با فساد اقتصادی

در کشور ملموس نیست

- * فقدان امنیت سرمایه‌گذاری از دلایل بروز فساد است
- * نظام روشنی برای مقابله با فساد اقتصادی وجود ندارد
- * باید نگاه ثابت و پایداری در اقتصاد باشد تا مردم بتوانند زندگی قابل پیش‌بینی داشته باشند
- * قاچاق کالا به میزان ۱۸ میلیارد دلار می‌تواند در نظام اقتصادی کشور اخلال ایجاد کند
- * مجلس برای تشکیل سازمان مبارزه با جرایم اقتصادی آماده همکاری است
- * برخی از جرائم به دلیل ارتباط با قدرت ظهور و بروز پیدا می‌کند
- * رسانه‌ها باید انفجار احساسی ایجاد کنند تا شاهد بروز جرائم اقتصادی نباشیم
- * سردار احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی: ثبات در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و امنیتی و اشراف کامل اطلاعاتی از ملزومات مبارزه با فساد اقتصادی است

صفحه ۲

دکتر لاریجانی در مراسم تودیع و معارفه رؤسای سابق و جدید کتابخانه مجلس شورای اسلامی:

شجاعت رسول جعفریان کتابخانه مجلس را متحول کرد

* پژوهش در کشور ما مظلوم است

* امسال و سال آینده در وضعیت خشکسالی مالی قرار داریم

و انتظار معجزه نداریم

صفحه ۳

تظاهرات مردم عراق در حمایت از

حفظ وحدت ملی

* مردم استان بابل عراق خواستار جلوگیری از تشدید اختلافات طایفه‌ای

در این کشور شدند

* ۱۰۰ میلیون دینار به عنوان پاداش برای دستگیری عزالدوری تعیین شد

صفحه ۱۶

در دیدار دست‌اندرکاران همایش تحریرالوسیله، شروح و تعلیقات

آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی:

فراموشی نام امام^(ره) نباید سراغ ما بیاید

صفحه ۲

دکتر عیسی کلانتری وزیر اسبق کشاورزی در گفتگو با اطلاعات:

سالانه ۳۵ هزار هکتار

اراضی کشاورزی

از دست می‌رود

- * درآمدهای نفتی به جای توسعه، کاهش هزینه‌های تولید و افزایش بهره‌وری صرف‌مورد غیر توسعه‌ای شده است
- * در دهه ۷۰ با بسیج بخش‌های خصوصی دولتی و عمومی توانستیم به‌طور متوسط ۱۰ هزار هکتار به سطح زیر کشت نیشکر

اضافه کنیم، حال چگونه در کمتر از یک سال از باقیمانده عمر کاری دولت می‌توان ۲ میلیون هکتار به سطح زیر کشت اراضی کشاورزی افزود؟

* وقتی سازمان برنامه منحل می‌شود، یعنی برنامه‌ای وجود ندارد و این امر سبب می‌شود رشد پیش‌بینی شده در برنامه چهارم به ۱/۴ درصد تقلیل یابد

* درحالی‌که بیش از ۵۰ درصد درآمد نفتی کشور از مظفرالدین‌شاه تا به امروز متعلق به دولت فعلی بوده‌است، به اندازه سرمایه‌مستهلک‌شده بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری جدید انجام نشده است

* پیش‌بینی غلط از میزان تولید امسال گندم در کشور باعث شد تا واردات دیر هنگام این محصول ۱/۲ میلیارد دلار به اقتصاد کشور خسارت وارد شود

* ضریب واقعی خودکفایی کشور در حال حاضر ۵۵ درصد است نه ۹۲ درصد اعلام شده

صفحه ۱۸و۱۷

حمایت ایران از طرح بشار اسد برای حل بحران سوریه

* صالحی یکی از ویژگی‌های بارز این طرح را الهام گرفتن از اصول و اهداف منشور سازمان ملل و محورهای مشترک طرح‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ذکر کرد

صفحه ۱۶



پدیرش آتش بس

صفحه ۲

ضروری‌تر از پایان اشغالگری

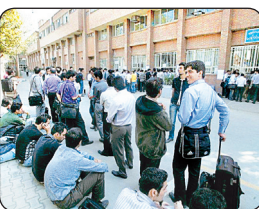
نادر مازوجی

صفحه ۱۶

آسیب‌شناسی

نظام آموزش عالی

صفحه ۵



فلسفه چیست؟

دکتر رضا داوری اردکانی

صفحه ۶



راه اندازی مترو

آلودگی هوای اصفهان

صفحه ۷



جنگ رسانه‌ها

در صحنه سیاست

صفحه ۱۲



ویژه‌ادب و هنر ضمیمه اطلاعات امروز

بسمه تعالی

درگذشت دانشمند محترم

حضرت جعفرالدین محمد جعفری

آقای نجم‌الدین اعتمادزاده (ره)

برای اهل منبرو دوستان اهل بیت(ع) استغناک است.

وی با سابق یک عمر خدمت در نشر معارف عالی اسلامی و مبارزه مستمر در دوران طغوت‌عالی‌ترین صفحات تاریخ زندگی را به ثبت رساند.

به همین مناسبت مجلس بزرگداشتی روز پنجشنبه ۱۳۹۱/۱۰/۲۱ ساعت ۱۴ تا ۱۵ و ۳۰ دقیقه در مسجد (الجواد) واقع در میدان هفتم تیر منعقد است.

شرکت دوستان اهل بیت(ع) و آشنایان موجب شادی روح آن مرحوم و خشنودی خانواده آن مرحوم خواهد شد.

جامعه وعاظ و مبلغین تهران



«آگهی ارزیابی کیفی مناقصه گران»

نوبت دوم ۲۷-۹۱

شرکت شهرک‌های صنعتی تهران در نظر دارد به استناد آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده (۱۲) قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی مناقصه گران جهت انجام پروژه‌های جودنگاری و اسفالت خیابان‌های شهرک صنعتی چرمشهر و سالاریه اقدام نماید.

به منظور ارزیابی توان اجرای تعهدات مناقصه‌گران، از تمامی شرکت‌های متقاضی دارای پایه ۵ در رشته راه و ترابری از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری دعوت می‌شود از تاریخ انتشار این آگهی تا پایان وقت اداری ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ پس از وارز مبلغ سیصد هزار ریال به حساب جام به شماره ۲۵۶۸۹۰۰۲۴ نزد بانک ملت شعبه میدان آراشتین به نام شرکت شهرک‌های صنعتی تهران تا یکشنبه ۱۳۹۱/۱۰/۲۹، جهت تحویل فیش بانکی و دریافت اسناد ارزیابی کیفی مناقصه‌گران همراه با معرفی‌نامه کتبی به معاونت فنی اجرایی این شرکت به نشانی تهران - خیابان شهروندی شمالی - خیابان محلی - پلاک ۲ مراجعه نموده و اسناد مربوطه را دریافت و پس از تکمیل همراه با اسناد و مدارک خواسته شده حداکثر تا پایان وقت اداری روز ۱۳۹۱/۱۱/۱۷ به نشانی مذکور تسلیم مناقصه‌گران نمایند. (ساعت پاسخگویی: ۹ الی ۱۴) WWW.TEHRANIEC.IR و http://iets.mporg.ir

پایگاه ملی اطلاع‌رسانی: http://iets.mporg.ir

شرکت شهرک‌های صنعتی تهران

بسمه تعالی

وزارت نیرو

شرکت مدیریت منابع آب ایران

شرکت توسعه منابع آب و خاک سیستان

وزارت نیرو

شرکت سه‌گانه توسعه منابع آب و خاک سیستان

آگهی دعوت به ارزیابی کیفی فراخوان عمومی

شرکت سه‌گانه توسعه منابع آب و خاک سیستان در نظر دارد به استناد آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده (۱۲) قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی پیمانکاران واجد شرایط جهت دعوت به مناقصه به شرح زیر اقدام نماید.

لذا بدینوسیله از کلیه پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌نماید جهت دریافت اسناد ارزیابی توان اجرای کار با توجه به موارد ذیل اقدام نمایند:

۱- مشخصات پروژه:

تأمین، حمل به کارگاه نصب، آزمایش و راه‌اندازی دودستگاه‌های پمپاژ در محل سایت سد چاه نیمه ۴ به همراه یک دستگاه شست‌و شیارنگار تحویل از سوی کارفرما در مهلت ۵ ماه شمسی

۲- مهلت و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی: متقاضیان می‌توانند از روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ یا در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی (حاجی مهر و امضاء مجاز مناقصه‌گر و با قید موضوع مناقصه) و پرداخت مبلغ (۵۰۰/۰۰۰) پانصد هزار ریال جهت دریافت اسناد ارزیابی به نشانی تهران میدان دکتر فاطمی خیابان جویبار پلاک ۵۶ طبقه اول واحد «ب» شرکت مهندسی مشاور تهران سحاب مراجعه نمایند.

۳- مهلت و محل دریافت اسناد ارزیابی تکمیل شده: ۱۴ روز پس از اتمام مهلت خرید اسناد ارزیابی کیفی (پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۹) به نشانی: زابل - خیابان دانشگاه پیام نور - شرکت سه‌گانه توسعه منابع آب و خاک سیستان واحد امور قراردادها

۴- واحد خدمات مشاوره مهندسی مشاور تهران سحاب ه‌ساین آگهی در پایگاه ملی مناقصات و سایت مدیریت منابع آب ایران درج گردیده است.

www.wrmn.ir
http://iets.mporg.ir

شرکت سه‌گانه توسعه منابع آب و خاک سیستان

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

یک مرحله‌ای

نوبت اول

دانشگاه جامع علمی - کاربردی استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد عملیات اجرایی پروژه ذیل را مطابق با قانون مناقصات و براساس بخشنامه سرجمع به پیمانکاران واجد شرایط و دارای ظرفیت آزاد در کار جاب و واگذار نماید.

عنوان پروژه: احداث فضای کمک آموزشی دانشگاه جامع علمی - کاربردی واحد استان سیستان و بلوچستان برآورد تقریبی فهرست بهای ای ۸۸ یا ضریب بهنگام: حدود ۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مدت اجرا: ۱۲ ماه شمسی

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۶۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

محل تحویل پیش‌پسنه‌ها: زاهدان - خیابان دانشگاه - سه راه دانش - جنب روگذر وحدت - اداره کل فنی و حرفه‌ای سابق - دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد سیستان و بلوچستان

مهلت تحویل پیش‌پسنه‌ها: از تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۷ لغایت ۱۳۹۱/۱۱/۱۷ به مدت ۱۰ روز

زمان بازگشایی پاکت‌ها: ۱۳۹۱/۱۱/۱۸ راس ساعت ۹ صبح

رشته و رتبه پیمانکار: حداقل رتبه ۵ در رشته ابنیه

اعتبار پروژه در سال ۹۱: هشت میلیارد ریال

متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۴ تا تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۴ جهت خرید اسناد مناقصه به همراه معرفی‌نامه کتبی و فیش واریزی هزینه اسناد مناقصه به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۲۰۰۶۹۹۹۹۰۰۲ نزد بانک تجارت به نام تمرکز وجوه درآمد اختصاصی دانشگاه جامع علمی - کاربردی به آدرس دانشگاه: زاهدان خیابان دانشگاه - سه راه دانش - جنب روگذر وحدت اداره کل فنی و حرفه‌ای سابق - دانشگاه جامع علمی - کاربردی واحد سیستان و بلوچستان مراجعه نمایند.

ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی تجدید فراخوان

شماره مناقصه	عنوان پروژه	مساحت تقریبی پروژه	مدت اجرا	برآورد تقریبی اولیه (میلیارد ریال)	نوع اعتبار	حداقل رشته و رتبه مورد نیاز
۹۱/۲۹	تکمیل باقی‌مانده عملیات ساختمانی و تأسیساتی اداره کل اقتصاد و دارایی خراسان شمالی	۶۰۰ مترمربع	۲۴ ماه	۵۰	عمرانی	پایه ۳ ساختمان و پایه ۴ تأسیسات و تجهیزات با ظرفیت کار آزاد مناسب

تاریخ و محل دریافت، تکمیل و عودت اسناد ارزیابی کیفی:

از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۱۵ روز به نشانی: بجنورد - خیابان دانشگاه - ساختمان شماره ۱ اداره کل راه و شهرسازی خراسان شمالی - طبقه چهارم - اداره پیمان و رسیدگی و یا به سایت http://iets.mporg.ir مراجعه فرمایید.

روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی خراسان شمالی

رابطه بین والدین و کودکان

شیوه‌ای که نویسنده در این کتاب برای ارائه مطالب در پیش گرفته، درک و فهم مباحث را آسان می‌سازد. وی از تئوری‌های پیچیده و تخصصی به کلی پرهیز کرده و با سادگی، ارتباطی مستقیم با خواننده برقرار می‌کند و دانش تخصصی را به میان افراد غیرمتخصص می‌برد و بخوبی از عهده این کار برآمده است. علاوه بر این، می‌توان از به کارگیری مثال‌های زنده در این کتاب نام برد. دکتر گینات هرگز مثالی ارائه نمی‌کند که خواننده با آن نامانوس باشد. مثلاً همه به مواردی اشاره می‌کنند که پدران و مادران هر روز با آنها سر و کار دارند. خواننده به آسانی در می‌یابد که رفتار غلط کدام است و رفتار صحیح کدام و چون این درک بی‌آنکه مشکلی در کار باشد، صورت می‌گیرد، در نتیجه اصل مطلب به طور کامل به ذهن خواننده انتقال می‌یابد. این کتاب - آنگونه که نویسنده در مقدمه‌اش توضیح می‌دهد - حاصل پانزده سال تجربه و کار با والدین و کودکان است و از این روست که مثال‌های آن ملموس و زنده است. نویسنده می‌گوید: «هدف از نگارش این کتاب کمک به والدین است تا اهدافی را که در مورد کودکان‌شان دارند بشناسند و روش‌هایی برای جامه عمل پوشاندن به این اهداف به دست آورند. والدین با مشکلات معینی روبرو می‌شوند که برای از میان برداشتن این مشکلات راه‌ها و روش‌های ویژه‌ای وجود دارد، پند و اندرزهای پیش پا افتاده و قدیمی هیچ کمکی به والدین نمی‌کنند.»

* فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶

* فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴۴

* نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲، ۲۹۹۹۳۲۰۶

* برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۲۶۵ تماس حاصل فرمایید.

* آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabteelaat.com



نوبت دوم

آگهی فراخوان

شرکت بهای ذوب آهن اصفهان (سهایی عام)

با اطمینان بسازید

ردیف	نوع فراخوان	شماره	موضوع	مهلت دریافت اسناد	مهلت ارائه پیشنهاد
۱	مناقصه	۶۲۰۰-۹۱	خرید ۱۱ ردیف قطعات مکانیکی	۱۳۹۱/۱۰/۲۵	۱۳۹۱/۱۱/۱۱
۲	مناقصه	۵۵۲۱-۹۱	۲۷ کویلینگ	۱۳۹۱/۱۰/۲۹	۱۳۹۱/۱۱/۰۹

ضمناً لیست استعلام‌های مربوط به خریدهای متوسط (بدون برگزاری مناقصه) در سایت شرکت به آدرس ذیل درج می‌گردد.

سایر موارد:

۱- زمان دریافت اسناد: از تاریخ نشر آگهی نوبت اول تا پایان ساعت اداری مهلت دریافت اسناد (متدرج در جدول)

۲- جهت اطلاع از محل دریافت اسناد و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس www.esfahansteel.com مراجعه فرمائید.

روابط عمومی ذوب آهن اصفهان

شماره مناقصه: ۹۱/۵۳

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه گران

موضوع مناقصه: خدمات عمومی و پشتیبانی مدیریت منطقه پارس ۳ (پارس شمالی)

سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

نوع مناقصه

نام و نشانی مناقصه‌گزار

مبلغ پرآورد اولیه

شرایط شرکت در مناقصه

نحوه دریافت استعلام

ارزیابی کیفی مناقصه گران

آخرین مهلت تحویل مدارک

محل تحویل مدارک

تلفن کمیسیون مناقصات

روابط عمومی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

معرفی کتابهای انتشارات اطلاعات

شناخت انواع اجتماعات

از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون

نوشته: غلامعلی خوشرو

چاپ دوم: ۳۰۰ تومان

قطع وزیری، ۱۶۴ صفحه

آشنایی با افکار و آرای دانشمندان و علمای اسلامی از ضرورت‌های جامعه‌ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. بررسی و تحلیل آرای متفکرانی که با پشتوانه کتاب و سنت و در فضای فرهنگ و تمدن اسلامی رشد کرده و با افکار بدیع و اصیل خود مایه قوام تفکر و گسترش تحقیق گشته‌اند. با تکیه بر این افکار و آراست اندیشمندانی نظیر فارابی و ابن‌خلدون از لحاظ نظری، مانع خودباختگی و بی‌هویتی جامع مسلمان در برابر تئوری پرزانی‌های گوناگون بوده و از لحاظ عملی تلاش‌ها را بر مشاغل عوامل مؤثر در دوام و زوال اجتماعات، تغییر و تحول آنان و همچنین راهنمای حل راه‌های مضطرب و مشکلات اجتماعی است. بررسی تحلیلی و تطبیقی نظرات فارابی و ابن‌خلدون در زمینه تپ‌شناسی اجتماعی از جمله مطالبی است که تاکنون کمتر مورد پژوهش قرار گرفته که محور اصلی موضوع این کتاب است. فقدان کار علمی در این مورد پژوه در زبان فارسی با توجه به نفوذ و تأثیر عمیق فکری و علمی این دو دانشمند در علمای از خود بر نیاز به یک بررسی نسبتاً جامع و دقیق تأکید دارد.

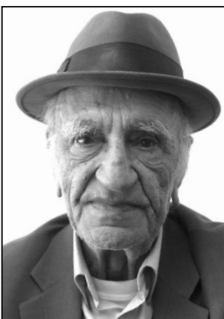
* فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶

* فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴۴

* نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲، ۲۹۹۹۳۲۰۶

* برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۲۶۵ تماس حاصل فرمایید.

* آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabteelaat.com



دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی

بخش هفتم

مقصود من این است که حکام کرمان، آنها که می خواهند شریک اقتصادی تِجار شوند یا ثروتمندان را مصادره کنند، بزکترین لطمه را به امنیت اقتصادی شهرهای کوبوری زده‌اند و متأسفانه تعداد این حکام چندان هم کم نبوده است.

نمونهٔ شاخص مکتس این حکام مثلاًمحمد اسماعیل خان وکیل‌الملک عصر قاجاری بود که در هر روستای کرمان حمام ساخت و کاروانسراها را تکمیل کرد و قیمت کالای صادراتی را بالا برد و یا در عصر سلجوقی ملک قاوره که مثلاًکاروانسرا و میل راهنما در فهرج ساخت، یا همین ترکان خاتون و پادشاه خاتون قرانخانگی که چند روستای خاتون آباد تاجزاده داشت کردند و میدان و کاروانسرا در شهر ساختند، یاهمین کجلیک خان، که منشی او میرزا محمد ابراهیم وقفنامه‌اش را نوشته است، در آخرین نقطه‌های ارتباطی راه کوریر در دهی طرف رود کاروانسرای گرموشو و زین‌الدین را ساخت و به منتهی‌الیه راه خراسان حوض گنج را بنا کرد و به عنوان پس بندر جاسک، که یکی از مهمترین بندار فراموشی شدهٔ کرمان است، آبادی گنج‌آباد بنا کرد، و در واقع با ساختن برج به نام خود در ساحل زاینده‌رود، به شاه عباس گفت: «من راه کوریر را تا کنار زاینده رود به شما بخشادم. دیگر خودناید و اخلاصتان.» تا آخرین لحظه عمر نیز در سفرهای بیابانی مواظب اوضاع بود و بالاخره در قندهار بود.

گنجعلی‌خان به روایتی در سال ۱۰۳۳ ق/ ۱۶۲۳ و به روایت دیگر ۱۰۳۴ ق/ ۱۶۲۴، بعد از ۳۰ سال حکومت کرمان و قندهار، «هنگامی که بر بالای ایوان ارگ قندهار در سیرری که محجر ایوان تکیه داشت، خوابیده بود، محضر سستی یافتند و در میان خواب و بیداری از سر بر قطع خوابید، به سه زمین افتاد و دویعت حیات به قیاض ارواح سپرد. بعد از زمانی دراز خدمتکاران واقف شدند، پسرش علیرام‌خان‌خان‌نعلش پدر را از قندهار به مشهد مقدس معلی نقل نموده، در روضه رضویه مدفون گردانید.» و زبیری مرگ او را در تابستان این سال می‌نویسد و به همین سبب در پشت پام خوابیده‌بسه‌وست و گویند: «در سال هزار و سی و پنج (۱۰۳۵ ق/ ۱۶۲۵) تابستان بالای پام بر روی تخت خوابید، نزدیک صبح خواب‌آلود جهت ارذار برخاست، از پام به صحن خانه افتاد، افتادن همان و مردن همان.»^{۳۳} شده‌بود که تاریخش این است: «لب جبهای ایزدین بر که می‌شود سیراب» (۱۰۲۹ ق/ ۱۶۴۰).^{۳۴}

علیرام‌خان‌خان بعد از مرگ شاه عباس (۱۰۳۸ ق/ ۱۶۲۸) در زمان شاه صفی مورد خشم قرار گرفت و به اصفهان احضار شد و نیامد و از همان قندهار به هندوستان پنا برد و تا آخر عمر در هند بود و از آن پس، قندهار هم به جنگ هندوستان افتاد که داستان مفصلش را در کتاب نگارنده، گنجعلی‌خان، فصل تحت عنوان «آزرد ز بیگانه و افسرده ز خویش» و «روازه طلای هند» و «به خاطر مشتبی سنگ» باید دید. «داستانش را در مقاله‌ای در نشریهٔ فرهنگ اصفهان هم نوشته‌ام.

اینسکه به قول رمانیها «آب به کُرت آخر است» و این مقاله را به مناسبت درگذشت استاد نامدار، مرحوم دکتر محمدحسن گنجی، بعد از ۱۰۰ سال مرگ پیرپار او می‌نویسم، در فکر بودم که چگونه می‌شود علم مربوط به دکتر گنجی بیرجندی را به تاریخ کرمان ربط داد، براساس آن شو گندگ من خود رهام که: «بناشد مقاله‌ای که من در یادواره‌ای بنویسم در جمع و به سیمیناری با کنفرانسی همگرا شد، مگر آنکه آن مقاله و آن یادواره به تحقیقی یا به تقریری، به تاریخ کرمان مربوط بوده باشد»، و در این فکر بودم که شاهد آن غیب رسید.

توضیح آنکه چهل پنجاه سال پیش، من مقاله‌ای در باب گنجعلی‌خان و آثار اخیر او در مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات اصفهان نوشتم، به مناسبت برج گنجعلی‌خان که در کنار زاینده‌رود افتاد، مقاله در مجلهٔ خواندنیهای این نقل شد.» بلافاصله مرقوم‌های از دکتر گنجی، که آن روزها جزء استادان برجسته و نامدار جرای اندیشه‌های دانشکده ادبیات تهران بود، توسط مجله خواندنیها به نگارنده رسید، به این شرح که گمان کنم سود مرا به انجام می‌رساند. دکتر گنجی نوشته بود:

«دوست دانشمند آقای باستانی پاریزی، مطالعهٔ مقالهٔ عمیق و عالمانهٔ جناب‌عالی تحت عنوان گنجعلی‌خان که در شمارهٔ ۹۰۹، ۹۰۸مجلهٔ خواندنیها به نقل از مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات اصفهان چاپ شده بود، مرا به یاد طبعی انداخت که بی مناسبت نمی‌دانم آن را به اطلاع شخصی شما برسانم و آن مطلب را به سببیکسی است که ظاهر آنخوانده ما با جلدی خودخوانده‌ایم قبالا باید متذکر شوم، در یکی دو سال گذشته در خواندهٔ ما که درست معلوم نیست از چه تاریخی در مجله و اطراف آن حکومت دانشکده، اشخاص معجزه زار بودند، من بیرجند هم هر دو پدیریز کم که قریب ۳۵ سال پیش فوت شده‌اند، از ۹۰ سال تجاویز می‌کرد، و هیچ یک را برادران خودواهران ایشان هم کمتر از آن عمر نکرده‌ام. و آخرین فرد مربوط به نسلی که عموئی مادر من بود و سال قبل در ۹۰سالگردانی راوداع رفت.»^{۳۵} و اینام گودکسی خود به خاطر دارم که بدست گریخته‌را معرب پیوستگی خواندهٔ ما به این گنجی‌خان دانشگاه‌ای یا جسدی از راجع برین نقل می‌شد. از جمله خوب به یاد دارم در سالهای اول بعد از کونا داسوم اسفند ۱۳۹۹ ق/ ۱۹۲۱) که قاتل نیت احوال در شهر ما به مر حلهٔ اجرا گذارده شده، من در آن ایام نامدار این تحصیل دبستانی خود را در مدرسهٔ شوکتیه بیرجند طی می‌کردم.^{۳۶}

یکی روز بزرگان خانواده در خانهٔ پدریزمگم که در آن تاریخ به حدود ۹۰سال عمر کرده بود، جمع آمده بودند تا دربارهٔ انتساب نام خانوادگی مناسب یا همدگر مشورت کنند. در جلسهٔ مشورتی همین پدریزمگ که سواد درستی نداشت، ولی سینه‌اش پر از خاطرات جالب بود و به سائرین کرد، چنین گفت: اصل و نسب خانواد ما روشن‌سان است، ما همه اولاد امیر شمس‌المستقیم و اولادی بوده‌ام مثل امیر (و مقصودش امیر قاتن، امیر حشمت‌الملکم و امیر علم‌خان و امیر شوکت‌الملکم بوده‌است) که در فتوحات هرات در خدمت شاه عباس شجاعیت به خرج داده است.»^{۳۷}

آنچه گودکسی‌خان پس از فتح هرات، مدت‌ها در افغانستان امروز و در ناحیه‌ای به نام «گندمر» سکونت داشته‌اند و از آنجا به «سیرینه»^{۳۸}، ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند، و سه راه بیرجند به زاهدان کوچ کرده و در محل اخیر اقامت گزیده‌اند. و مسجد و حمام گنجی‌ها در سیرینه که هنوز وجود دارد، یادگار اقامت آنها در آنجااست؛ بنابر این نام خانوادگی ما باید «نکدری» و یا «گنجی» باشد. از آنجا که نام خانوادگی مردم (گنجی) به ذهن و خاطرهٔ پیرمردانی که در جلسهٔ خانوادگی ما که تعداد آنها در بیرجند بالبنسب زیاد هم معادل نام خانوادگی نیست، اما به انتخاب برگزیده‌اند، و ما به این ترتیب تمام اعضای خانوادهٔ ما که تعداد آنها در بیرجند بالبنسب زیاد هم هست، نام خانوادگی گنجی را انتخاب کردند.

از شماجا چون در همینجا در نظر داشتم که دربارهٔ اثر خاطرهٔ ایلام گودکسی خود مطالعاتی به عمل آورم و رابطهٔ آن را با مدارک تاریخی روشن کنم ولی متأسفانه این توفیق هرگز نصیب نشده‌بود تا اینکه مقالهٔ جناب‌عالی را از خواندنیهای خودم، و عقیدهٔ دارم با اشارات مستندی که به سبقت‌های مکرر گنجعلی‌خان به شهر مامد، نام خانوادگی را انتخاب کرده به این‌که سرزمین قانیانبه به نظر در سر راه من دو ناحیه به کرمان قرار دارد، هیچ بعد نیست که اصالتی در گفته‌ای که من از پدریزمگم به خاطر دارم، وجود داشته‌باشد، چون مبنای بسیاری از حقایق تاریخی ایران در صور قرن اخیر، داستانهای مشابهی است که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و می‌شود.

پی‌نوشتها:

- ^(۱) (اسکندر منشی، تاریخ‌عالم آرای عباسی، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی (تهران: انتشارات کتاب، ۱۳۷۷)، ۱۰۴۱.
- ^(۲) زبیری، تاریخ کرمان، ۵۳.
- ^(۳) باستانی پاریزی، گنجعلی‌خان، ۳۴۸.
- ^(۴) خواندنیها، سال ۳۵، شماره ۹۴.
- ^(۵) در حاشیهٔ این نامه نوشته‌بودم: و همهٔ اینها اثر خود را در طرانی‌بیودن عمر به استادم گنجی داده‌اند که عمرش با نوح پیوند گیرد.
- ^(۶) بنگرید به باستانی پاریزی، گنجعلی‌خان، ۳۰۲.
- ^(۷) منسوب به شوکت‌الملک، پدر استاد علم الله.
- ^(۸) یعنی گنجعلی‌خان در فتوحات هرات شرکت داشته. دریاب محمدفرید علی روجو شب به باستانی پاریزی، گنجعلی‌خان، ۳۶ به یاد کرد.
- ^(۹) خوب شد که نکدری را انتخاب نکردند؛ زیرا نه تنها شلوغ کاری نکودری‌ها در تاریخ سیستان مایهٔ گرفتاری اولاد آنها بود، بلکه ممکن بود اولاد شمس‌الدین نازیک‌هم بعدها داووداست و در خواست آن ۲۵ هزار گشته که نکودری‌ها را باریک‌کرمان از آنها گردانده و به‌همه بودند به آن‌ها راه لاهه بدهند. علاوه بر آن امروز برای من مشکل‌س بود در یادوارهٔ استاد محمدحسن گنجی مطلب را این طور راحت به تاریخ کرمان ربط دهم.

گنجی در

طلمس قلعه

جمشید

عقل مشترک یا عقل جزوی حد خود را دارد و در امر معیشت حاکم است؛ اما اگر با علم خود فراتر گذارد عاجز و ناتوان است؛ و اگر به فیلسفه صورت غالب بوده بسا که معیشت مختل می‌شود. چرا عقل معاش ملاک حکم در باب فلسفه و به‌طور کلی تفکر نبوده؟ زیرا آنچه در دور جدید اصالت دارد، معیشت و بهیود امر معاش است و چون عقل جزوی معیشت و بهیود معیشت شده است، آن را عین عقل می‌دانند و بهیود آن عقل معاش مدد از عقل دیگری می‌گیرد که اگر آن عقل عقل عقل معاش هم ظاهر نمی‌شد و هیچ بود. پس در مقابل متجددان که مدعی کشف جلدود علم بشر و امکانات وجود او هستند، می‌توان گفت که اینها هم حد عقل معاش را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که این عقل اگر در امور معاش بیناست، در عوالم دیگر گرواست. شناختن کوری عقل معاش تجاویز از حد است؛ اما چنان نیست که آن آنچه با روشهای علمی جدید جلب اثبات نباشد، بی‌وجه و بی‌معنی باشد. بیاداست که وقتی به شناسایی علمی به معنی جدید اصالت داده شود، دیگر فلسفه مقامی ندارد و اگر هم چیزی به نام فلسفه اثبات شود، در حقیقت فلسفه نیست.

فی‌المثل **پروتراند راسل** که فلسفه و علم جدید را در عرض هم قرار می‌دهد، رای او مبتنی بر این اساس است که علم حاصل فکر دیگر و عقل جزوی است و جزا این عقلی وجود ندارد. راسل فلسفه را به این معنی مقدمهٔ علم می‌داند که بسیاری از احکام علمی ابتدا در فلسفه علمی می‌شود و احدهای فلسفه علمی است بر اثر پژوهشهای اهل علم اثبات یا رد شود. اگر احدهای اهل فلسفه اثبات می‌شود، در عداد قوانین علمی درمی‌آید و اگر معلوم شود که با احکام و قوانین مسلم علمی منافات دارد، از اعتبار می‌افتد.

بنابر این نظر، فلسفه در حد ذات‌ها اهمیت ندارد و علمای نیست که موضوع و مسائل خاص خود داشته باشد، بلکه نوعی وسعت مشرب و قوت حلدس است که بزرگان اهل علم دارند. پس فلسفه از آن جهت که به طرح فرضیه‌های علمی مد می‌رساند، مهم است. راسل تاریخ علم و فلسفه را هم با این نظر تفسیر می‌کند و فلسفه را صورت ناقص یا صورت ثابت نشدهٔ علوم علمی می‌داند و می‌گوید به تدریج قواعد ادیان علمی از حدود فلسفه خارج شده و عنوان علم پیدا کرده است. در این قول، علم جدید و عقل جزوی مطلق انگاشته می‌شود و تمام انواع شناسایی و حتی تفکر با علم تحصیلی قیاس شده است.^۳

فلسفه در ادوار تاریخ

آیا فلسفه صورت خاصی یکی از ادوار تاریخ است و صرفاً تعلق به یک دورهٔ تاریخی دارد؟ بر خلاف اینکه بعضی تصور کرده‌اند، انسان حیوان مابعدالطبیعی نیست و از ابتدا اهل فلسفه نبوده است. آغاز تاریخ فلسفه در قرن پنجم قبل از میلاد است و اولین فیلسوفان، یونانی بوده‌اند. این سخن را در این چند سال چند بار به مناسبت گفته و نوشته‌ام و اگر روشن نشده است، به موجب تعجب می‌شود، در ضمن بحث در معنی فلسفه باید روشن شود که غرض اصلی این نوشته هم همین است؛ ولی فعلاً باید رسیدگی شود که آیا فلسفه اختصاص به دوره‌ای از تاریخ بشر دارد و چنان است که قبل از آن دوران فلسفه نبوده و چون آن دوران تمام شده، تاریخ فلسفه هم به پایان رسیده است.

وقتی پرسش به این صورت مطرح شود، جوابهای مختلف می‌توان داده‌شد باشد و حتی طوایف مختلف می‌توانند به آن پاسخ آری یا نه بدهند. از این نه آری مقاصد مختلف داشته باشند؛ چنان که ممکن است جواب داده شود که دورهٔ فلسفه به پایان رسیده و علم و دو سنج شناسایی نیست، بلکه اولی شناسایی ناقص است و بر مبادی درست استوار نشده و روش درست ندارد؛ اما جهت با روش درست مشفق می‌شود، منتهی از آن بحث که تاریخ بشر سیر از نقص به تمام است، دورهٔ فلسفه نسبت به دوره‌ای که در آن احکام اصلی بود، به نام نوعی حکام داشت که نسبت به دورهٔ علمی که بعد از آن آمد ناقص است.

قالل بود که دورهٔ فلسفه به پایان رسیده و بشر وارد دورهٔ علم تحصیلی شده است. مطابق این رای دورهٔ فلسفی را به قیاس با دوره علم تحصیلی باید سنجید. فلسفه و علم دو سنج شناسایی نیست، بلکه اولی شناسایی ناقص است و بر مبادی درست استوار نشده و روش درست ندارد؛ اما جهت با روش درست مشفق می‌شود، منتهی از آن بحث که تاریخ بشر سیر از نقص به تمام است، دورهٔ فلسفه نسبت به دوره‌ای که در آن احکام اصلی بود، به نام نوعی حکام داشت که نسبت به دورهٔ علمی که بعد از آن آمد ناقص است.

این نظر یا آنچه تحصیلی‌های منطقی جدید در باب فلسفه می‌گویند، از این حیث مهم‌تر است که فلسفه، علم تحصیلی نیست، بلکه مقدمهٔ رسیدن به علم است؛ علم تحصیلی‌های منطقی کمتر اعتنایی به روش دارند و حتی گذشتگان را ملاحت می‌کنند که چرا با روشهای علمی به بعد از آن آمد ناقص است. علم به پژوهش نپرداخته‌اند و حال آنکه اوگوست علم به پژوهش نپرداخته‌اند و بهیود هر دو پدیریز کم که قریب ۳۵ سال پیش فوت شده‌اند، از ۹۰ سال تجاویز می‌کرد، و هیچ یک را برادران خودواهران ایشان هم کمتر از آن عمر نکرده‌ام. و آخرین فرد مربوط به نسلی که عموئی مادر من بود و سال قبل در ۹۰سالگردانی راوداع رفت.»^{۳۵} و اینام گودکسی خود به خاطر دارم که بدست گریخته‌را معرب پیوستگی خواندهٔ ما به این گنجی‌خان دانشگاه‌ای یا جسدی از راجع برین نقل می‌شد. از جمله خوب به یاد دارم در سالهای اول بعد از کونا داسوم اسفند ۱۳۹۹ ق/ ۱۹۲۱) که قاتل نیت احوال در شهر ما به مر حلهٔ اجرا گذارده شده، من در آن ایام نامدار این تحصیل دبستانی خود را در مدرسهٔ شوکتیه بیرجند طی می‌کردم.^{۳۶}

یکی روز بزرگان خانواده در خانهٔ پدریزمگم که در آن تاریخ به حدود ۹۰سال عمر کرده بود، جمع آمده بودند تا دربارهٔ انتساب نام خانوادگی مناسب یا همدگر مشورت کنند. در جلسهٔ مشورتی همین پدریزمگ که سواد درستی نداشت، ولی سینه‌اش پر از خاطرات جالب بود و به سائرین کرد، چنین گفت: اصل و نسب خانواد ما روشن‌سان است، ما همه اولاد امیر شمس‌المستقیم و اولادی بوده‌ام مثل امیر (و مقصودش امیر قاتن، امیر حشمت‌الملکم و امیر علم‌خان و امیر شوکت‌الملکم بوده‌است) که در فتوحات هرات در خدمت شاه عباس شجاعیت به خرج داده است.»^{۳۷}

آنچه گودکسی‌خان پس از فتح هرات، مدت‌ها در افغانستان امروز و در ناحیه‌ای به نام «گندمر» سکونت داشته‌اند و از آنجا به «سیرینه»^{۳۸}، ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند، و سه راه بیرجند به زاهدان کوچ کرده و در محل اخیر اقامت گزیده‌اند. و مسجد و حمام گنجی‌ها در سیرینه که هنوز وجود دارد، یادگار اقامت آنها در آنجااست؛ بنابر این نام خانوادگی ما باید «نکدری» و یا «گنجی» باشد. از آنجا که نام خانوادگی مردم (گنجی) به ذهن و خاطرهٔ پیرمردانی که در جلسهٔ خانوادگی ما که تعداد آنها در بیرجند بالبنسب زیاد هم معادل نام خانوادگی نیست، اما به انتخاب برگزیده‌اند، و ما به این ترتیب تمام اعضای خانوادهٔ ما که تعداد آنها در بیرجند بالبنسب زیاد هم هست، نام خانوادگی گنجی را انتخاب کردند.

از شماجا چون در همینجا در نظر داشتم که دربارهٔ اثر خاطرهٔ ایلام گودکسی خود مطالعاتی به عمل آورم و رابطهٔ آن را با مدارک تاریخی روشن کنم ولی متأسفانه این توفیق هرگز نصیب نشده‌بود تا اینکه مقالهٔ جناب‌عالی را از خواندنیهای خودم، و عقیدهٔ دارم با اشارات مستندی که به سبقت‌های مکرر گنجعلی‌خان به شهر مامد، نام خانوادگی را انتخاب کرده به این‌که سرزمین قانیانبه به نظر در سر راه من دو ناحیه به کرمان قرار دارد، هیچ بعد نیست که اصالتی در گفته‌ای که من از پدریزمگم به خاطر دارم، وجود داشته‌باشد، چون مبنای بسیاری از حقایق تاریخی ایران در صور قرن اخیر، داستانهای مشابهی است که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و می‌شود.

پی‌نوشتها:

عقل مشترک یا عقل جزوی حد خود را دارد و در امر معیشت حاکم است؛ اما اگر با علم خود فراتر گذارد عاجز و ناتوان است؛ و اگر به فیلسفه صورت غالب بوده بسا که معیشت مختل می‌شود. چرا عقل معاش ملاک حکم در باب فلسفه و به‌طور کلی تفکر نبوده؟ زیرا آنچه در دور جدید اصالت دارد، معیشت و بهیود امر معاش است و چون عقل جزوی معیشت و بهیود معیشت شده است، آن را عین عقل می‌دانند و بهیود آن عقل معاش مدد از عقل دیگری می‌گیرد که اگر آن عقل عقل عقل معاش هم ظاهر نمی‌شد و هیچ بود. پس در مقابل متجددان که مدعی کشف جلدود علم بشر و امکانات وجود او هستند، می‌توان گفت که اینها هم حد عقل معاش را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که این عقل اگر در امور معاش بیناست، در عوالم دیگر گرواست. شناختن کوری عقل معاش تجاویز از حد است؛ اما چنان نیست که آن آنچه با روشهای علمی جدید جلب اثبات نباشد، بی‌وجه و بی‌معنی باشد. بیاداست که وقتی به شناسایی علمی به معنی جدید اصالت داده شود، دیگر فلسفه مقامی ندارد و اگر هم چیزی به نام فلسفه اثبات شود، در حقیقت فلسفه نیست.

فی‌المثل **پروتراند راسل** که فلسفه و علم جدید را در عرض هم قرار می‌دهد، رای او مبتنی بر این اساس است که علم حاصل فکر دیگر و عقل جزوی است و جزا این عقلی وجود ندارد. راسل فلسفه را به این معنی مقدمهٔ علم می‌داند که بسیاری از احکام علمی ابتدا در فلسفه علمی می‌شود و احدهای فلسفه علمی است بر اثر پژوهشهای اهل علم اثبات یا رد شود. اگر احدهای اهل فلسفه اثبات می‌شود، در عداد قوانین علمی درمی‌آید و اگر معلوم شود که با احکام و قوانین مسلم علمی منافات دارد، از اعتبار می‌افتد.

بنابر این نظر، فلسفه در حد ذات‌ها اهمیت ندارد و علمای نیست که موضوع و مسائل خاص خود داشته باشد، بلکه نوعی وسعت مشرب و قوت حلدس است که بزرگان اهل علم دارند. پس فلسفه از آن جهت که به طرح فرضیه‌های علمی مد می‌رساند، مهم است. راسل تاریخ علم و فلسفه را هم با این نظر تفسیر می‌کند و فلسفه را صورت ناقص یا صورت ثابت نشدهٔ علوم علمی می‌داند و می‌گوید به تدریج قواعد ادیان علمی از حدود فلسفه خارج شده و عنوان علم پیدا کرده است. در این قول، علم جدید و عقل جزوی مطلق انگاشته می‌شود و تمام انواع شناسایی و حتی تفکر با علم تحصیلی قیاس شده است.^۳

فلسفه در ادوار تاریخ
آیا فلسفه صورت خاصی یکی از ادوار تاریخ است و صرفاً تعلق به یک دورهٔ تاریخی دارد؟ بر خلاف اینکه بعضی تصور کرده‌اند، انسان حیوان مابعدالطبیعی نیست و از ابتدا اهل فلسفه نبوده است. آغاز تاریخ فلسفه در قرن پنجم قبل از میلاد است و اولین فیلسوفان، یونانی بوده‌اند. این سخن را در این چند سال چند بار به مناسبت گفته و نوشته‌ام و اگر روشن نشده است، به موجب تعجب می‌شود، در ضمن بحث در معنی فلسفه باید روشن شود که غرض اصلی این نوشته هم همین است؛ ولی فعلاً باید رسیدگی شود که آیا فلسفه اختصاص به دوره‌ای از تاریخ بشر دارد و چنان است که قبل از آن دوران فلسفه نبوده و چون آن دوران تمام شده، تاریخ فلسفه هم به پایان رسیده است.

وقتی پرسش به این صورت مطرح شود، جوابهای مختلف می‌توان داده‌شد باشد و حتی طوایف مختلف می‌توانند به آن پاسخ آری یا نه بدهند. از این نه آری مقاصد مختلف داشته باشند؛ چنان که ممکن است جواب داده شود که دورهٔ فلسفه به پایان رسیده و علم و دو سنج شناسایی نیست، بلکه اولی شناسایی ناقص است و بر مبادی درست استوار نشده و روش درست ندارد؛ اما جهت با روش درست مشفق می‌شود، منتهی از آن بحث که تاریخ بشر سیر از نقص به تمام است، دورهٔ فلسفه نسبت به دوره‌ای که در آن احکام اصلی بود، به نام نوعی حکام داشت که نسبت به دورهٔ علمی که بعد از آن آمد ناقص است.

قالل بود که دورهٔ فلسفه به پایان رسیده و بشر وارد دورهٔ علم تحصیلی شده است. مطابق این رای دورهٔ فلسفی را به قیاس با دوره علم تحصیلی باید سنجید. فلسفه و علم دو سنج شناسایی نیست، بلکه اولی شناسایی ناقص است و بر مبادی درست استوار نشده و روش درست ندارد؛ اما جهت با روش درست مشفق می‌شود، منتهی از آن بحث که تاریخ بشر سیر از نقص به تمام است، دورهٔ فلسفه نسبت به دوره‌ای که در آن احکام اصلی بود، به نام نوعی حکام داشت که نسبت به دورهٔ علمی که بعد از آن آمد ناقص است.

این نظر یا آنچه تحصیلی‌های منطقی جدید در باب فلسفه می‌گویند، از این حیث مهم‌تر است که فلسفه، علم تحصیلی نیست، بلکه مقدمهٔ رسیدن به علم است؛ علم تحصیلی‌های منطقی کمتر اعتنایی به روش دارند و حتی گذشتگان را ملاحت می‌کنند که چرا با روشهای علمی به بعد از آن آمد ناقص است. علم به پژوهش نپرداخته‌اند و حال آنکه اوگوست علم به پژوهش نپرداخته‌اند و بهیود هر دو پدیریز کم که قریب ۳۵ سال پیش فوت شده‌اند، از ۹۰ سال تجاویز می‌کرد، و هیچ یک را برادران خودواهران ایشان هم کمتر از آن عمر نکرده‌ام. و آخرین فرد مربوط به نسلی که عموئی مادر من بود و سال قبل در ۹۰سالگردانی راوداع رفت.»^{۳۵} و اینام گودکسی خود به خاطر دارم که بدست گریخته‌را معرب پیوستگی خواندهٔ ما به این گنجی‌خان دانشگاه‌ای یا جسدی از راجع برین نقل می‌شد. از جمله خوب به یاد دارم در سالهای اول بعد از کونا داسوم اسفند ۱۳۹۹ ق/ ۱۹۲۱) که قاتل نیت احوال در شهر ما به مر حلهٔ اجرا گذارده شده، من در آن ایام نامدار این تحصیل دبستانی خود را در مدرسهٔ شوکتیه بیرجند طی می‌کردم.^{۳۶}

یکی روز بزرگان خانواده در خانهٔ پدریزمگم که در آن تاریخ به حدود ۹۰سال عمر کرده بود، جمع آمده بودند تا دربارهٔ انتساب نام خانوادگی مناسب یا همدگر مشورت کنند. در جلسهٔ مشورتی همین پدریزمگ که سواد درستی نداشت، ولی سینه‌اش پر از خاطرات جالب بود و به سائرین کرد، چنین گفت: اصل و نسب خانواد ما روشن‌سان است، ما همه اولاد امیر شمس‌المستقیم و اولادی بوده‌ام مثل امیر (و مقصودش امیر قاتن، امیر حشمت‌الملکم و امیر علم‌خان و امیر شوکت‌الملکم بوده‌است) که در فتوحات هرات در خدمت شاه عباس شجاعیت به خرج داده است.»^{۳۷}

آنچه گودکسی‌خان پس از فتح هرات، مدت‌ها در افغانستان امروز و در ناحیه‌ای به نام «گندمر» سکونت داشته‌اند و از آنجا به «سیرینه»^{۳۸}، ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند، و سه راه بیرجند به زاهدان کوچ کرده و در محل اخیر اقامت گزیده‌اند. و مسجد و حمام گنجی‌ها در سیرینه که هنوز وجود دارد، یادگار اقامت آنها در آنجااست؛ بنابر این نام خانوادگی ما باید «نکدری» و یا «گنجی» باشد. از آنجا که نام خانوادگی مردم (گنجی) به ذهن و خاطرهٔ پیرمردانی که در جلسهٔ خانوادگی ما که تعداد آنها در بیرجند بالبنسب زیاد هم معادل نام خانوادگی نیست، اما به انتخاب برگزیده‌اند، و ما به این ترتیب تمام اعضای خانوادهٔ ما که تعداد آنها در بیرجند بالبنسب زیاد هم هست، نام خانوادگی گنجی را انتخاب کردند.

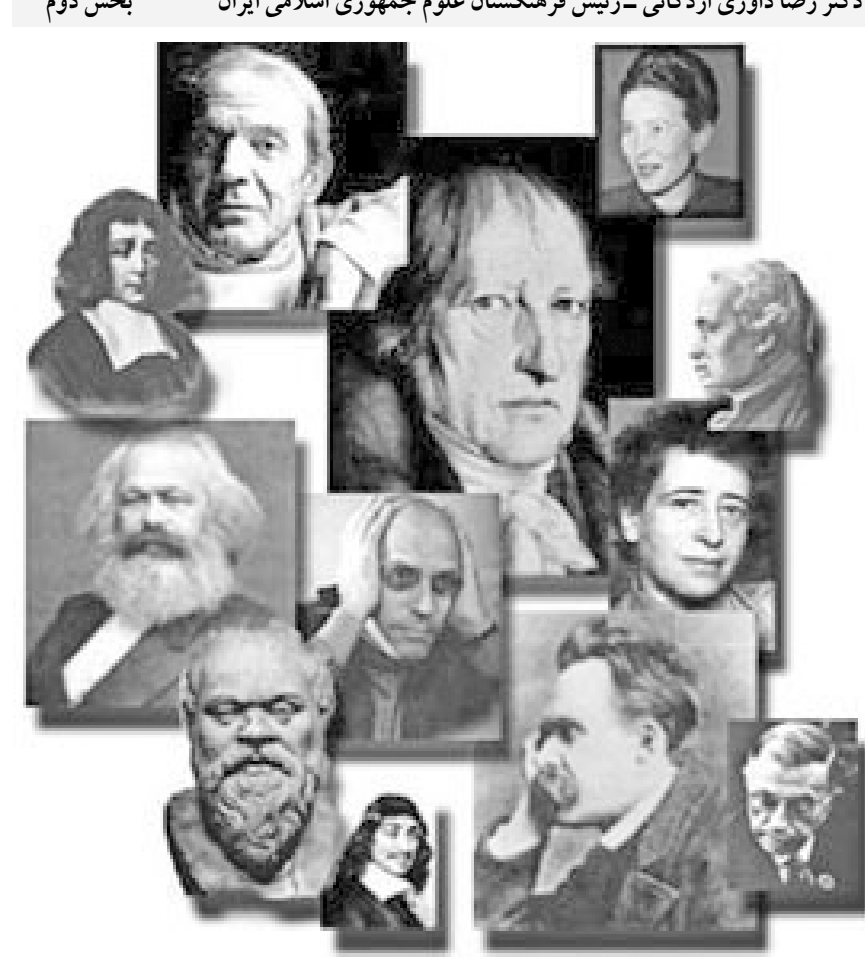
از شماجا چون در همینجا در نظر داشتم که دربارهٔ اثر خاطرهٔ ایلام گودکسی خود مطالعاتی به عمل آورم و رابطهٔ آن را با مدارک تاریخی روشن کنم ولی متأسفانه این توفیق هرگز نصیب نشده‌بود تا اینکه مقالهٔ جناب‌عالی را از خواندنیهای خودم، و عقیدهٔ دارم با اشارات مستندی که به سبقت‌های مکرر گنجعلی‌خان به شهر مامد، نام خانوادگی را انتخاب کرده به این‌که سرزمین قانیانبه به نظر در سر راه من دو ناحیه به کرمان قرار دارد، هیچ بعد نیست که اصالتی در گفته‌ای که من از پدریزمگم به خاطر دارم، وجود داشته‌باشد، چون مبنای بسیاری از حقایق تاریخی ایران در صور قرن اخیر، داستانهای مشابهی است که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و می‌شود.

ظاهر می‌شود و هرگز قومی که رو به پیشرفت است و عالم و آدم را تغییر می‌دهد، به فلسفه اعتنایی ندارد. مدعیان این قول شهاد می‌آورند که فلسفه یونانی بعد از جنگهای پولوپنز و در دوران زام پاشیدنمدینه‌های یونانیی به وجود آمده و در اسکندریه هم آخرین سعی و جنبش فلسفی و کلامی با انحطاط یونانیت همراه بود. در روم هم فلسفه در دوران انحطاط جمهوری از مابعدالطبیعه نجات می‌یابد.

هگل گفته بود که فلسفهٔ گذشتگان به مسائل دورهٔ جدید جواب نمی‌دهد و او بود که برای اولین بار مسئلهٔ پایان یافتن فلسفه را مطرح کرد، اما علم تحصیلی را با فلسفهٔ فلسفه نمی‌دانست. **فوپرباخ** – شاگرد هگل – هم به علم جدید را صورت تاریخ معاصر خود نمی‌دانست، مطلب صورت تاریخ را به نحو موجه‌تری بیان کرده است. اوگوست کنت می‌خواست به علم صفات دیانت بدهد؛ اما فوپرباخ کوشید که این شأن به به فلسفه داده شود. او معتقد بود که مقام خدا را به انسان باید داد. فلسفه‌ای که او می‌گوید، موافق با لامذهبی عصر جدید است. این صورت بورژوازی و تاریخ جدید است که در آن به قول فوپرباخ بی‌ایمانی جانشین ایمان شده و عقل جای وحی و کتاب الهی را گرفته و سیاست، شأن دیانت و کلیسا پیدا کرده و زمین به جای آسمان اعتبار یافته و کار، شأن عبادت یافته و فقر مادی دوزخ شده و بشر لامذهب به جای آدم معتقد

چیستی انسان، پریش و فلسفه در جهان امروز

فلسفه چیست؟



به مسیحیت نشسته است.

فوپرباخ از این پیشامد خوشحال است. اگر در رای فوپرباخ به جای سیاست، علم تحصیلی بگذاریم، در آن صورت فوپرباخ و اوگوست کنت لاقال در غرض و مقصود کلی به هم نزدیک می‌شوند و هر دو می‌خواهند از مابعدالطبیعه بگذرند. برای هر دوی این تاریخ، تاریخ سیر بشر به مضام خدایی و احراز علم و قدرت و حیات الهی به وسیلهٔ انسان است؛ منتها برای اوگوست کنت اگر فلسفهٔ شائی دارد، از آن جهت آن است که باید ره‌آموز باشد، و در نظر فوپرباخ فلسفه ره‌آموز سیاست است. خلاصه اینکه فلسفه به معنی مابعدالطبیعه به گذشتهٔ بشر و به دوران قیصل از علم محصلی، یا به قولی به دوره‌ای قبل از اینکه بشر به مقام خود خدایکی پیدا عملی دارد.

طریق نادرست در پژوهش

مطلب دیگر که به نحوی می‌تواند با مطلب بالا ارتباط پیدا کند، این است که فلسفه حاصل اتخاذ طریق نادرست در پژوهش است. از وقتی که بشر راه درست را بلداند به مابعدالطبیعه نیازی ندارد. به این مطلب در جای خود خواهیم پرداخت. فعلاً این نکته باید روشن شود که آیا فلسفه با چه وضع تاریخی مناسب است؟ بعضی گفته‌اند که فلسفه تابع تاریخ علوم است و بهیود هر دو پدیریز کم که قریب ۳۵ سال پیش فوت شده‌اند، از ۹۰ سال تجاویز می‌کرد، و هیچ یک را برادران خودواهران ایشان هم کمتر از آن عمر نکرده‌ام. و آخرین فرد مربوط به نسلی که عموئی مادر من بود و سال قبل در ۹۰سالگردانی راوداع رفت.»^{۳۵} و اینام گودکسی خود به خاطر دارم که بدست گریخته‌را معرب پیوستگی خواندهٔ ما به این گنجی‌خان دانشگاه‌ای یا جسدی از راجع برین نقل می‌شد. از جمله خوب به یاد دارم در سالهای اول بعد از کونا داسوم اسفند ۱۳۹۹ ق/ ۱۹۲۱) که قاتل نیت احوال در شهر ما به مر حلهٔ اجرا گذارده شده، من در آن ایام نامدار این تحصیل دبستانی خود را در مدرسهٔ شوکتیه بیرجند طی می‌کردم.^{۳۶}

یکی روز بزرگان خانواده در خانهٔ پدریزمگم که در آن تاریخ به حدود ۹۰سال عمر کرده بود، جمع آمده بودند تا دربارهٔ انتساب نام خانوادگی مناسب یا همدگر مشورت کنند. در جلسهٔ مشورتی همین پدریزمگ که سواد درستی نداشت، ولی سینه‌اش پر از خاطرات جالب بود و به سائرین کرد، چنین گفت: اصل و نسب خانواد ما روشن‌سان است، ما همه اولاد امیر شمس‌المستقیم و اولادی بوده‌ام مثل امیر (و مقصودش امیر قاتن، امیر حشمت‌الملکم و امیر علم‌خان و امیر شوکت‌الملکم بوده‌است) که در فتوحات هرات در خدمت شاه عباس شجاعیت به خرج داده است.»^{۳۷}

آنچه گودکسی‌خان پس از فتح هرات، مدت‌ها در افغانستان امروز و در ناحیه‌ای به نام «گندمر» سکونت داشته‌اند و از آنجا به «سیرینه»^{۳۸}، ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند، و سه راه بیرجند به زاهدان کوچ کرده و در محل اخیر اقامت گزیده‌اند. و مسجد و حمام گنجی‌ها در سیرینه که هنوز وجود دارد، یادگار اقامت آنها در آنجااست؛ بنابر این نام خانوادگی ما باید «نکدری» و یا «گنجی» باشد. از آنجا که نام خانوادگی مردم (گنجی) به ذهن و خاطرهٔ پیرمردانی که در جلسهٔ خانوادگی ما که تعداد آنها در بیرجند بالبنسب زیاد هم معادل نام خانوادگی نیست، اما به انتخاب برگزیده‌اند، و ما به این ترتیب تمام اعضای خانوادهٔ ما که تعداد آنها در بیرجند بالبنسب زیاد هم هست، نام خانوادگی گنجی را انتخاب کردند.

از شماجا چون در همینجا در نظر داشتم که دربارهٔ اثر خاطرهٔ ایلام گودکسی خود مطالعاتی به عمل آورم و رابطهٔ آن را با مدارک تاریخی روشن کنم ولی متأسفانه این توفیق هرگز نصیب نشده‌بود تا اینکه مقالهٔ جناب‌عالی را از خواندنیهای خودم، و عقیدهٔ دارم با اشارات مستندی که به سبقت‌های مکرر گنجعلی‌خان به شهر مامد، نام خانوادگی را انتخاب کرده به این‌که سرزمین قانیانبه به نظر در سر راه من دو ناحیه به کرمان قرار دارد، هیچ بعد نیست که اصالتی در گفته‌ای که من از پدریزمگم به خاطر دارم، وجود داشته‌باشد، چون مبنای بسیاری از حقایق تاریخی ایران در صور قرن اخیر، داستانهای مشابهی است که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و می‌شود.

به استناد کتابهای مرجم و نظر اصل تفعین شده است.
تعریف: در طی کار واژه‌گزینی، پیش از انتخاب معادل، تعریف واژه مبدا از یک یا چند فرهنگ معتبر استخراج می‌شود و در نهایت با نظر اهل فن تعریف نهایی عرضه می‌گردد.
از آنجا که معادلهای مصوب گناه‌شناخته است، لازم است شیوه ساخت با مفهوم آنها با توجه به تعریف روشن شود.
تعریفهای ارائه‌شده تعریفهای است که در نگاه گروه‌های تخصصی عرضه شده‌اند و سعی شده تعریفی عام شود اما معنای مصوب را برای عموم روشن تر سازد، یعنی برای افرادی که تسامق‌عقار باشند، این تعریف که در زبان انگلیسی با یافته باشد.
معادل مصوب: گاه‌فرهنگستان به معنای واژه‌ای است که برای یک تعویب رساننده و گاه بیش از یک تعویب رساننده است که این واژه‌ها در نگاه اول و نسبت به دیگر معادلهای صورت‌تعییری دارند و برخی جنبه عمومی‌تری دارند و تعویب‌ها را به معنای واژه‌های عمومی و تخصصی یک با هم آمده و تفکیک نشده‌اند؛ برخی حوزه‌های علمی جنبه تخصصی‌تری دارند و برخی جنبه عمومی‌تری دارند و تعویب‌ها را به معنای واژه‌های متفاوت بوده و در نتیجه در فواصل زمانی، افراد مختلف با سبایق ذکر شده، چنانچه واژه‌ای با یک مفهوم و یک معادل در چند حوزه کاربرد داشته، نشانه اختصاری نام این گروه‌های تخصصی مربوط در کنار یکدیگر در قالب آمده‌است.
توجه به این‌که ضرورتی نیست تقسیم‌بندی گروه‌های تخصصی را در فرهنگ ایرانی و رشته‌های دانشگاهی نیست و بیشتر

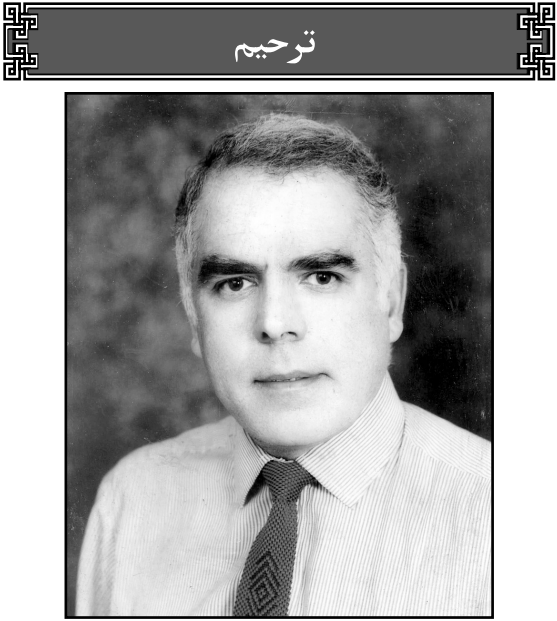
آنکه او اساس علم کتبى را گذاشته و راهى را نشان داده است که در اى طبیعت به عنوان کمیت اعتبار مى‌شود و در نتیجه هر علم باید صورت ریاضى داشته باشد.
هر مناسبتى میان علم و فلسفهٔ جدید فرض شود، خارج از این حدود نیست. فلسفهٔ جدید اقتضای بسط شناسایی علمى کتبى تمام موجودات، اعم از حی و جان و جاندار و موجوداتى مانند جامعه و سیاست و تاریخ مى‌کند.
ولی چنان‌نیست که علم و فلسفه و فرهنگ سیر کامل و ترقى داشته باشند و درحسب تمام‌دم علم و فلسفه مناسب با مرتبه و مقام علوم پیدا شود.
کسانى که مدعى هستند که فلسفهٔ کانت با فیزیک نیوتن مناسبت دارد، موردور این مناسبت چه مى‌توانند بگویند و چه مى‌گویند؟
پى تردید کانت به فیزیک نیوتن نظر داشته‌است؛ اما طرح این پرسش که چه مى‌توانم بدانم و چه باید بکنم و چه امیدى مى‌توانم داشته باشم، به فیزیک نیوتن مربوط نیست.
حتى وقتى کانت مى‌خواهد بداند که احکام نامقدّم در کتبى چگونه ممکن است صرفاً به قوانین علمى نظر ندارد؛ بلکه با این پرسش با ماهیت ریاضى و فیزیک و مابعدالطبیعی علمى هم‌پیدا مى‌کند.

پى داین که بحث در باب موضوع و ماهیت علوم در فلسفه مطرح مى‌شود.
فى‌المثل فیزیک که در موضوع علم فیزیک با علم تاریخ پرش مى‌کند، نیى تواند به اى علوم نظر نداشته باشد؛ اما اگر این پى رسد، از سنخ مسائلى نیست که علمای اى علوم مطرح مى‌کنند.
خلاصه آنکه اگر کسى در مقاصد فلسفهٔ کانت دقت کند، مى‌باید که فلسفهٔ او تابع فیزیک نیوتن نیست و اگر کسانى بوده‌اند که با علم به پژوهشهای نظری به علوم فیزیکی اظهار کرده‌اند، در تاریخ فلسفه

 شآن چندانی ندارند.^۳

فلسفه و دوره انحطاط

مطلب دیگر این بود که فلسفه در دورهٔ انحطاط یک قوم ظاهر می‌شود. او لاقبل از سوفسطاییان و سقراط و افلاطون، هیچ قومی فلسفه نداشته است. به طور مطلق گفته شود



پدر عزیزم وهرزجان

کاش آنقدر خوب نبودی،کاش مراکودکانه صدمانی‌کردی، کاش آنقدر صدای پاهایت زیر پنجره اتاقم آشنا نبود. کجاست آن همه خوبی، کجاست آن صداوکجاست آن گامهای آشناکه برایم امنیت بود.

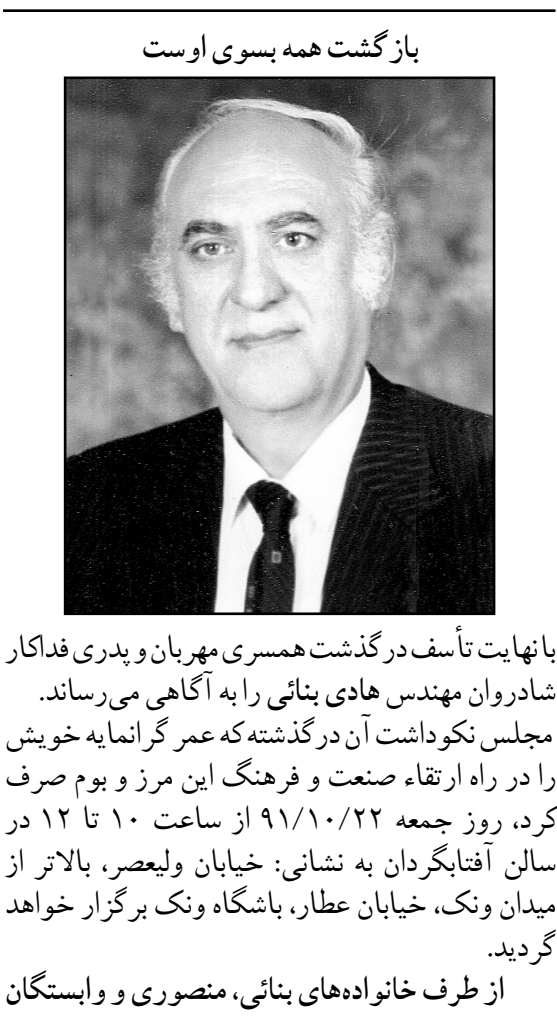
تا زنده‌ام برایم زنده‌ای و تا همیشه دوستت دارم.

دخترت خاطره

سالار خانه قصد رفتن داشت، شام آخر راکنار هم سر کردیم، نگاهش آسمانی و مهربان بود، بقرار رسیدن به معبودش، انگار دیگر زندان تن ج‌ای او نبود و روح بزرگش می‌رفت تا آرامش گیرد وحال ما مانده‌ایم و خیل دوستدارانش.

منت گذارید و ما را تاکنار بستر ابدی دکتر وهرز غفاری همراهی کنید.

پنجشنبه ۹۱/۱۰/۲۱ ساعت ۸ صبح از درب منزل خانواده غفاری



بانهایت تأسف درگذشت همسری مهربان و پدری فداکار شادروان مهندس هادی بنائی را به آگاهی می‌رساند.

مجلس نکوداشت آن درگذشته که عمر گرانمایه خویش را در راه ارتقاء صنعت و فرهنگ این مرز و بوم صرف کرد، روز جمعه ۹۱/۱۰/۲۲ از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در سالن آفتابگردان به نشانی: خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، خیابان عطار، باشگاه ونک برگزار خواهد گردید.

از طرف خانواده‌های بنائی، منصوری و وابستگان



بانهایت تأسف درگذشت خدمتگزاری صدیق و انسانی شریف،همسرودپدری مهربان «تیمسار دکتر سید احمدسیدطاهری» رئیس اداره مبارزه با موادمخدر شهرداری و استاد دانشگاه را در شب اربعین حسینی به اطلاع بستگان، دوستان و همشهریان کرمانی می‌رساند.

ضمن تشکر از اظهار همدردی عزیزانی که در مراسم تشییع و ترحیم حضور داشته‌اند مراسم شب هفت روز سه‌شنبه ۹۱/۱۰/۱۹ از ساعت ۱۵ الی ۱۸ در منزل آن عزیز برگزار می‌گردد.

خانواده‌های: سیدطاهری - رضوی نعمت‌اللهی - خطیب‌رهبر -ابریشمی -مدنی کرمانی -زنده‌دل -بقایی -منظوری - دارابی زاده - نفیسی - صالحی - اسعدی - بهرامی - اویسی - رضایی و سایرین

باز گشت همه به سوی اوست

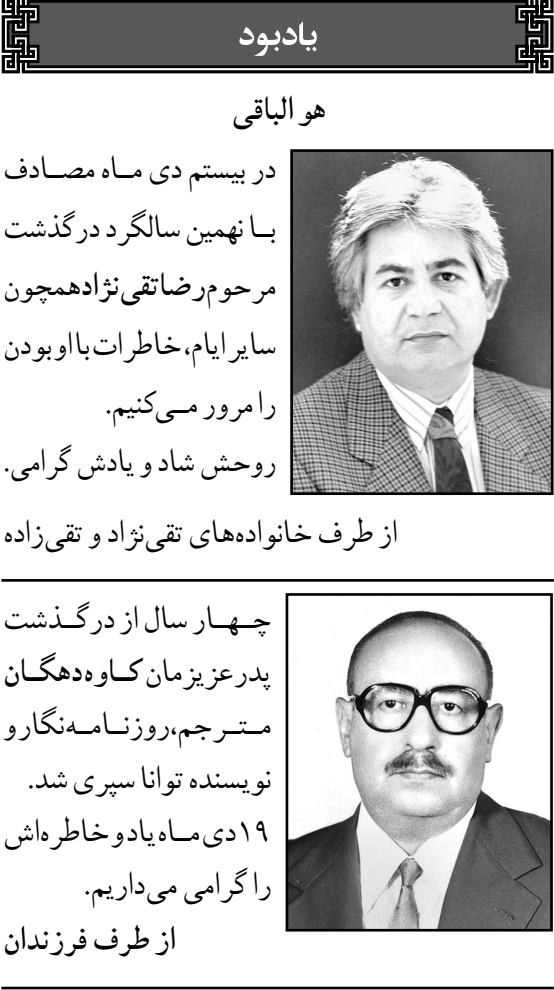
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

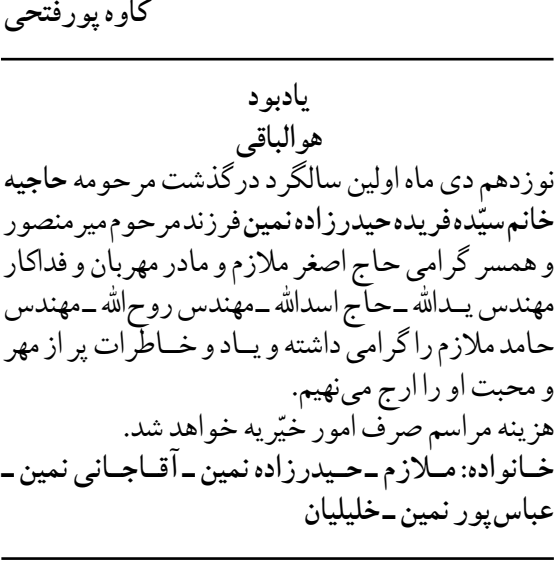
خانواده محترم محمدپور تویسرکانی بانهایت تأسف و تالم درگذشت مرحوم حاج اصغر محمدپور تویسرکانی عضو هیئت مدیره شرکت بلور و شیشه اصفهان را به همه بازماندگان ایشان تسلیت عرض نموده، شادی روح آن مرحوم سلامتی و بقاء عمر خانواده محترم را از درگاه ایزدمنان مسئلت می‌نمائیم.
ضمنامجلس ترحیم آن عزیز از دست رفته روز پنجشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۱ از ساعت ۹/۳۰صبح الی ۱۱/۳۰صبح در مسجدالغدیر - واقع در بلوار میرداماد برگزار می‌گردد.
شرکت بلور و شیشه اصفهان



ماندن برای اوست شادروان مهندس محمد پورفتحی فراق بیست و یک ساله‌ات چه جانسوز و چه غمناک به یقین خاطره خویبهپایت از یاد رفتنی نیست

هفده دی‌ماه ۷۰ عشق از پیاله ریخت خواب از سبوی عشق سفر کرد کدام اندوهت را بگویم بودن یا نبودن را نامت گرامیست و تاجی از عشق بر سر دارد گرچه دیر است

اما همیشه با تو سخن می‌گویم در پناه یاد تو رازی است بی‌پناه



تو نیستی که بسبینی چگونه، عطر تو در عمق لحظه‌ها جا ریست چگونه جان تو در جان زندگی سبز است تو نیستی که ببینی چگونه میگردد نسیم روح تو در باغ بی‌جوانه من چراغ، اینه، دیوار، بی‌تو غمگین است دوازدهم دی‌ماه، بیست سال از عروج ملکوتی همسر فداکار و مادر مهربانمان شادروان هایده شادلو می‌گذرد.

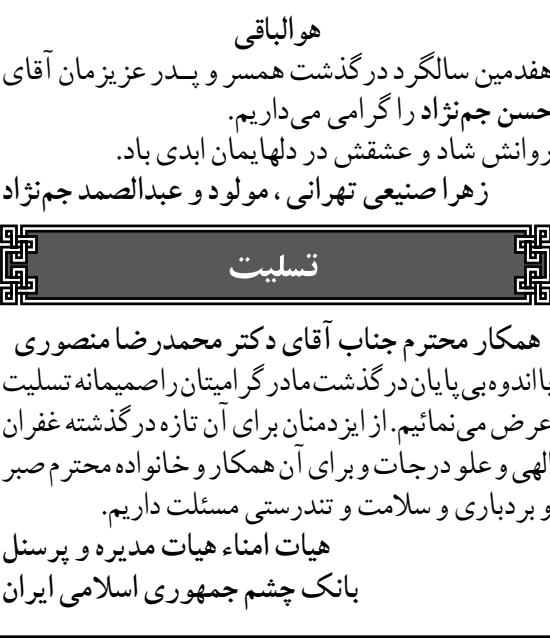
غم هجران جانفر ساست ولی یاد خوبی‌ها و مهربانی‌های او تسلی بخش قلوب ماست روانش شاد و یادش گرامی باد.
مهندس مهدی آزاد، مهندس لیلا امیری و شادی آزاد- دکتر مریم آزاد، مهندس محمدرضا نصیری و امیر والانصیری- فاطمه آزاد، مهندس امید افتخارمنش - علی آزاد

دانی که کیست زنده؟ آن کو ز عشق زاید دیم‌اه هجدهمین سالگرد درگذشت شادروان محسن جعفرزاده اسوه رادمردی، وارستگی، نماد دوستی و از خودگذشتگی را گرامی می‌داریم.
خانواده جعفرزاده، وابستگان، دوستان و گروه ورزشی صفا (پارک لاله)



روانش شاد و یادش گرامی باد.

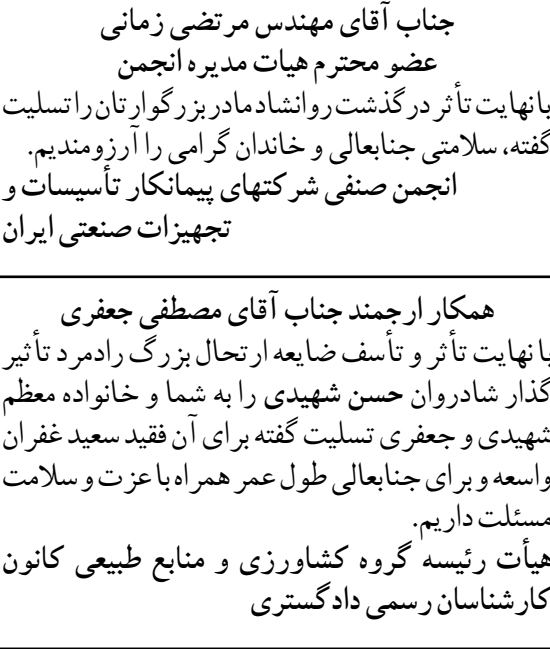
محمد، دکتر مهرک و مهسا زارع و مادر



همکار محترم جناب آقای دکتر محمدرضا منصوری مصیبت وارده فوت مادر ارجمندتان را تسلیت گفته برای آنجناب طول عمر توام با سلامت و برای آن مرحومه علو درجات آرزو داریم.

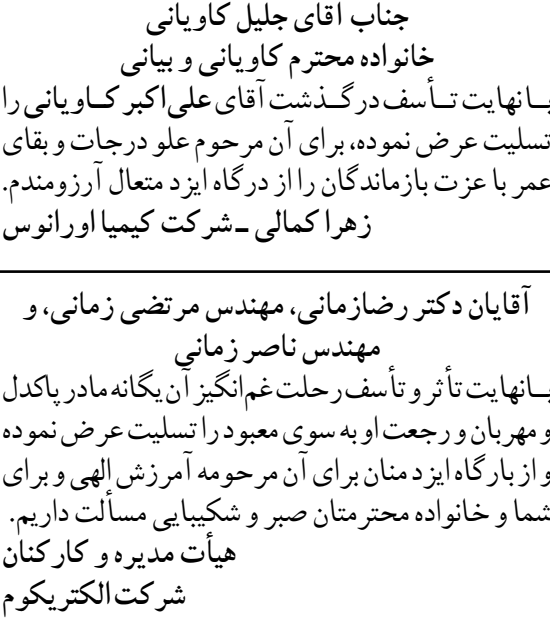
هیات تحریریه مجله علمی بینا

جناب آقای دکتر محمدرضا منصوری سرپرست محترم دانشگاه علوم پزشکی تهران بانهایت تأسف وتالم درگذشت مادر ارجمندتان را تسلیت عرض می‌نمائیم.
از خداوند متعال برای آن فقیده سعیده شادی روح و غفران الهی و برای آنجناب و سایر بستگان طول عمر توام با عزت و سلامت آرزو می‌نمائیم.
هیات ائماء و هیات مدیره موسسه غیر انتفاعی محب



همکار ارجمند جناب آقای مصطفی جعفری بانهایت تأثر و تأسف ضایعه‌ار تحال بزرگ رادمرد تأثیر گذار شادروان حسن شهیدی را به شما و خانواده معظم شهیدی و جعفری تسلیت گفته برای آن فقید سعید غفران واسعه وبرای جنابعالی طول عمر همراه با عزت و سلامت مسئلت داریم.

هیأت رئیسه گروه کشاورزی و منابع طبیعی کانون کارشناسان رسمی دادگستری



جناب آقای جلیل کاویانی خانواده محترم کاویانی و بیانی بانهایت تأسف درگذشت آقای علی اکبر کاویانی را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و بقای عمر با عزت بازماندگان را از درگاه ایزد متعال آرزومندم.

زهر ا کمالی - شرکت کیمیا اورانوس

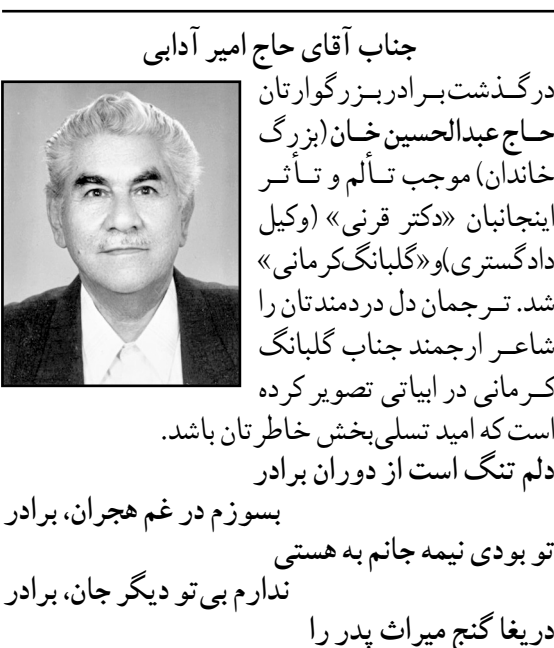
آقایان دکتر رضازمانی، مهندس مرتضی زمانی، و

مهندس ناصر زمانی

بانهایت تأثر و تأسف رحلت غم‌انگیز آن یگانه مادر پاکدل و مهربان و رجعت او به سوی معبود را تسلیت عرض نموده واز بارگاه ایزد منان برای آن مرحومه آمرزش الهی و برای شما و خانواده محترم تان صبر و شکیبایی مسألت داریم.
هیأت مدیره و کارکنان شرکت الکتریکوم

همکار ارجمند جناب آقای محمد قناتیان بانهایت تأسف مصیبت وارده رابه شما وخانواده محترم تان تسلیت عرض نموده از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

امورمالی- اداره حسابداریها- بودجه و گزارشات- حقوق و دستمزد - سازمان وصول- اداره اموال و انبارهای موسسه اطلاعات و شرکت ایران چاپ

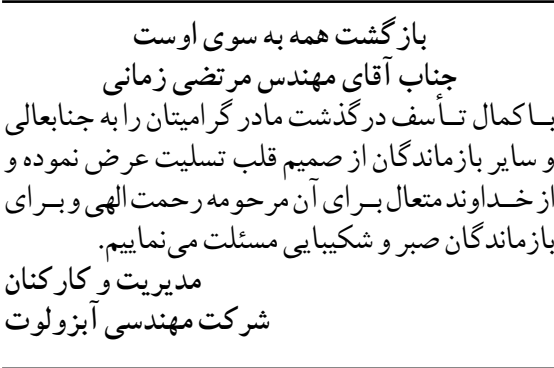


درگذشت برادر بزرگوار تان حاج عبدالحسین خان (بزرگ خاندان) موجب تالم و تأثر اینجانبان «دکتر قرنی» (وکیل دادگستری) و«گلپانگ کرمانی» شد.
ترجمان دل دردمندتان را شاعر ارجمند جناب گلپانگ کرمانی در ایباتی تصویر کرده است که امید تسلی بخش خاطر تان باشد.

دلم تنگ است از دوران برادر بسوزم در غم هجران، برادر تو بودی نیمه جانم به هستی ندارم بی تو دیگر جان، برادر دریغا گنج میراث پدر را

قضا بُرد از کفم آسان، برادر تو را هم خویش هم بیگانه می‌خواست نمونه بودی و انسان، برادر حسین نام تو هر جا بر زبان هست تو را می‌بینمت پنهان، برادر تو را «گلپانگ کرمانی» غزل گفت

بر این هجران بی پایان، برادر

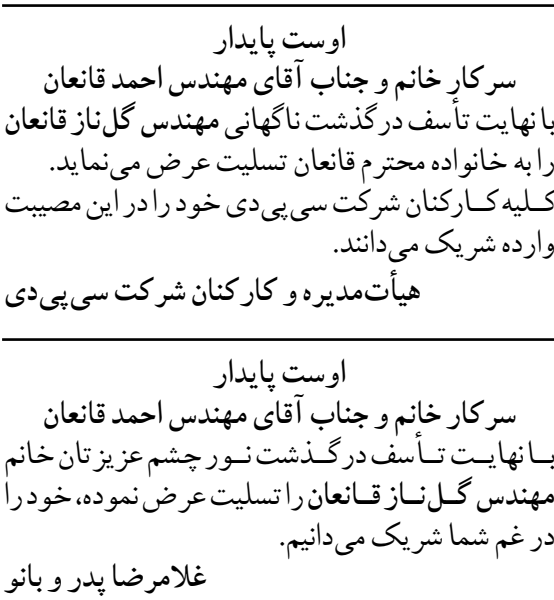


همکار گرامی جناب آقای مهندس حسین افسری بدین وسیله مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده واز خداوند متعال رحمت واسعه الهی برای آن مرحوم مسئلت می‌نماییم.

شرکت مهندسی آب و خاک

باز گشت همه به سوی اوست جناب آقای مهندس مرتضی زمانی باکمال تأسف درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و سایر بازماندگان از صمیم قلب تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

مدیریت و کارکنان شرکت مهندسی آبزولوت



دوست عزیز سرکار خانم نسرین شهیدی باسندوه فراوان و عرض تسلیت از درگاه ایزد منان برای شما خانواده گرامی آرزوی صبر و شکیبایی را داریم.

شیرین و حمید فراهانی -امیتیس و علیرضا امیر سلیمانی -مهناز شیخ الاسلامی -سورنا معیری

اوست پایدار

سرکار خانم و جناب آقای مهندس احمد قانعان

بانهایت تأسف درگذشت نور چشم عزیز تان خانم مهندس گل‌ناز قانعان را تسلیت عرض می‌نماید.
کلیه کارکنان شرکت سی پی دی خود را در این مصیبت وارده شریک می‌دانند.

هیأت مدیره و کارکنان شرکت سی پی دی

اوست پایدار

سرکار خانم و جناب آقای مهندس احمد قانعان

بانهایت تأسف درگذشت نور چشم عزیز تان خانم مهندس گل‌ناز قانعان را تسلیت عرض نموده، خود را در غم شما شریک می‌دانیم.

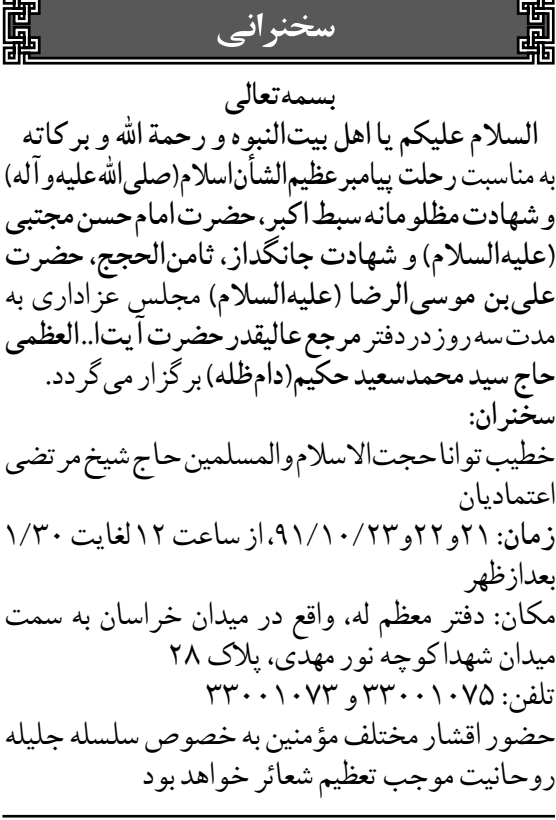
غلامرضا پدر و بانو

دوست عزیز جناب آقای منصور خدادادی درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم و داغدار تان تسلیت می‌گویم.

از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

آقایان:
آبی - آذرینا - احسان اکبری - اسدی - آقایی - بردبار - بنی الحسینی - حیدرزاده - عسگری - فارسی - فرقانی - صالحی آرام - ظریف - حبیب عبداللّهی - قطبی - کاظمی میر- میرخانی - میرزا آقاسی - نرجه - نفیسی - نیک نژاد - وزیری - ویژگان.

خانمها:
پزشکی - صرافی - عسگری - قیاسی - کاشانی - گودرزی.



بسمه تعالی
السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و رحمة الله و برکاته
به مناسبت رحلت پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و شهادت مظلومانه سبط اکبر، حضرت امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) و شهادت جانگداز، ثامن‌الحجج، حضرت علی بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) مجلس عزاداری به مدت سه‌روز در دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت‌ا.العلّمی حاج سید محمدسعید حکیم (دام‌ظله) برگزار می‌گردد.

سخنران:
خطیب توانا حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مرتضی اعتمادیان
زمان: ۲۱و۲۲و۲۳/۱۰/۹۱، از ساعت ۱۲ لغایت ۱/۳۰ بعدازظهر
مکان: دفتر معظم له، واقع در میدان خراسان به سمت میدان شهدا کوچه نور مهدی، پلاک ۲۸
تلفن: ۳۳۰۰۱۰۷۵ و ۳۳۰۰۱۰۷۳

حضور اقشار مختلف مؤمنین به خصوص سلسله جلیله روحانیت موجب تعظیم شعائر خواهد بود

السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین
محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته‌است

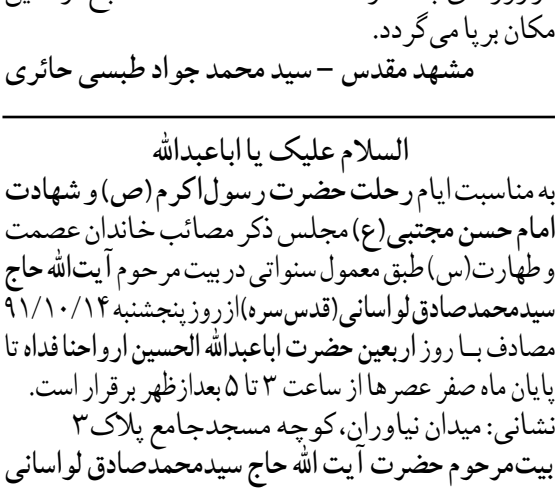
امام خمینی «ره»

با عرض ادب و ارادت به ساحت مقدس پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی‌الله علیه و آله که همچنان کینه‌توزانه از سوی پلیدان عالم مورد اسائه ادب قرار می‌گیرند و بمنظور تجلیل از آن حضرت و خاندان مطهرش، مجلس سوگواری و ذکر مناقب و مصائب سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم آلف التحیه و الثناء، هر روز بعد از نماز جماعت ظهر و عصر با سخنرانی وعاظ محترم به شرح زیر در مسجد حضرت امام خمینی (ره) بازار منعقد می‌باشد.

دهه سوم صفر: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رستگاری شایسته عموم موئین ومومنات علاقمند بساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت گرامی آن حضرت

بویژه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام شرکت نموده و ضمن بهره‌مندی از تعلیم رهایی بخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، بویژه در مقطع حساس مقابله و مقاومت در برابر فشارهای استکبار جهانی، تعظیم شعائر دینی نمایند.

دفتر مسجد حضرت امام خمینی (ره) بازار تهران



زمان: ۵ شب آخر ماه صفر - از دوشنبه ۹۱/۱۰/۱۸ تا جمعه ۹۱/۱۰/۲۲ آخرین شب ماه صفر، بعد از نماز جماعت مغرب و عشاء از ساعت ۶/۳۰ تا ۸ شب (مردانه و زنانه)، به نشانی مشهد مقدس - امام رضا ۱۸ مقابل پمپ بنزین و بانک سپه و یا از طرف ۱۷ شهریور، عنصری ۳ - کوچه حسینیّه آیت اله طّیسی حائری

این مراسم همه‌ساله در جوار آستان قدس حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در حسینیّه و در کنار مزار شریف عالم ربّانی و فقیه پارسا و متقی مرحوم آیة الله آقای حاج سید علّیّقی طّیسی حائری امام جماعت مسجد جامع گوهرشاد و استاد عالی‌مقام حوزه‌های علمیه کربلای معلی و مشهد برگزار می‌شود.

لازم به تذکر است که دفتر حسینیّه آن مرحوم به نشانی فوق و شماره تلفن ۸۵۴۴۳۱۴-۰۵۱۱-۱۰ ماده پاسخگویی به همه گونه مسائل شرعی و سئوالات مذهبی و دینی مراجعه‌کنندگان می‌باشد.

ضمناً همه روزه نماز جماعت ظهر و عصر و مغرب و عشاء و روزه هفتگی و ذکر مناقب و مصائب ائمه هدهه معصومین (ع) در روزهای جمعه از ساعت ۹/۳۰ تا ۱۰/۳۰ صبح در همین مکان برپا می‌گردد.

مشهد مقدس - سید محمد جواد طّیسی حائری

السلام علیک یا ابا عبدالله

به مناسبت ایام رحلت حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) مجلس ذکر مصائب خاندان عصمت و طهارت (س) طبق معمول سنواتی در بیت مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمدصادق لواسانی(قدس سره) از روز پنجشنبه ۹۱/۱۰/۱۴ مصادف با روز اربعین حضرت ابا عبدالله الحسین ارواحنا فداه تا پایان ماه صفر عصرها از ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر برقرار است.
نشانی: میدان نیاوران، کوچه مسجدجامع پلاک ۳
بیت مرحوم حضرت آیت الله حاج سیدمحمدصادق لواسانی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

و آشنایان می‌رساند

به همین مناسبت مجلس ختمی در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ درمسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

از طرف همسر و فرزندان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور جناب آقای انوشیروان پوریان را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان

پرواز در کدام مناطق آسمان ممنوع است؟

توجه به اهمیت چشمگیر پروازهای غیر نظامی و به تبع آن افزایش چشمگیر درخواست کاربران صنعت هوانوردی به کاهش هزینه‌های مرتبط با این صنعت یعنی درخواست شرکت‌های هواپیمایی به استفاده از مسیرهای هوایی منسجم‌تر برای کاهش هزینه‌های سوخت پروازهای خود، بهره‌گیری از فضاهای انعطاف‌پذیر مورد تاکید ایکائو قرار گرفته است.

مرادی خاطر نشان می‌کند: فعالیت نظامی در مناطق مختلف نباید همیشه مانع از پروازها شود. می‌توان در زمان‌هایی خاص هم‌چون زمان مانورهای نظامی، منطقه را ممنوع اعلام کرد اما در اکثر اوقات سال این ممنوعیت وجود نداشته باشد و پروازها بتوانند با بهره‌گیری از مسیرهای مستقیم‌تر به مقاصد خود پرواز کنند.

وی می‌افزاید: این امر یعنی کاهش طول مسیرهای پروازی از طریق ترسیم مسیرهای مستقیم‌تر نه تنها به نفع شرکت‌های پروازی خارجی است، بلکه شرکت‌های هواپیمایی داخلی هم از آن منتفع خواهند بود. به یاد داشته باشیم نرخ سوخت در بازار جهانی همواره صعودی است و این افزایش گاهی به حدی است که شرکت‌های هواپیمایی را برای جبران هزینه‌های مرتبط مجبور به افزایش نرخ بلیت می‌کند. مناطق ممنوعه پروازی در هر کشوری وجود دارد و از برخی مناطق خاص به هیچ عنوان نمی‌تواند پرواز عبور کند.

البته مردم فکر می‌کنند آسمان خیلی گسترده است و بدون هیچ محدودیتی می‌توان از هر کجای آن به جای دیگر پرواز کرد؛ هر چند شاید در سال‌های آغازین تولد صنعت هوانوردی این امر تا حدودی امکان‌پذیر بود، اما رفته رفته با توسعه این صنعت و ایجاد صنعت کنترل ترافیک هوایی در دل صنعت هوانوردی، این امکان محدود شده و انجام پروازها تنها در داخل دالان‌های هوایی تحت کنترل کنترل‌های ترافیک هوایی امکان‌پذیر است و ترسیم این کانال‌ها متأثر از تعداد زیادی فاکتور از جمله اخذ مجوز از ارگان‌های نظامی مرتبط است.

بقیه در صفحه ۱۸



که صنعت پتروشیمی تا به این حد توسعه نیافته بود، با چنین معضلی مواجه نبودیم. وزیر اسبق کشاورزی در پاسخ به این سؤال که سرمایه‌گذاری‌های انجام شده هفت سال گذشته در این بخش آیا کافی بوده است، گفت: در حالی بیش از کل ۵۰ درصد درآمد نفتی کشور از زمان مظفرالدین شاه تا به امروز متعلق به دولت فعلی بوده است اما به اندازه سرمایه‌مستهک شده در بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری جدید انجام نشده است. وی گفت: در حسابداری صنعتی هم مسئله شدن سرمایه در نظر گرفته می‌شود که این امر برای کشاورزی در هر ۱۵ سال یکبار باید ۱۰۰ درصد سرمایه‌گذاری کامل شود تا نوسازی در بخش انجام بگیرد.

کلانتری در پاسخ به این سؤال که آیا چنین حجم عظیمی از سرمایه در کشور وجود داشت که بخشی از آن صرف بخش کشاورزی شود، می‌گوید: با توجه به درآمد دولت فعلی امکان هر کاری از جمله سرمایه‌گذاری کامل در بخش کشاورزی وجود داشت. در زمان آغاز به کار دولت هاشمی و رفسنجانی در سال ۶۸ حدود ۵۱ درصد کسری بودجه داشتیم. هر پیشکه نفت ۶ دلار قیمت داشت که از این رقم ۲/۵ دلار صرف استحصال و هزینه حمل‌ونقل می‌شد و با ۳/۵ دلار باقیمانده از هر بشکه، بازسازی مناطق جنگی و توسعه کشور انجام شد.

وی گفت: با ۵۵۰ میلیارد دلار مجموع درآمد نفتی دولت‌های نهم و دهم، تورم کشور باید به ۵ درصد و برابر تورم طرفین قرارداد تجارت‌مان می‌رسید. اما چنین نشد و هر دلار تا ۳۵۰۰ تومان رسید، زیرا درآمدهای نفتی به جای توسعه، کاهش هزینه‌های تولید و افزایش بهره‌وری، صرف موارد غیرتوسعه‌ای شده است.

کلانتری گفت: اگر بی‌دقتی در این زمینه‌ها انجام نمی‌شد، شاهد چنین معضلاتی نبودیم. با این حال می‌بینیم که با توجه ویژه بودن شرایط از کاستی‌ها چشم‌پوشی می‌شود و دهم‌های متوالی است که این روند ادامه دارد. وی خاطر نشان کرد: وقتی سازمان برنامه منحل می‌شود یعنی برنامه‌ای وجود ندارد.

یعنی اینکه برنامه معنی ندارد و همین می‌شود که رشد پیش‌بینی شده به ۶ میلیون تن کاهش یافت و فقط یک میلیون و ۵۹۰ هزار تن کبود تأمین شد. این در حالی است که حتی در زمان جنگ هم



دکتر عیسی کلانتری وزیر اسبق کشاورزی:

سالانه ۳۵ هزار هکتار اراضی کشاورزی از دست می‌رود

* کلانتری وزیر اسبق کشاورزی: افزایش ۲ میلیون هکتاری سطح زیرکشت به دلیل

نداشتن امکانات فیزیکی، بودجه‌ای، مهندسی، نهال و آب امکان‌پذیر نیست

* بیلان منفی سفره‌های آب زیرزمینی که در اول برنامه چهارم ۵/۴ میلیارد

مترمکعب بود، تا پایان برنامه به سالانه ۸/۲ میلیارد مترمکعب افزایش یافت

از سوی هیچ دستگاهی یا مردم جدی گرفته نشده است. حتی اگر سرمایه این اقدام هم تأمین شود امکانات دیگرش از جمله امور

ذکر شده قرار است توسعه ایجاد شود. کلانتری تصریح کرد: به همین خاطر است که چنین وعده بزرگی

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

هکتار هم ۵۰ میلیون تومان خواهد بود که بدین ترتیب در مجموع

سطح مورد توسعه بالغ بر ۱۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد که با این وضع چگونه می‌خواهند آن را تأمین کنند.

وی با ذکر اینکه اصلاً امکان فیزیکی و مهندسی چنین رقمی از توسعه وجود ندارد، گفت:

همه کشور اعم از بخش‌های خصوصی و دولتی و عمومی در دهه ۷۰ بسیج شدند و توانستیم به‌طور متوسط ۱۰ هزار هکتار

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

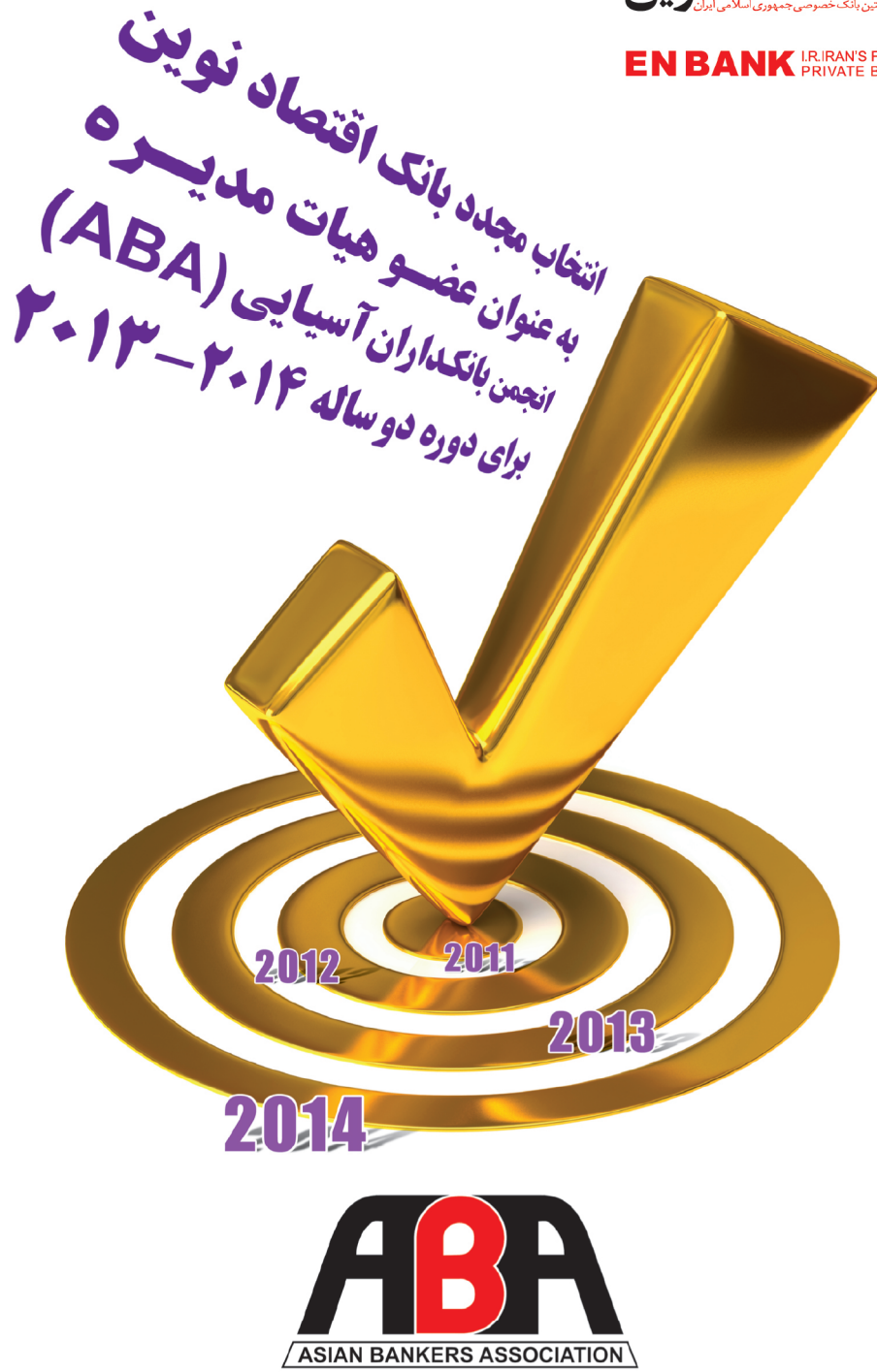
نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های

نیشکر توسعه دهیم، حالا چگونه در کمتر از یکسال از باقیمانده عمر کاری دولت ۲ میلیون هکتار آن هم بدون وجود زیرساخت‌های



حمایت شما سرمایه ماست

هجدهم دیماه، سالروز تأسیس بانک سرمایه‌گرایی باد



این انتخاب و دیگر عناوین کسب شده برای کارکنان و مدیران این بانک، نه تنها یک موفقیت بزرگ محسوب می‌شود؛ بلکه در حقیقت مسئولیتی جدیدتر برای پاسخگویی مناسب به اعتماد و انتظارات، مشتریان، سهامداران و دیگر ذینفعان و بویژه بانک محترم مرکزی ج.ا. ایران برای اعتلای نظام بانکی کشور تلقی می‌گردد.

بررسی چگونگی شناسایی پوزهای بلا تکلیف

بررسی‌های صورت گرفته و استعلام از ارگان‌های مرتبط نشان می‌دهد شایعاتی که در مورد جمع‌آوری پایانه های فروشگاهی منتشر شده صحت ندارد.

یک مقام مسئول بانک مرکزی در گفت‌وگو با فارس با بیان این مطلب گفت:د پی انتشار شایعاتی مبنی بر جمع آوری تعدادی از پایانه های فروشگاهی در بعضی فروشگاه‌ها توسط افراد نا شناس، موضوع مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد گزارش مبتی بر تالش عده‌ای برای سوء استفاده از موقعیت آمده، به ثبت نرسیده است.

وی ادامه داد: هماغونه که تا به حال چندین بار اطلاع رسانی شده است، تنها نمایندگان شرکت هایی که به متقاضیان، پایانه فروشگاه‌های فروخته اند، امکان مراجعه قانونی به دارندگان دارا دارند و واحدهای صنفی باید در صورت

مراجعه افراد متفرقه از همکاری با آنان خودداری کنند.

این مقام مطلع افزود: در حال حاضر و به علت توزیع غیر تخصصی و بی ضابطه این دستگاه‌ها طی سال‌های اخیر، امکان سوءاستفاده برخی از این دستگاه‌ها وجود دارد که امیدواریم با وارداتهای شایرک امکان شناسایی و جمع آوری پایانه‌های فروشگاهی اضافی و معیوب شده طی سال‌های گذشته شود-داد سویی دیگر بنابر اعلام شرکت شبکه الکترونیک پرداخت کارتی («شایرک»، نماینده‌ای از طرف این شرکت به دارندگان دستگاه‌های کارت‌خوان مراجعه نمی‌کند و واحدهای صنفی فقط با شرکی که برای نصب دستگاه‌طرف قرارداد برده‌اند، مرتبط باشد.

روابط عمومی شرکت شبکه پرداخت الکترونیکی کارت («شایرک») اعلام کرد: در پی انتشار برخی شایعات درباره انجام اقدامات کلاهبردانه توسط افراد سودجو و به منظور ارتقای سطح ایمنی و محافظت پذیرندگان پایانه‌های فروشگاهی در مقابل مخاطر احتمالی ناشی از سوء استفاده از نام شایرک، نکتات زیر برای اطلاع دارندگان پایانه‌های فروشگاهی بیان می‌شود. بنا براین اطلاعیه رعایت نکات زیر موجب خواهد شد تا با مشکلات کمتری روبرو شده از میزان سوء استفاده‌های احتمالی در این زمینه کاسته شود:
۱- شرکت شایرک هیچ نماینده یا کارشناسی برای تعویض، قطع یا جمع آوری دستگاه‌های پایانه فروش به واحدهای صنفی و دارندگان نمی فرستد. چرا که اساس شایرک ارتباطی با دارندگان واحدهای صنفی ندارد.

۲- فقط نمایندگان شرکت‌های تأمین کننده خدمات پرداخت به این دستگاه‌ها در اختیار صاحب فروشگاه قرار داده اند، مجاز به بازدید و در

صورت نیاز تنظیم و رفع عیب این دستگاه‌ها هستند.

۳- نمایندگان شرکت‌های تأمین کننده علاوه بر ارائه کارت شناسایی موظفند برکه معرفی نامه شرکت تأمین کننده خدمات پرداخت را هم پیش از هرگونه دسترسی و استفاده از دستگاه کارت خوان ارائه کنند.

۴- برای رفع اشکالات دستگاه کارت خوان نیازی به استفاده از کارت، شماره کارت،رمز اول و دوم کارت و نظایر آن نیست و دارندنه دستگاه از ارائه هر گونه اطلاعات مالی و بانکی خود اجتناب کنند.

بر اساس این اطلاعیه برای رفع مشکلات ناشی از سیستم‌های مرکزی، از جمله واریزکردن وجوه به حساب دارندنه دستگاه نیازی به اطلاعاتی غیر از آنچه بر روی رسید، صور مفاد شده توسط دستگاه کارت خوان درج می‌شود،

نبوده و از ارائه اطلاعات اضافی خودداری شود.

حذف صفر از پول ملی و نیاز های اجرایی

رئیس انجمن اقتصاددانان تاکید کرد: تا زمانی که انضباط مالی بر اقتصاد حاکم نشود، حذف صفر از پول ملی اثر چندانی بر حفظ ارزش

دکتر علی رشیدی در گفت‌وگو با ایسنا با بیان این‌که ارزش پول ملی به تقاضای خارجی برای آن و عرضه پوله‌های خارجی برای یک کشور بستگی دارد، اظهار کرد: هرگاه به تقاضای پول ملی، مجموع روابط اقتصادی بین‌المللی یک کشور است.

وی با اشاره به این‌که تقاضا برای پول ملی به سیاست‌های کلان اقتصادی مرتبط است، افزود: در این میان صادرات خارجی که از سوی خارجی‌ها در کشور انجام می‌شود، نظیر سرمایه‌گذاری خارجی، توریست‌ها، دیپلمات‌ها، دریافت‌هایی حاصل از حمل و نقل تقاضای پولی را افزایش می‌دهد.به گفته رشیدی در صورتی که کالاهای تولید داخل قابلیت رقابت با بازارهای جهانی را داشته و از کیفیت و شرایط رقابتی کاملی برخوردار باشند و مجموع سیاست‌های اقتصادی داخلی به نحوی صحیح اجرایی شوند، از سوی دیگر از فرار سرمایه و فرار مالیات معاف گردد آنگاه صادرات به نحو قابل توجهی افزایش خواهد یافت.

آزاد سازی نرخ سود سپرده‌ها

مدیر امور طرح و برنامه بانک مسکن درباره عمده مشکلاتی که در حال حاضر بانک‌ها به آن مواجه هستند، گفت: در حال حاضر بعضی از بانک‌ها نرخ‌های سود را رعایت نمی‌کنند و این موضوع برای برخی از بانک‌ها که خود را مقید به رعایت آن می‌دانند در تجهیز منابع مشکلاتی ایجاد می‌کند.

اردشیر بیژنی در گفت‌وگو با ایسنا با بیان این مطلب افزود: فکر می‌کنم چون بانک مرکزی مجری سیاست‌ها و در واقع سیاست‌گذار پولی در کشور است بنابراین تمام بانک‌ها باید خود را مکلف به پیروی از این بسته سیاستی –نظارتی بدانند. و اگر این اتفاق افتاده و وحدت رویه وجود داشته باشد کمی از مشکلات بانک‌ها کمتر خواهد شد و رقابت ناسالمی که بین بانک‌ها وجود دارد

با توجه به سیاست‌های مقامات اقتصادی کشور مبنی بر تکثرنرخ‌ی شدن،ارزاییکی از این راهکارها تعیین قیمت طلا و سکه بر مبنای دلار مرکز مبادلات ارزی است.

محمدکشتی‌ارز رئیس‌انجمن اتحادیه کشوری طلا و جواهر در گفت‌وگو با فارس با اشاره به دستورالعمل تعیین قیمت طلا بر مبنای نرخ ارز مرکز مبادلات ارزی، اظهار داشت: با توجه به سیاست‌های مقامات اقتصادی کشور مبنی بر تک نرخ‌ی شدن ارز، یکی از این راهکارها تعیین قیمت طلا و سکه بر مبنای دلار مرکز مبادلات ارزی است.

وی افزود: بر این اساس به دلیل نامشخص بودن قیمت‌های فعلی، تمایزات بین شرکت‌های تأمین کننده خدمات پرداخت به این دستگاه‌ها در اختیار صاحب فروشگاه قرار داده اند، مجاز به بازدید و در صورت نیاز تنظیم و رفع عیب این دستگاه‌ها هستند.

۳- نمایندگان شرکت‌های تأمین کننده علاوه بر ارائه کارت شناسایی موظفند برکه معرفی نامه شرکت تأمین کننده خدمات پرداخت را هم پیش از هرگونه دسترسی و استفاده از دستگاه کارت خوان ارائه کنند.

۴- برای رفع اشکالات دستگاه کارت خوان نیازی به استفاده از کارت، شماره کارت،رمز اول و دوم کارت و نظایر آن نیست و دارندنه دستگاه از ارائه هر گونه اطلاعات مالی و بانکی خود اجتناب کنند.

بر اساس این اطلاعیه برای رفع مشکلات ناشی از سیستم‌های مرکزی، از جمله واریزکردن وجوه به حساب دارندنه دستگاه نیازی به اطلاعاتی غیر از آنچه بر روی رسید، صور مفاد شده توسط دستگاه کارت خوان درج می‌شود، نبوده و از ارائه اطلاعات اضافی خودداری شود.

آن بعيد است.

کاهش می‌یابد.
بیژنی با بیان اینکه ماموظف به رعایت نرخ سود تسهیلات تعیین شده در بسته سیاستی –نظارتی بانک مرکزی هستیم گفت:از سویی با توجه به تورمی که وجود دارد سپرده‌گذاران خواهان نرخ سود بالاتری هستند، و سویی به طور خلاصه می‌توان گفت که منابع ومصارف با هم همخوانی ندارند.

مدیر امور طرح و برنامه بانک مسکن درادامه پیشنهاد داد که بانک مرکزی نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات را برای بانک‌ها آزاد بگذارد و از آن طرف بانک‌ها را رتبه‌بندی کند و بر اساس شاخص‌هایی که تنظیم می‌کند بررسی کند که بانک‌ها چه اعتباری دارند و آیا از اعتبار بالایی برخوردارند یا خیر.

مدیر اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

هم با تشریح دلایل مخالفت بانک مرکزی با تعیین قیمت طلا بر مبنای دلار مرکز مبادلات ارزی گفت: فقط کالایی که از مرکز مبادلات ارز گرفته باید قیمت آن مطابق نرخ مبادله‌ای باشد.

پیمان قربانی با اشاره به اقدام اتحادیه کشوری طلا و جواهر برای تعیین قیمت طلا و جواهر بر مبنای طبق ارز مبادله‌ای باشد اما نرخ ارز مبادله‌ای اظهار داشت: این مساله موردتأیید بانک مرکزی نیست و معتقدیم قیمت طلا در بازار تعیین شدن ارز، یکی از این راهکارها تعیین قیمت طلا و سکه بر مبنای دلار مرکز مبادلات ارزی است.

مدیر اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

در پاسخ به این سؤال که آیا این اقدام نمی‌توانست گامی در جهت رسیدن راه تعیین شده بر ارز مرکز مبادلات ارزی باشد، گفت: جهت‌گیری

پیشانی شرايطی همگرايی بين نرخ مبادله‌ای، آزاد ايجاد شده و این جهت هدف محقق اين هدف از بانک مرکزی در اتاق مبادلات ارزی است که اين مرکز ارز کالاهای

شامل اولويت‌های تعيين شده را تأمین کند و همواره مسئولان مربوطه را تاييد کرده‌اند که عمق مرکز مبادلات باید افزایش یابد.

وی گفت: با افزایش سهم ارز مبادله‌ای، تاثیر مستقیم آن بر قیمت طلا و سکه باعث شده‌است، تا شاهد

نرخ‌های چندگانه در بازار کالاهای مختلف باشیم.

وجودارزهای مختلف به قیمت مرجع ۱۲۲۶ تومان، ارز مبادله‌ای، حدود ۲۵۰۰ تومانی و ارز بازار آزاد،

باعث ناهماهنگی در اقتصاد مختلف توزیع کالاها در کشور شده است.

مسیر دیگری است.

مدیر اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

ادامه داد: تا زمانی که این مسیر تحقق نیافته، کاهش قیمت سکه و

نگاهی به عملکرد مالی ۱۳ بانک کشور در ۹۰ نشان می‌دهد این بانک‌ها در مجموع بیش از ۱۶هزار میلیارد ریال سود خالص کسب و بین سهامداران تقسیم کرده‌اند.

به گزارش فارس بر اساس گزارشات مربوط به ۱۳ بانک در پایان سال مالی ۹۰، این بانک‌ها در مجموع بیش از ۴۱ هزار و ۷۳ میلیارد ریال سود قابل تخصیص (خالص) کسب کرده‌اند که بین سهامداران تقسیم شده است.

عملکرد مالی برخی بانک‌های دیگر که در این گزارش نمایمه به دلیل نهایی نشدن گزارش سال مالی آن‌ا در عدم تشکیل مجمع عمومی برای تقسیم سود می‌باشد.

همچنین بازار داخلی شده است.
بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.



گفتنی است که قیمت‌گذاری طلا با این مبادله‌ای باعث افزایش قاچاق می‌شود.

نوسان نرخ ارز در یک سال گذشته و تاثیر مستقیم آن بر قیمت طلا و سکه باعث شده‌است، تا شاهد

نرخ‌های چندگانه در بازار کالاهای مختلف باشیم.

وجودارزهای مختلف به قیمت مرجع ۱۲۲۶ تومان، ارز مبادله‌ای، حدود ۲۵۰۰ تومانی و ارز بازار آزاد،

باعث ناهماهنگی در اقتصاد مختلف توزیع کالاها در کشور شده است.

مسیر دیگری است.

مدیر اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

ادامه داد: تا زمانی که این مسیر تحقق نیافته، کاهش قیمت سکه و

نگاهی به عملکرد مالی ۱۳ بانک کشور در ۹۰ نشان می‌دهد این بانک‌ها در مجموع بیش از ۱۶هزار میلیارد ریال سود خالص کسب و بین سهامداران تقسیم کرده‌اند.

به گزارش فارس بر اساس گزارشات مربوط به ۱۳ بانک در پایان سال مالی ۹۰، این بانک‌ها در مجموع بیش از ۴۱ هزار و ۷۳ میلیارد ریال سود قابل تخصیص (خالص) کسب کرده‌اند که بین سهامداران تقسیم شده است.

عملکرد مالی برخی بانک‌های دیگر که در این گزارش نمایمه به دلیل نهایی نشدن گزارش سال مالی آن‌ا در عدم تشکیل مجمع عمومی برای تقسیم سود می‌باشد.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچنین بازار داخلی شده است.

بروز چند نرخ‌ی ارز که پیش تر در شرایط جنگی و در هشت سال دفاع مقدس رخ داده بود، به اقتصاد دو نرخ‌ی با چند نرخ‌ی موسوم است که این اقتصاد لطعات خود را در طولانی مدت وارد می‌کند.

حال آن که تصمیم گیران و سیاست‌گذاران کلان کشور برای

تعدیل وضع موجود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که این

ابزارها تاکنون پاسخگو نبوده و حتی

بسیاری از آنها از پشتوانه کارشناسی مناسبی برخوردار نبوده است.

همچ



به بهانه مراسم بزرگداشت مصطفی محدثی خراسانی



شاعری در دایره اعتدال

نشسته است.
محدثی و خود نقدی اصلاح گرانه
شاعر «بر آستان جانان» در مورد «کوشش و جوشش» افزود: من نام این کار را بازسرای، بازپردازش، و «خود نقدی اصلاح گرانه» می گذارم و داشتن این صفت را برای هر شاعری جزو محاسن می شمارم. در چنین فرایندی، شعر «تبدیل به احسن» می شود و گاهی حتی با جابه جایی یک کلمه از فرش به عرش عروج می کند و در ذهن و زبان زمانه ماندگار و جاودانه می شود.
و اما لازمه «خود نقدی اصلاح گرانه» این است که شاعر به اثر ادبی به چشم یک «موجود زنده» نگاه کند. اثری که در هر «بازخوانش» می تواند بار دیگر متولد شود، قد بکشد، و بلوغی دوباره را تجربه کند.
بر این اساس، من معتقدم که اگر امروز حافظ بزرگ زنده بود، هوشمندانه به «بازخوانش» و «بازسرای» اشعار خود می نشست و نسخه تکامل یافته تری از غزلیات خود را پیش روی ما می گذاشت.
شعر و ابلاغ پیام های انسانی
وی یادآور شد: این عزیز، شاعری را رسالتی مقدس و الهی می داند و به شعر به عنوان رسانه ای قدرتمند برای ابلاغ پیام های انسانی و اسلامی و تربیت نسل ها نگاه می کند؛ همچنان که علامه اقبال گفته است:
شعر را مقصود اگر آدم گری است

از قافیه، سیاهی لشگری به راه می اندازند که بیا و ببین! چنان که در اشعار تعدادی از شاعران سبک هندی به این مورد بر می خوریم.
کاربرد قافیه به این شکل افراطی، جز ملال و کسالت چیزی به همراه ندارد و غزل را نیز از سکه می اندازد.
جوشش و کوشش در کنار هم
اسماعیلی با اشاره به باور محدثی به «کوشش» در کنار «جوشش» در عرصه خلق و آفرینش ادبی اظهار داشت: محدثی خراسانی به کوشش و جوشش در کنار هم اعتقاد دارد. به نظر وی یک شعر از جوششی درونی شکل می گیرد، اما برای کامل شدن و به کمال رسیدن نیاز به صیقل - و به اصطلاح عامیانه - چکش کاری دارد. بر اساس همین باور و اعتقاد، وی وقتی شعری می گوید: در ادامه با ممارست و کوشش ادبی در صدد ویرایش و بازسرای آن بر می آید. چنان که بسیاری از شاعران بزرگ - از جمله حافظ - نیز به این شیوه عمل می کرده اند.
تصحیح و بازسرای یک شعر همچون ارزش افزوده ای است که بر کمال یک شعر می افزاید و آن را از فرش به عرش می برد. چنان که حضرت لسان الغیب با هوشمندی تمام بسیاری از شعرهای معاصرین خود - از جمله فخرالدین عراقی و سلمان ساوجی - را بازسرای کرده و یک بیت متوسط و معمولی را در کوره طبع خود به بیتی کمال یافته و عالی تبدیل کرده است. محدثی خراسانی نیز همچون حافظ به این سنت حسنه پایبند است.
غزل های محدثی - مثل طبیعت - دائماً در حال پوست اندازی، نو شدن و تازه شدن هستند. برای مثال اگر مجموعه شعری از او پنج بار تجدید چاپ شود، هر چاپ جدید برای خواننده اشعارش می تواند به مثابه اثری جدید تلقی شود. از آن جهت که او در هر تجدید چاپ با اصلاحاتی که بر اشعارش اعمال می کند، کشف و شهودهای شاعرانه تری را در آینه اشعارش به تماشا می گذارد؛ آن چنان که به خواننده این احساس دست می دهد که به خوانش اثر ادبی جدیدی

به گزارش خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس مراسم «شب شاعر» با هدف گرامیداشت شاعر انقلابی مصطفی محدثی خراسانی و همسرش چندی پیش در سازمان هنری - رسانه ای اوج با حضور شاعران برجسته کشور و علاقه مندان به ادب و هنر ایران برگزار شد.
رضا اسماعیلی، شاعر و همقلم مصطفی محدثی خراسانی، در این مراسم اظهار داشت: تا قبل از سال ۸۰ با آثار محدثی خراسانی فقط از طریق مطبوعات آشنا بودم. در این سال اتفاق خجسته ای رخ داد و وی به تهران آمد و مسئولیت سردبیری فصلنامه شعر حوزه هنری را عهده دار شد. پس از مسئولیت محدثی خراسانی در فصلنامه، ایشان بزرگوارانه از من دعوت به همکاری کرد و همکاری بنده با وی آغاز شد.
وی با بیان این که سیمای روشن شاعری چون محدثی را از سه زاویه شاعری، معلمی، و مدیریت فرهنگی باید به تماشا نشست، افزود: در این مراسم ترجیح می دهم - به اغتنام فرصت - تنها به ویژگی های ادبی و شعری محدثی بپردازم. وی شاعری است که در قالب های کلاسیک شعر می گوید و در این شیوه تعلق خاطر او بیشتر به قالب هایی چون غزل، رباعی، و دوبیتی است. البته هر از گاهی نیز به سبک نیمایی شعر می گوید. سبک وی در شعر، سبک «نثو کلاسیک» است که تلفیق و ترکیبی از نیمایی و تغزل است.

هنجار زبانی و تلاش برای نوآوری
اسماعیلی با بیان این که رفتار محدثی با زبان، رفتاری معتدل، هنجار و مقبول همراه با تلاش برای نوآوری است، تصریح کرد: وی با بهره گیری از توانمندی های ادبی خود، به سمت رفتاری «فرهنگار» با زبان حرکت می کند که رفتاری آمیخته با خلاقیت و نوآوری است. محدثی در شعر به دنبال ساختار شکنی و هنجارگریزی نیست، بلکه با رفتار فرهنگار با زبان به دنبال ترمیم و بازسازی زبان و نوایش و تجدید حیات آن است. رفتار فرهنگار با زبان متکی بر دانش و بینش ادبی است و منحصر به شاعرانی است که در عرصه شعر از بصیرت و هوشمندی ادبی برخوردارند.
از زمانی که با آثار محدثی عزیز آشنا شده ام تا به امروز، او را شاعری یافته ام که با احترام به پشتوانه و پیشینه ادب فارسی و با بهره گیری از قابلیت های قالب های نیمایی، نو، در دایره «اعتدال» حرکت می کند و رمز کامیابی و موفقیت او نیز در پایبندی به همین اصل است.

برخورداری از سعه صدر ادبی
مؤلف کتاب «رفتارشناسی ادبی» در باره ویژگی های شخصیت ادبی محدثی خراسانی گفت: «سعه صدر ادبی» ایشان در عرصه ادبیات، ویژگی بسیار برجسته ای است. وی تعصبی روی قالب ها ندارد و بر این باور است که در هر قالبی می توان شعر خوب سرود و پیش و پیش از توجه به قالب، باید به جوهره شعری یک اثر توجه کرد. چنان که خود ایشان - بی هیچ تعصبی - هم در قالب های کلاسیک و هم در قالب های نیمایی شعر سروده است.

ایجاز و گزیده گوئی
اسماعیلی یکی دیگر از ویژگی های ادبی محدثی را «ایجاز و گزیده گوئی» او در عرصه سرودن دانست و گفت: شما این ایجاز و گزیده گوئی را در غزل های او می توانید ببینید. چنان که محدثی اکثر غزل های خود را در ۵ یا ۶ بیت به سامان رسانده است. در حالی که بعضی از شاعران در غزل های خود

نگاه سعدی به افسردگی - از درون



در زمانه ای که ما زندگی می کنیم، خیلی از پدیده های زندگی تغییر کرده است، انسانی که تا قبل از مدرنیسم، اصلی ترین مشکلش غلبه بر طبیعت بود، امروز گرفتار مسائل و مشکلاتی است که با دست ساخته های خودش پیدا کرده. انسان روزی درگیر پیدا کردن سرپناه بود و امروز مشکلات زندگی شهری و آپارتمان نشینی گریانش را گرفته. روزی از خداوند مرکب را هوار می خواست و امروز مشکلات ناشی از آلودگی هوای ناشی از ترده ماشین های سر به میلیون زده در شهرها گریبانگیرش است. و از این نمونه ها بسیار است.

خلاصه عرض کنم که مشکلات زندگی از نظر شکلی خیلی تغییر کرده اند، اما به نظر ماهیت آن ها تغییر چندانی نیافته؛ مشکلات بوده، الان هم هست.
از جمله این تغییرات بیماری هایی هستند که آدمیزاد به آن ها مبتلا می شود. زمانی آبله و تیفوس و حصبه بود، که امروزه به همت دانشمندان اسم آن ها را هم دیگر نمی شنویم. بیماری هایی که اسمشان هم ترسناک بود. ولی امروز بیماری های دیگری هست که اسمشان ترسناک شده. برخی از آن ها در آینده نزدیک به مدد پیشرفت هایی که دانشمندان خواهند کرد، ان شاء الله برای همیشه به تاریخ علم پزشکی می پیوندند.



اما غیر از بیماری های جسمی، بشر دچار بیماری های دیگری نیز هست که خیلی از اینها را جدید می داند و می دانیم. در گذشته های نه چندان دور به کسی که دچار اختلالات رفتاری می شد می گفتند «دیوانه»؛ یعنی «دیو» در جسم او رفته، و معتقد بودند این افراد را باید دور از دیگران نگهداری کرد. و امروز که به برخورد گذشتگان با این بیماران نگاه می کنیم، این رفتارها برایمان بسیار ناخوشایند است.

یا به اینگونه اختلالات رفتاری، حتی عشق و عاشقی های تند و تیز، می گفتند «جنون»؛ یعنی «جن زده» و آن وقت دست به دامان مشی شید می شدند که این بیماران را از شر جن و دیوی که به جلدشان رفته خلاص کنند.

بگذریم که امروز هم متأسفانه گروهی از افراد به ظاهر تحصیل کرده و روشن فکر جامعه، دنبال حل مشکلاتشان به وسیله رمال ها و آئینه بین ها هستند.

اما تفاوت در این است که در گذشته ها برای درمان اسهال هم به این رمال ها آویزان می شدند و منتظر بودند که برایشان معجزه کنند، اما امروز بیشتر برای یافتن شوهر مناسب مراجعه می کنند!

در اوائل دوره رضا شاه؛ با ورود علم طب به کشور به تدریج از اطبایی نام می شنویم که به آنها «طیب امراض روحی» می گفتند.

سال ها طول کشید تا علم پزشکی نوین جای خود را در ذهن افراد جامعه باز کند و به مردم ثابت شود در کنار طب سنتی که بسیار هم مفید و محترم است، طب نوین و علم پزشکی نیز قابل اعتماد است.

اما هنوز که بنده در حال نوشتن این سطور هستم، از بیماری های روانی و رفتاری و مراجعه به مشاور روان در مانگر و روانپزشک، انگ زدایی نشده است.

هنوز اگر بخواهیم به کسی پیشنهاد کنیم که برای رفع مشکلی به روانپزشک مراجعه کند، ممکن است که این جواب مشهور را بشنویم که: «مگر من دیوانه ام...؟» هنوز تا حدی همان انگ «دیو زدگی» و «جن زدگی» به ضمیر ناخودآگاه ما حاکم است.

چند سال پیش استاد گرانمایه، جناب آقای بهاء الدین خرمشاهی مقاله ای با عنوان «افسردگی - نگاهی از درون» منتشر کردند و باید بگویم با نهایت شجاعت اعلام کردند که افسرده بودند و از درمان های این بیماری نوشتند و رفع آن. و سعی کردند که این تابو را بشکنند.

بقیه در صفحه ۳

با برنامه تلویزیونی «رادیو هفت» و نویسنده و گوینده قصه های امیر علی

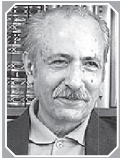


باید از دل مردم قصه کشف کرد

شد که به سراغ داستان نویسی رفتید؟
- خیلی اتفاقی. من دانشجوی رشته مهندسی برق بودم. پس از فارغ التحصیلی به طور اتفاقی پیشنهاد بازی در یک فیلم به من شد. منتهی شرایطی پیش آمد که سر آن فیلم نرفتم. و به توصیه آقای مسعود فروتن در کلاس های بازیگری شرکت کردم. در جریان آن کلاس ها و تکالیف نوشتاری که به ما می دادند، بعضی استادان متوجه استعداد نویسندگی من شدند و مرا به این حیطه تشویق کردند؛ از جمله آقای هدایت هاشمی و خانم آناهیتا اقبال نژاد. نظر آقای فروتن هم همین بود و نتیجه این شد که به این کار علاقه مند شدم و حس کردم حرفهایی برای گفتن دارم و می توانم خوب بنویسم.
* آشنایی تان با برنامه رادیو هفت از کجا آغاز شد؟
- یک روز آقای فروتن (که خودشان در آن زمان در برنامه داستان می خواندند) من را به برنامه رادیو هفت معرفی کردند و...
بقیه در صفحه ۵

اشاره: سنت قصه گوئی و قصه خوانی در رادیو و تلویزیون ما مدت ها است که رنگ شده و جای خود را با سریال های پر زرق و برق و عمدتاً کم محتوا عوض کرده است. بزرگتر هایمان حتماً به خاطر دارند شب های زمستانی را که جمع می شدند در کنار هم و قصه های شب را از رادیو گوش می کردند.
«رادیو هفت» اما مدتی است سعی کرده این سنت قدیمی را دوباره احیا کند. برنامه ای آرام و دوست داشتنی برای آخر شبی خوش و در این میان، قصه های نویسنده ای جوان، محبوب و تماشناگر افتاده است. امیرعلی نبویان، متولد دوم فروردین ماه ۱۳۵۹، که با وجود جوان بودن و سن کم، قلم پخته ای دارد.
در آخرین روز پاییز ۹۱ و درست چند ساعت قبل از شب یلدا با او هم صحبت شدیم. درباره خودش و نویسندگی و کتابش که به تازگی به چاپ دوم هم رسیده است و او با حوصله ای بی پایان، تک تک سوالاتمان را پاسخگو بود.
* داستان نویسی را چگونه آغاز کردید؟ چه

کژتابی های ذهن و زبان



استادهاالدین خردشاهی

یکی از دوستان من انسان بسیار ساده ای است؛ به طوری که بعضی از کلمات یا جملاتش در بین دوستان مثل ضرب المثل رایج شده است. یک بار از من پرسید: از برادرهایتان چه خبر؟ گفتم: والله می دانید که در شهرستان زندگی می کنند، گاهی تلفنی می زند یا می زنم. گفتم: «پس آمد و رفت تلفنی دارید؟»

یک بار هم همین بزرگوار تلفن منزل ما را گرفته بود و از هر دو با هم سخن گفتیم و چاق – سلمتی و حتی اختلاط کردیم. خلاصه پس از چندین دقیقه صحبت از آدم و عالم بکجو در آمد که: «فلانی، تلفن شما را درست گرفته ام؟»

نظیر این مرد دانشمند اهل کتابی، در حدود پانزده سال پیش، در جمعی رو به من کرد و پرسید: فلانی، مرحوم جمالزاده زنده است؟

ایرانیان از پس که هنرهای بسیار را احتکار کرده اند، بعضی وقت ها برای انگلیسی ها هم لغت می سازند. مثلاً «گلر» به معنای دروازه بان، از ساخته های ایرانیان است و گر نه انگلیسی اش «goal keeper» است. دیگر آن که فکر می کنند «گل» فوتبال همان گل گیاهی فارسی است. حال آن که «goal» به معنای «هدف، کسب امتیاز و غیره» است. حتی «فوتبالیست» هم ساخته ایرانیان است و انگلیسی اش «Football Player» (بازیکن فوتبال/ فوتبال بازیکن) است. یا «moblist» را به معنای برنده جایزه نوبل به کار می برند که وطنی است.

در فرهنگستان زبان و ادب فارسی که بنده کوچکترین عضو آن هستم، در یک جلسه داشتیم تعداد اعضا را تکمیل و به اصطلاح کابینه را ترمیم می کردیم. قرار بر این شد که هر نامزدی را که ۶ نفر تأیید کنند، نامزدی اش رسمی می شود و می رود به مرحله رأی دادن/ گرفتن. خلاصه همه چیز به خیر و خوبی پیش می رفت ولی شیرین کاری هایی هم رخ می داد. مثلاً کسی که برای نامزدی ۶ رأی آورده بود، در انتخاب ۵ رأی می آورد که حکایت از لاقل یک چرت مرغوب یکی از نامزد کنندگان داشت. تاز و یک نفر را یکی از اعضا پیشنهاد کرد؛ یعنی بدون خواستگاری و بله بر و ن، یکر است نامزد کرد، اما هیچکس به این نامزد و نامزدی رأی نداد. سسکونی طنز آور یا شاید قدری تلخ و گس حاکم شد. تا یکی از رندان گفت: ایشان به اتفاق آرا رأی نیاورد!

در مقاله «مرگ خاموش» که در ۱۹ تیر ماه ۱۳۸۲ در یکی از روزنامه های صبح تهران چاپ شده بود، ۱۵ – ۱۰ دستورالعمل برای ترک سیگار که به خیال نویسنده خیلی کاری و کارا می آمده، درج شده بود. اولین آنها این بود: «به مدت ۲۴ ساعت از کشیدن سیگار مطلقاً خودداری کنید.»

بقیه فند و ترفندهایی هم که برای ترک سیگار آورده، در همین مایه ها بود. یکی دیگرش به عین الفاظ این بود: «در مورد ترک سیگار یا کاهش مصرف آن فکر کنید. با دیگران در مورد کشیدن سیگار صحبت کنید.»

«یا رب این ترک شناسی ز که آموخته بود؟»

یکی از دوستان نقل می کرد که با دوستش می رفته به قزوین (زادگاه چند علامه غیر از بنده. و چه کنم که جمله اخیر داخل پرانتز، کژتاب از آب در آمد. حرف من درست است؛ یعنی غیر از من که علامه نیستم. اما عاقلان دانند!) و در ۲۰۳۰ کیلومتر مانده به قزوین در دست راست جاده (طبعاً چون در دست چپ نمی شود) تابلوی راهنمایی بوده که مسیر یاراه را به سوی الموت (Alamut)، دیار تاریخی معروف، نشان می داده. دوست دوستم از او می پرسد: فلانی، راهوالموت (Raholmoat) [راه الموت را این گونه خوانده بوده] یعنی چی و کجا؟

یکی از بچه های فامیل، یک روز با خوشحالی از مدرسه آمد و گفت: مامان، مامان، مژه ده امروز «صفر» آفرین» گرفتیم!

یک نخبه نابغه آسای دیگر که همسایه ما بودند، یک روز داشت به منزلشان که یک طبقه بالاتر از طبقه و آپارتمان ما بود، باز می گشت. کیفش را مثل کوله پشتی به پشت انداخته بود که دست هایش آزاد باشد و بتواند از آنها برای علامت دادن استفاده کند. حالا علامت چی بود؟ دو انگشت سبابه اش را به طرفین دهان غنچه کرده اش که به حالتی که مثلاً بخواهد O انگلیسی تلفظ کند، گرفته بود و شکش شده بود O.. و مقصودش را که مادرش زودتر از ما فهمید این بود که امروز [هم] صفر گرفته ام.

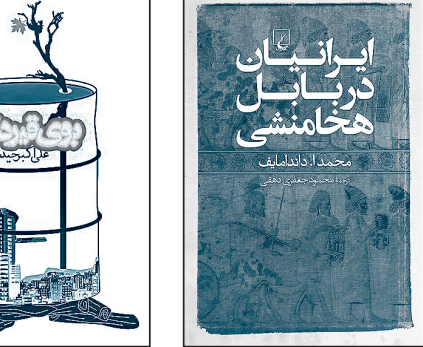
بازار نشر کتاب در آغازین روزهای زمستان با انتشار کتاب های جدید رمان و قصه و شعر، توانست گرمایش محفل کتابخوانان شود. آنچه در پی می آید، نگاهی گذرا به برخی کتاب های تازه منتشر شده است.

دومین مجموعه شعر محمد رضا طهری با عنوان «آرامگاه ادبی» توسط انتشارات فصل پنجم منتشر شد.

این کتاب شامل غزل هایی است که در آن شاعر سعی کرده با بهره گیری از شیوه های کلاسیک و تلفیق آن با زبان و تصاویر نو و گاه استفاده از تکنیک های روایت در شعر، فضایی تازه به مخاطب عرضه کند. موضوع بیشتر شعرهای این کتاب، تلفیقی از مباحث اجتماعی، عاطفی و مذهبی است.

«آرامگاه ادبی» با شمارگان هزار و ۲۰۰ نسخه و قیمت ۳ هزار تومان منتشر شده است. «سرفه های گرما فون» عنوان مجموعه شعر قبلی طهری بود که چاپ و عرضه با استقبال مخاطبان روبرو شد.

رمان «پلنگ خانم تنهاست» نوشته علیرضا سیف الدینی که سال هادر نوبت انتشار بود، به زودی توسط نشر افراز منتشر خواهد شد. علیرضا سیف الدینی، مترجم و نویسنده این کتاب گفت: رمان «پلنگ خانم تنهاست» داستان رمان نویسی است که همسرش در حال نوشتن زندگی پلنگ خانم است. یک دلیل نامگذاری پلنگ خانم به این علت است که این شخصیت، صورتی شبیه به پلنگ دارد. یک دلیل دیگرش برداشت خودم به عنوان خواننده اثر است.



وی افزود: شرح کوتاه برداشت شخصی ام این است که انسانی که پلنگ می شود، چگونه می شود؟ نظر من این است که انسان وقتی پلنگ می شود، باید در انسان بودنش پلنگ شود؛ یعنی شجاعت پلنگ را داشته باشد، اما درنده خویی او را به کار نکیرد. در کل، داستان این رمان، درباره زندگی یک زن است که به نظرم از منطری متفاوت به این موضوع نگاه می شود.

این مترجم گفت: این کتاب به غیر از ترجمه ها و دیگر آثارم، پنجمین رمان نوشته شده ام و دومین رمانی است که از من چاپ می شود. این کتاب که سال ۹۰ به اثر شاد رفته بود، چند ماه است مجوز چاپ را کسب کرده و حداکثر تا پایان این ماه توسط انتشارات افراز به چاپ می رسد.

رمان «کیمیا خاتون» نوشته سعیده قدس و «بگشای لب» نوشته شهره وکیلی از سوی یک ناشر ایرانی – انگلیسی در اروپا و آمریکای شمالی منتشر و در سایت آمازون قرار گرفت.

انتشارات ایرانی – انگلیسی «شمع و مه» (Candle and fog) که در زمینه برگردان ادبی معاصر ایرانی به زبان های زنده دنیا فعالیت می کند، به تازگی دو کتاب از نویسندگان کشورمان را منتشر و در بازارهای جهانی عرضه کرده است.

یکی از این کتاب ها رمان «کیمیا خاتون» نوشته سعیده قدس است که به داستان زندگی دختر خوانده مولانا جلال الدین محمد بلخی می پردازد. این کتاب براساس متن های معتبر تاریخی به نگارش در آمده و به زندگی «کیمیا خاتون» دختر محمدشاه ایرانی و کراخاتون، که پس از مرگ شوهرش به عنوان همسر دوم به عقد محمد جلال الدین بلخی در آمده بود، می پردازد.

ترجمه انگلیسی این کتاب با عنوان «kimya khatun» در ۳۸۰ صفحه و با بهای ۱۹ دلار و ۴۰ سنت منتشر شده است.

همچنین ترجمه انگلیسی کتاب «بگشای لب» نوشته شهره وکیلی با عنوان «the veil of tears» توسط همین ناشر (شمع و مه) در بازارهای جهانی منتشر شده است.

سه رمان در قالب یک کتاب به دلیل گرانی کاغذ و افزایش هزینه های چاپ، بزودی منتشر خواهد شد.

مرتضی فخری از قرار دادن سه اثر داستانی بلند خود برای انتشار در یک کتاب خبر داد و گفت: بعد از نمایشگاه کتاب امسال، سه اثر داستانی با عنوان «تنهایی اتاق ۱۳۱۳»، «نفس» و «سی گاو» برای انتشار آماده کردم که قرار بود هر کدام در یک کتاب جداگانه منتشر شود، اما به خاطر گرانی کاغذ و مسائل موجود در حوزه چاپ کتاب در نهایت تصمیم گرفته که این سه اثر را در یک کتاب با نام «سی گاو» جمع کنم که مجوز انتشار گرفته و منتشر می شود.

وی همچنین از پایان تألیف رمان تازه خود با عنوان «خوار گلو» خبر داد و گفت: این داستان در روستایی می گذرد که حیات اقتصادی آن از راه تهیه و فروش خار و هیزم صورت می پذیرد، اما رفته رفته با حضور چراغ والور و نفت در این روستا این اقتصاد با کساد روبرو می شود و این همزمان است با تولد قهرمان قصه است که همه فکر می کنند از شور قدمی اوست که این اتفاق رخ داده است و به نوعی او را طرد می کنند.

به گفته فخری، این آثار همگی از سوی نشر افراز منتشر خواهند شد.

رمان وسترن «برادران سیسترز» نوشته پاتریک دوویت به زودی با ترجمه پیمان خاکسار توسط نشر به نگار به چاپ می رسد. رمان «برادران سیسترز» با عنوان دومین رمان پاتریک دوویت نویسنده جوان کانادایی است. این رمان در ۲۰۱۱ در کانادا منتشر شد و موفق

زمستان سرد و بازار گرم رمان

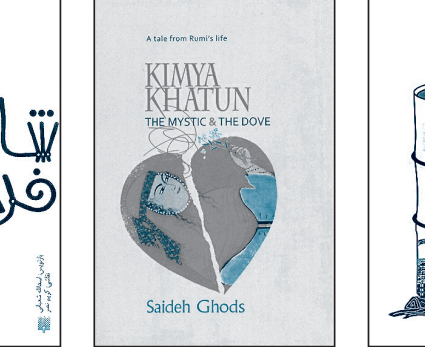
شد در میان عناوین نامزد جایزه بوکر راه پیدا کند که به عقیده برخی از منتقدان این جایزه باید به این کتاب تعلق می گرفت. داستان این رمان وسترن در سال های قرن نوزدهم جریان دارد.

با وجود فضا و شرایط شکل گیری داستان که غرب وحشی است، رمان دارای دغدغه های امروزی است. شخصیت های اصلی رمان هم دو برادر هفت تیرکش هستند که مز دور بوده و با آدم کشی گذران عمر می کنند. این رمان بعد از انتشار، به مرور زمان بیشتر مورد توجه قرار گرفته و در میان پرفروش ترین کتاب ها در آمریکا و کانادا قرار گرفت. ترجمه این وسترن ساختار شکن چندی پیش توسط پیمان خاکسار به پایان رسید.

نمایشنامه «موسیقی مجلسی» نوشته آر تور کوپیت، بهمن ماه امسال با ترجمه عاطفه پاکباز نیا به بازار نشر عرضه خواهد شد.

عاطفه پاکباز نیا مترجم این نمایشنامه گفت: داستان نمایشنامه «موسیقی مجلسی» در سال ۱۹۲۸ جریان دارد و در مورد ۸ زن مشهور از نسل های مختلف است که دور هم جمع شده اند و احساس می کنند که قرار است از طرف مردها حمله ای به سوشان صورت بگیرد. بنابراین شروع به ذهنیت سازی براساس دیدگاه های خودشان می کنند.

وی افزود: آر تور کوپیت، نویسنده این اثر، برنده جایزه تونی است و دوبار هم نامزد جایزه پولیتزر شده است. من ترجمه آثار او را از چند سال پیش آغاز کردم و سال پیش بازگردانی شان را به پایان رساندم. به این ترتیب این نمایشنامه به ترتیب و به صورت هر سال یک نمایشنامه



توسط انتشارات افراز به چاپ رسیدند.

مصطفی جمشیدی، داستان نویس، از تحویل تازه ترین رمانش به ناشر برای چاپ خبر داد و گفت: رمان «واقع نگاری یک زندگی» که بخش مفصلی از آن به وقایع قبل از انقلاب مربوط می شود، تحویل انتشارات بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان شده است.

وی افزود: حجم این رمان ۲۸۷ صفحه است و کارهای مربوط به قبل از چاپش انجام شده و به زودی منتشر و راهی بازار می شود. جمشیدی اضافه کرد: محوریت داستانی این رمان، مهاجرت عده ای از ایرانیان به کشورهای شمالی (شوروی) در دوران بعد از قحطی جنگ جهانی دوم است.

وی گفت: این رمان قسمت اول از سه گانه ای است درباره انقلاب و دوران بعد از آن است و هم اکنون هم در حال نگارش جلد دومش این سه گانه با عنوان «دشت باغی ها» هستم. طرح ذهنی جلد سوم را هم ریخته ام و به زودی نگارش آن را آغاز می کنم.

مجموعه شعرهای آیینی احمد ده رزگی با عنوان «هزار خانه خورشید» توسط انتشارات سوره مهر منتشر می شود.

این شاعر پیشکسوت درباره ویژگی مجموعه شعر جدیدش گفت: این مجموعه شعری شامل دو بیتی هایی است که تمام آنها تم آیینی دارند.

ده بزرگی ادامه داد: از دیگر ویژگی های «هزار خانه خورشید» این است که هم برای علاقه مندان به شعرهای آیینی مفید است، هم برای مداحان قابل استفاده خواهد بود.

این شاعر درباره تفاوت مجموعه جدید خود با اثر قبلی اش «گل می روید»، گفت: این دو مجموعه شعر تفاوت اندکی با یکدیگر دارند. در دفتر شعر «گل می روید» بخش انتهایی کتاب به رباعی های آزاد با موضوعات اجتماعی، عاطفی و زندگی روزمره اختصاص یافته، اما مجموعه «هزار خانه خورشید» تنها اشعار آیینی را شامل می شود.

کتاب «شاهنامه فردوسی» با بازنویسی اسدالله شعبانی و نقاشی های کریم نصر از مجموعه «آیینات ایران از دیروز تا امروز» توسط انتشارات پیدایش به چاپ رسید.

شاهنامه حاصل رنج سالیان شاعر بزرگ فارسی زبان ایرانی است. داستان فراز و فرود، غم و شادی، رنج و آسایش، شکست و پیروزی یک ملت است. اسدالله شعبانی با گزینش گوشه هایی از این کتاب عظیم و سادف نویسی و شرح آیات، تلاش کرده است تا خوانندگان را با این اثر بزرگ ایران زمین آشنا کند.

وی در مقدمه ای که بر کتاب نوشته، آورده است: کوشیدم کتاب را متناسب با درک و دریافت نوجوانان ارائه دهم. به همین علت از افراط در سادف نویسی پرهیز کرده و سعی شده بین نثر فعلی و شعر فردوسی هماهنگی باشد.

کتاب «ایرانیان در بابل هخامنشی» نوشته محمدا. داندامایف با ترجمه محمود جعفری دهقی توسط انتشارات ققنوس به چاپ رسید.

این کتاب یکی از ارزشمندترین پژوهش های دانامایف در باب ایرانیان ساکن در بابل در طول فرمانروایی هخامنشیان است. وی با دقت بسیار کل نوشته های ایلامی باقیمانده از پایگانی عظیم موراشو را بررسی کرده و بدین ترتیب فهرستی از ایرانیان ساکن بابل و سایر شهرهای میانرودان را به دست داده است.

از آنجا که این اسامی در هیچ سند دیگری ثبت نشده تنها مرجع ارائه دهنده آن همین گل نوشته هاست. از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.



محمدرضا زعفرانی

افزون بر این، به یاری این اسناد می توان به روابط اجتماعی، فرهنگی و به ویژه اقتصادی عصر هخامنشی با دیگر سرزمین های تابع امپراتوری پی برد.

دو نمایشنامه «چهارمین در» و «گاو مجسم» نوشته غلامرضا احمدخوانی چاپ و منتشر شد.

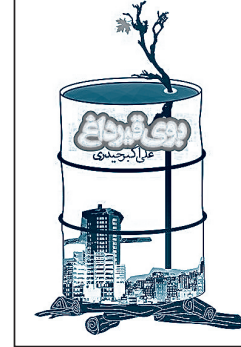
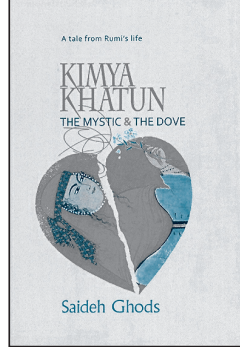
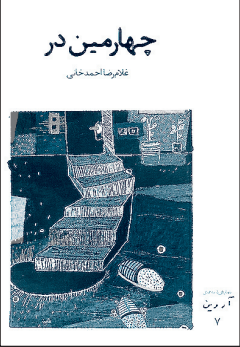
در نمایشنامه «چهارمین در»، همانطور که از نامش پیداست، چهار در وجود دارد که هر دو متعلق به یک نفر است و هر یک از این نقرات هم معرف یک طبقه اجتماعی است. در چهارم اما همیشه بسته است و همه دنبال این هستند که بدانند این در متعلق به کیست.

این نمایشنامه ۷۲ صفحه ای در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و با بهای ۲۵۰۰ تومان از سوی انتشارات افراز راهی بازار شده است.

نمایشنامه «گاو مجسم» هم داستان زندگی مرد تنهایی است که از لحاظ روحی و روانی با بقیه افراد تفاوت اساسی دارد. این مرد هر روز به پارک نزدیک محل زندگی خود می رود و با مجسمه گچی گاوی که در داخل پارک نصب شده، صحبت می کند.

این مجسمه برای این پیرمرد همیشه زنده است و ادامه این روند و تغییر این مجسمه در پارک ماجرای نمایشنامه «گاو مجسم» را شکل می دهد.

مجلدات تازه ای از رمان پیامبر که در هشت مجلد منتشر می شود، آماده شد.



نقی سلیمانی، نویسنده این رمان، گفت: پنجمین جلد از رمان پیامبر همزمان با نمایشگاه کتاب امسال و با موضوع بزرگسالی پیامبر اکرم (ص) منتشر شد و جلد ششم این رمان با موضوع میانسالی پیامبر اکرم (ص) در دو بخش تألیف می شود که بخش نخست آن به ناشر تحویل شده است. بخش دوم این کتاب را در دست نگارش دارم و تقریباً تا نیمه تألیف شده است.

وی افزود: مجلدات بعدی این کتاب به دوران کلاسنالی پیامبر باز می گردد که هنوز مراحل تحقیق و پژوهش آن به طور جدی آغاز نشده است.

سلیمانی همچنین از تجدید چاپ مجلدات پیش از تولد، کودکی، نوجوان و جوانی پیامبر اکرم (ص) از این مجموعه برای چهارمین نوبت از سوی مؤسسه انتشارات به نشر خبر داد و گفت: انتشارات قدیانی به تازگی کتاب «دریاسب من شده است» را که با موضوع زندگانی شمس تبریزی نوشته ام، تجدید چاپ کرده است.

ترجمه گزیده اشعار ناظم حکمت برای انتشار آماده شده و به زودی توسط انتشارات نگاه به چاپ می رسد.

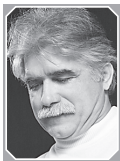
احمدی پوری، شاعر و مترجم گفت: ترجمه مجموعه گزیده اشعار ناظم حکمت در سال گذشته به پایان رسید و اوایل سال ۹۱ آن را به انتشارات نگاه سپردم. این کتاب با حجم حدود ۵۰۰ صفحه، کتاب مفصلی است که بسیاری از اشعار این شاعر ترک را در بر می گیرد. وی افزود: کتاب همه مراحل پیش از چاپ را طی کرده و در حال حاضر در صحافی است و به زودی به چاپ می رسد. این کتاب، مجموعه گزیده مفصل و جامعی از اشعار حکمت است که می تواند مورد استفاده علاقه مندان این شاعر در کشورمان قرار بگیرد. اثر دیگری که برای همین ناشر ترجمه می کنم، مجموعه گزیده اشعار آنا آخاماتووا است که این کتاب به پایان راه خود نزدیک می شود و به نظرم حداکثر تا یک ماه دیگر نسخه ترجمه شده آن به انتشارات تحویل داده خواهد شد.

مجموعه پنج جلدی «جو شلرولک»، ماجراهای خنگ ترین کارآگاه دنیا با ترجمه کاوه شجاعی از سوی نشر چکه منتشر می شود. این کتاب جو شلرولک را این گونه معرفی می کند: شخصیت اصلی این مجموعه، جو شلرولک، نه تنها نابغه لوس و درسخوانی نیست، بلکه اوضاعش توی مدرسه خیلی خراب است. نه تنها زور بازو ندارد، بلکه از تاریکی هم می ترسد. اما یک کار را خوب بلد است. او می داند چطور معماهای بزرگ را حل کند. او یک جوجه کارآگاه است.

نخستین مجموعه داستان علی اکبر حیدری با عنوان «بوی قیر داغ» از سوی نشر روزنه در حالی منتشر شد که وی معتقد است همه داستان های او به خواننده این حس را القا می کند که در حال استنشام بوی قیر داغ است.

علی اکبر حیدری گفت: این کتاب نخستین اثر منتشر شده از من است، اما پیش از این، دو اثر دیگر را نیز در سال ۸۸ و ۸۹ از سوی نشر آگه برای انتشار ارائه کردم که مجوز نشر دریافت نکرد. وی افزود: اسم این مجموعه براساس نام داستانی آن انتخاب شد که در حال حاضر از مجموعه حذف شده است، اما به نظرم می توان حس ناشی از آن را در همه داستان های مجموعه درک کرد.

حیدری افزود: درباره داستان های این مجموعه می توانم بگویم که همگی دارای یک روح واحد روی خود هستند. این داستان ها درباره تأثیر گذشته روی آدم هاست و این که این گذشته حال آنها را راه نمی کند و نمی گذارد که آنها از دستش رها شوند. این حس در همه داستان های این مجموعه حتی اگر از نظر زبانی با یکدیگر متفاوت باشند به چشم می خورد.



آیة‌الاحقر السبزواری

معرفی مجموعه شعر رضوی «کبوترانه بخوان آسمان هشتم را» / رضا اسماعیلی / سخن گستر

روشن از شهود ماه

از شناساندن واقعی امام رضا(ع) باز می‌ماند و آنچه در پرده ابهام می‌ماند، شخصیت واقعی و ارزشهای پنهان آن بزرگوار است که ردیف و قافیه‌های تکراری و سوژه‌های مستعمل و شعرهای زیراکسی موفق به توصیف آن نیست و خروجی این جشنواره‌ها و شب شعرهای مشابه، هنوز قادر به تولید شعری فراگیر از زاویه‌ای بکر و ساختاری نو و لحنی متفاوت نبوده‌اند. می‌توان اقرار کرد که ترانه‌ها و سرودهای مناسبی از زبان کودکان و با بیانی کودکانه، پخش شده از تلویزیون، مؤثرتر از تولیدات این جشنواره‌هاست. برای رهایی از این معضل که اغلب گریبانگیر شعر دولتی نیز هست، پیشنهاد می‌شود که به جای فراخوان برای ارسال شعرهای سفارشی، دبیرخانه این جشنواره‌ها به کتاب‌های چاپ شده یا شعرهای چاپ شده در نشریات ادبی جایزه بدهند. آثاری که از صمیم دل و نه به خاطر جایزه و کسب مقام سروده شده‌اند و نماینده ایمان و صمیمیت سرایندهٔ صادق این نوع شعرهاست. مثل حوزه‌هنری که در سال ۸۶ با رای هیأت داوران متخصص، جایزهٔ ده‌سال طنز مکتوب را در تمام زمینه‌ها به شاعران و نویسندگان و هنرمندان طنز اهدا کرد. دبیرخانه این جشنواره‌ها با تشکیل هیأت کارشناسی متخصص در همان نوع از شعر، می‌توانند تولیدات شاعران این نوع شعرها را در نشریات و سایت‌ها شناسایی و معرفی نمایند. به‌ویژه در بین شعرای جوان و پیرسال شهرستانی.

«رضا اسماعیلی» از شاعران فروتن امروز است که با به پای انقلاب آمده است و در اغلب قالب‌ها از کلاسیک و نیمایی و آزاد تا فرانو، طبع آزمایی کرده است.

زیباترین شعرهای مناسبی در مورد ائمه اطهار(ع) را در قالب غزل و آزاد از ایشان خوانده‌ایم که چون از دل برآمده، لاجرم بر دل‌ها نشست است. مجموعه شعر تازه‌ایشان که کتاب سال شعر رضوی نیز شده است «کبوترانه بخوان آسمان هشتم را» نام دارد و توسط انتشارات سخن گستر مشهد چاپ و منتشر گردیده است. این کتاب در دو بخش

غزل و رباعی
تظطیم شده و
طبق معمول
از صمیمیت و
صداقت خاصی
برخوردار است.
نگاه نو، لحن

توضیح ضروری:

مطالب ستون نقدینه، نقد فنی کتاب شعر نیست، تلفیقی از حاشیه‌های

طنز آمیز شعر و شاعری و معرفی کتاب‌های رسیده است؛ آن هم از سر

ارادت و صداقت. غلظت طنزهای گهگاهی در لابلای متن

را به حساب شدت صمیمیت یا رودربایستی غریزی من بگذارید.

که گفته‌ها و نوشته‌هایش پریشان و بی‌معنی است. سعدی در دیباچه گلستان ادامه می‌دهد که این حالات و افسردگی ادامه داشته: «تا یکی از دوستان که در کجاوه



انیس من بود، و در حجره جلیس، به رسم قدیم از در درآمد. چندان که نشاط ملاعبت کرد، و بساط مداعبت گسترد، جواش نگفتم، و سر از زانوی تعبد برنگرفتم. رنجیده نگه کرد و گفت:

کنونت که امکان گفتار هست

بگوای برادر به لطف و خوشی
که فردا چو پیک اجل در رسید

به حکم ضرورت زبان در کشی
کسی از متعلقان منش، بر حسب واقعه مطلع گردانید،
که فلان عزم کرده است، و نیست جزم که بقیت عمر
معتکف نشیند و خاموشی گزیند.»

سعدی به روشنی اشاره می‌کند که این دوست را به خوبی و مثل گذشته نپذیرفته و بسا و رفتار گرمی نداشته است. که اینها نیز همه خبر از احوال ناخوش او و افسردگی‌اش دارد.

آن دوست سعی می‌کند سعدی را از این حالت بیرون بیاورد. و اضافه می‌کند که یکی از اطرافیان سعدی آن دوست را از «واقعه» یعنی گرفتاری سعدی به افسردگی، آگاه می‌کند. البته با عباراتی در شأن سعدی، که پیداست همان موقع و قبل از نگارش گلستان، جایگاه و پایگاهی داشته که آن دوست می‌گوید، قدم از قدم بر نمی‌دارم تا سعدی به حال گذشته باز گردد و می‌گوید:

«خلاف راه صواب است و نقض رای اولوالالباب،
ذوالفقار علی در نیام و زبان سعدی در کام»
این نشان می‌دهد که آدمی گرفتار افسردگی شده که

متنوع، ساختار بدیع، تنوع سوژه و زبان امر وزین شعرها ویژگی‌های این مجموعه است. رضا اسماعیلی در این شعرها واقعیت خود را سروده است.

او بیشتر از این که به مقام اولی و جایزه و کف و هورا بیندیشد، صادقانه و با خلوص نیت این مجموعه را، نه به زبان رسمی و نه عامیانه، بل از زبان دل سروده است:

پُرَم ز حِجَم ترنم، اگر چه خاموشم

طنین نام تو پیچیده باز در گوشم

سفر به مشهد چشم تو کرده ام مشب

که با حقیقت آئینه‌ها هماغوشم

نشسته‌ام به تماشای گنبد زردت

زالال نور تو را عاشقانه می‌نوشم

خوشم ز حال و هوای حرم، خوشم با تو

ز عطر خاطره‌های سپید مدهوشم

غریب و خسته به درگاهت آمده‌ام و لا

بخوان سرود اجابت دوباره در گوشم

رضا اسماعیلی، بعد از غزلیات پرشور دربارهٔ ائمه اطهار(ع)، از زبان رباعی نیز خوش درخشیده و توانسته است مضمون سازی‌های زیبایی در این قالب داشته باشد:

تهران مشهد مگو که خیلی راه است

این راه که روشن از شهود ماه است

تهران مشهد قسم به خورشیدتوس

عاشق بشوی مسافتی کوتاه است

با شوق، زیارتت، حرم می‌آیم

دلسوخته، پابه پای غم می‌آیم

پرواز پُر و بلیت...؟ اما غم نیست

با خط هوایی دلم می‌آیم

غم نیست که مشهد حضورت دور است

یا چشم من از ندیدنت بی‌نور است

ایمان به تو دارم و خیالم تخت است

وقتی تو طلب کنی، زیارت جور است!

گفت‌وگو

بخش دوم

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



رازِ راز

گفتگو از: کریم فیضی

دربارهٔ شیخ محمود شبستری

***یکی از مسائلی که طبیعتاً باید دربارهٔ آن حرف بزنیم، زندگی و شخصیت صاحب منظومه «گلشن راز» جناب شیخ محمود شبستری است. شما اگر اشتباه نکنم در یکی از مجلدات «دفتر عقل و آیت عشق» دربارهٔ شیخ شبستری مطالبی نوشته‌اید. با توجه به آن مطالب و با توجه به اینکه ما اکنون در حال بحث و تفسیر و گفت‌وگو پیرامون «گلشن راز» هستیم، بجاست که دربارهٔ زندگی و شخصیت شبستری مطالبی بیان شود.

***آنچه من دربارهٔ شیخ محمود شبستری در کتاب «دفتر عقل و آیت عشق» نوشته‌ام، بسیار مختصر است، آنهم دربارهٔ اندیشه‌های اوست، نه زندگی‌اش. من به افکار و عقاید عرفانی او اشاره کرده‌ام، در حالی که دربارهٔ زندگی و حیات و هویت او باید به مسائلی دیگر اشاره کرد.

***از نوع: زادگاه و سال تولد و مولد و موطن و استاد ما و امثال آن که به هویت‌شناسی او و زیست‌یومش بر می‌گردد.

***قبل از هر چیز باید بدانیم که استادانش چه کسانی بوده‌اند و او در کجا درس خوانده است. منظوم، حوزه و کانونی است که در آن شکل گرفته است.

همچنین باید بدانیم که در چه زمان و مکانی می‌زیسته است. این مسائل را باید بررسی کرد...

***که البته مذاق شما چندان وارد شدن به این حوزه‌ها نیست. شما و به تبع حضرت تعالی، بنده بیشتر به اندیشه‌های شیخ اهمیت قائلیم.

***چیزی که می‌دانم این است که اندیشه‌های شیخ محمود شبستری انصافاً خیلی تکان دهنده است. نظیر شبستری بسیار کم است. او از کسانی است که می‌توان گفت: به سیم آخر زده است. حرف‌هایی که او در گلشن راز می‌زند، بسیار متفاوت است. از اول تا آخر گلشن راز به گونه‌ای است که با هر جمله‌ای، یک جهان جدیدی را طرح می‌کند و نگاه جدیدی به روی انسان می‌گشاید. این از خصوصیات ایران زمین و جاذبه‌های مختلف آن است که چنین مردانی را پرورده است. آذربایجان به لحاظ تحویل مردان بزرگ عالم، بسار ممتاز است. جالب است بدانید که من به تازگی متوجه شده‌ام که بهمنیار شاگرد تراز اول ابن سینا اهل آذربایجان بوده است.

بهمنیار بن المرزبان، کسی که ابن سینا و اندیشه‌هایش به دست او ترویج شده، یک آذری است. او کتاب‌هایش را به زبان فارسی و عربی نوشته است.

***البته معروفترین اثر او که التحصیل باشد، عربی است.

***بهمنیار آثار فارسی هم دارد. غرض این است که این مرد از آذربایجان برخاسته است. من قبل از این نمی‌دانستم که بهمنیار اهل آذربایجان است.

در فرهنگ ایرانی، نمی‌توان آذربایجان را دست کم گرفت. علاوه بر این بعد از اسلام، در ایران قبل از اسلام هم جایگاه خطهٔ آذربایجان بسیار قوی و استوار است. یک نمونه‌اش زرتشت است و کتابش اوستا که خود شما بهتر از من می‌دانید که قول معروف پیامبر بودن زرتشت است و کتاب آسمانی بودن اوستای زرتشت. دریای ارومیه که حالا مدهاست صحبت بر سر خشک شدن آن است، در متون کهن به نام چی چست معروف است که به معنای دریای مقدس است. روایت شده که زرتشت در این دریا غسل کرده است و خودش را شستشو داده است. زرتشت را دست کم نگیرید! بر خلاف جمهوری برجای مانده از شوروی سابق که معتقد است آذربایجان واقعی است، ما آذربایجان واقعی را همین بخشی می‌دانیم که در خاک ایران است و هزاران هزار متفکر از آن برخاسته است.

***جالب است که بنده به حسب موطن و نسب آذربایجانی‌ام ولی ارادت حضرت تعالی به آذربایجان و تبریز بسیار آتشین است.

***جنبهٔ ناسیونالیسم ایرانی در این علاقه دخالت ندارد. من به فرهنگ برجای مانده از ایران واقعی عشق می‌ورزم. شما جایی به نام آران و سبلان دارید که جایگاه فکر و فلسفه و زبان‌های مختلف فکری و اندیشه‌ای بوده است. به همین جهت هم، حتی آن دسته از آذری‌هایی که در آذربایجان شوروی هستند، شیفته ایران و شهرهای ایران هستند.

***بارها از شما شنیده‌ام که می‌گفتید: در باکو به پیر مردی برخوردیم که اسم یکی از نوه‌هایش را گذاشته بود تبریز و اسم نوهٔ دیگرش را گذاشته بود تهران!

***بله، همین طور است. آن پیر مرد ما را در خانه‌اش مهمان کرد و ما آنجا دیدیم که تبریز و تهران را صدایم زد. تازه فهمیدیم که اسم نوه‌هایش تهران و تبریز است و جالب اینکه تبریز را بیشتر از تهران دوست داشت!

ادامه دارد

شعر فریاد
شعر اعتراض

سید محمود سجادی

۳۰

وی حتی در غزل نیز که اصولاً به مضامین عاشقانه اختصاص دارد، افکار انقلابی و سیاسی خود را تسری داد:

لاله خونین کفن از خاک سر آورده برون
خاک مستوره قلب بشیر آورده برون
نیست این لاله نوحیز که از سینه خاک
پنجه جنگ جهانی جگر آورده برون
دل ماتم زده مادر زاری است که مرگ
از زمین همزه داغ پسر آورده برون
دست خونین زمین است که از یهر دعا
صبح جویانه ز کوه و کمر آورده برون
آتشین آه فرو مرده مدفون شده‌ای است
که زمین از دل خود شعله در آورده برون
پاره‌های کفن و سوخته‌های جگراست

کز پی عبرت اهل نظر آورده برون
«فرخی یزدی» متولد ۱۲۶۷ و مقتول در سال ۱۳۱۸ شمسی از ابتدای جوانی خود مبارزه بی‌امانی را با استبدادگران و ستمکاران و نیروهای ضد مردمی آغاز کرد و در روزنامه معروف سیاسی خود «طوفان» شعرهای میهنی کوبنده‌ای را به چاپ رساند. او در سال ۱۳۱۸ شمسی در زندان شهربانی تهران توسط ایادی رضا خان به شهادت رسید. شعر معروف آزادی او را بارها خوانده‌ایم و در اوایل انقلاب نیز به صورت سرودی ملی و میهنی شنیده‌ایم: آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود ز جان شستم از برای آزادی
تا مگر به دست آرم دامن وصالش را
می‌دوم به پای دل در قفسای آزادی
در محیط طوفانز امهرانه در جنگ است

ناخدای استبداد با خدای آزادی
یکی دیگر از شاعران که فی‌الحقیقه به عصر بیداری تعلق دارد، «ابوالقاسم عارف قزوینی» است که در حدود سال ۱۳۰۰ هـ.ق در قزوین به دنیا آمده و از شانزده سالگی به شعر و شاعری روی آورده. با شروع نهضت مشروطیت، مشتاقانه به خیل آزادیخواهان پیوسته و تمام هم و غم و استعدادهای هنرمندانه خود را در جهت تقدیس و توسعه اندیشه مشروطه‌خواهی و دفاع از مشروطه‌خواهان به کار برد. چه از نظر شاعری و چه از حیث موسیقی و آوازخوانی همواره مردی آزاده، آزادیخواه و ملت‌دوست بوده است. این عارف و شاعر ملی، در تصنیف‌سازی، آنهم تصنیف‌های سیاسی و انقلابی، نهضتی به وجود آورد و به زودی صفحه‌های آوازش به خانه‌های متمکین و اهل ذوق و فکر و همه آنهایی که در خانه جعبه‌های آواز داشتند، راه پیدا کرد. نمونه‌ای که ذیلاً آورده می‌شود، جزو اشعار انقلابی و سیاسی اوست:

لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست
چه شد که کوه و زشت این قبا به قامت مست
زحد گذشت تعدی کسی نمی‌پرسد
حدود خانه بی‌خانمان ما ز کجاست
چه شد که مجلس شورانمی‌کند معلوم
که خانه خانه غیرست یا که خانه ماست
خراب مملکت از دست دزدخانگی است

زدست غیرچنانلیهر چه هست از ماست
عارف به طور کلی شاعری پرشور است، نه اندیشمند. احساساتش بر اندیشه‌اش می‌چرید. نمی‌توان او را در عداد شاعران مطرح و مثال‌زدنی ایران به حساب آورد.

او روحی حساس و ناملازم داشت و خصوصیات یک انقلابی احساساتی را دارا بود. دیدیم که سالهای آخر عمر خود را نیز با اعتیاد و فقر خودخواسته و خودکرده و حشر و نشر با کسانی که به طور ماهوی ضد انقلاب بودند، گذراند.

او این بخت بلند را داشته - هر چند بدون هیچ ارتباط معقولی - که در آرامگاه این سینا و در جوار آن حکیم بزرگ و طبیب بین‌المللی در همدان مدفون شود.

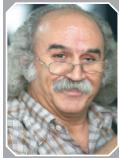
شاعر انقلابی دیگر این دوره «محمدرضا میرزاده عشقی» است که در تیر ماه ۱۳۰۳ شمسی در سن ۳۰ سالگی توسط دو تن از ایادی پلیس مخوف رضاخانی در کنار حوض خانه‌اش با گلوله ترور شد و در عنقوان جوانی و استعداد به قتل رسید. او یکی از پیشگامان شعر متفاوت و نوگرایانه است.

اوزان جدیدی را تجربه کرد و شعرهای دلپذیری را به جامعه شعر دوست زمان خود هدیه نمود که خوشبختانه ما آنها را تحت عنوان «کلیات مصور عشقی» حاوی اشعار، منظومه‌ها و نوشته‌های او به کوشش علی اکبر

مشیر سلیمی، سالهاست که در اختیار داریم.

در بحث از تحولات شعر معاصر و آنچه که به شعر نیمایی منتهی شد، به اعتبار تغییرات و تحولات مربوط به اوزان و قوالب شعری و مضامین جدید، ناگزیر و به حق باید از او نام برد.

وی از مخالفین سرسخت قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله است.

ای ایران...
ای مرز پر گهر

حسین گلاب

دو شماره قبل، برایتان نوشتیم که سراینده سرود ملی «ای ایران ای مرز پر گهر»، مرحوم دکتر حسین گل گلاب بود و اشاره‌ای هم به چگونگی سروده شدن این سرود ملی توسط وی کردم؛ اما نکته جالب اینجاست که ما حسین گل گلاب را بیشتر به خاطر این سرود ملی می‌شناسیم، در حالی که او گیاه‌شناس، ادیب، نویسنده، شاعر، مترجم، استاد دانشگاه، نوازنده، موسیقیدان و عکاس هم بوده و به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، روسی، عربی و لاتین هم تسلط داشته است.

(حالا کاری نداریم که بهترین شاعران و ترانه‌سرایان امروز ما هیچ کدام از وجوه یادشده را ندارند و کلی هم ادعایشان می‌شود!)

حسین گل گلاب، تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه علمیه، نزد استادان آن دوره، عبدالعظیم قریب، میرزا ابراهیم قمی مسعودی، غلامحسین رهنما و شمس‌العلمای قریب گرکانی گذراند و برای تکمیل دوره متوسطه به مدرسه دارالفنون رفت و از معلمان فرانسوی دارالفنون، زبان فرانسه آموخت.

او همچنین علاوه بر زبان انگلیسی و فرانسوی، مقدمات فراگیری زبان روسی را نیز در کلاس «اسکندر خان ماردیروسیان» فراگرفت و پس از پایان تحصیلات در دارالفنون در سال ۱۲۹۵ هجری، سه سال

بعدش در همان مدرسه به تدریس علوم طبیعی پرداخت.

و جالب است بدانید، کسی که ما او را به واسطه یک سرود ملی به خاطر داریم و می‌شناسیم، در طول سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۷ دوازده جلد کتاب در رشته علوم طبیعی تألیف کرد و بعد از آن نیز به ادامه تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۰۱ از مدرسه عالی حقوق در رشته قضایی و علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۰۷ تصدی بخش تحقیقات علمی گیاه‌شناسی را در دانشکده پزشکی به عهده گرفت و تا سال ۱۳۱۳ در دبیرستان نظام و دانشکده پزشکی به تدریس در رشته گیاه‌شناسی پرداخت.

بنابر یادداشت‌هایی که درباره او در کتاب «تاریخ سرود و ترانه‌سرایی در ایران» نوشته شده است: حسین گل گلاب در سال ۱۳۱۴ طبق مقررات قانون دانشگاه تهران به دریافت درجه دکتری در رشته علوم طبیعی نائل آمد و پس از آن به تدریس فیزیولوژی گیاهی در دانشسرای عالی و گیاه‌شناسی در دانشکده پزشکی پرداخت و در سازمان نوین دانشکده پزشکی، به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه بادشده انتخاب شد و در همان سال پس از اخذ دکترای علوم، به عضویت فرهنگستان ایران و سپس به مدیرکلی فرهنگستان مزبور انتخاب شد و در سال ۱۳۲۴ که ریاست دانشکده پزشکی به عهده پروفسور اوبرلین فرانسوی بود، او به معاونت این دانشکده برگزیده شد و در سالهای بعد سمت مدیرکلی دبیرخانه دانشگاه تهران و ریاست انجمن بیولوژی ایران را به عهده گرفت و در این رابطه سفرهایی به کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، بلژیک و انگلستان داشت.

به بهانه مراسم بزرگداشت مصطفی محدثی خراسانی

شاعری در دایره اعتدال

چاپ نمی‌شود. وی همچنین تاکنون دبیر علمی جشنواره‌های ادبی زیادی بوده و با بهره‌مندی از شایستگی‌ها و توانمندی‌های مدیریتی خویش انگیزه تحقیق و پژوهش را در میان بسیاری از شاعران انقلاب زنده کرده است.

تدوین نظریه ادبیات انقلاب اسلامی
وی در ادامه این مراسم که به مناسبت تجلیل از مقام شاعر انقلاب محدثی خراسانی برگزار شده بود، تصریح کرد: امروز ما در کنار خلق و آفرینش‌های ادبی، نیاز به تدوین «نظریه ادبیات انقلاب اسلامی» داریم.

باید صادقانه این چشم‌بندی و نقد ادبی که ما در حوزه نظریه پردازی و نقد ادبی فقیر هستیم.

این یک آفت است و ما باید به دنبال راهکارهایی برای بیرون آمدن از این بن‌بست باشیم. برای رسیدن به استقلال ادبی در این حوزه، ما نیاز به خودباوری و اعتماد به نفس داریم. امروز تعلل و کوتاهی در این مسئله، جفا به ادبیات انقلاب است.

ترانه‌های گل و گلاب
استاد گل گلاب همچنین بیش از ۵۰ قطعه نمایش کلاسیک برای هنرستان هنرپیشگی ترجمه کرده است. همچنین از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به سروده‌ها و ترانه‌هایی برای کودکان اشاره کرد. او از شاعران خوب روزگار خودش بود و از آنجا که نت می‌دانست و به موسیقی هم وارد بود، (برخلاف اکثر ترانه‌سرایان که سرودن ترانه روی آهنگ برایشان مشکل و گاه غیرممکن است) کلمات را به راحتی با نت‌های موسیقی منطبق می‌کرد.

وی در دورانی از زندگی خود و به تشویق استاد کلنل وزیری، چندین سرود و ترانه ساخت که از میان آنها می‌توان به سرودهای آذربادگان و خاک ایران (با صدای استاد بنان)، زبان عشق با صدای عبدالعلی وزیری، ره عشق و بلبل مست با صدای بنان، و وصال دوست با صدای عبدالعلی وزیری اشاره کرد.

نخستین اجرای «ای ایران»

بعد از ساخته شدن سرود ای ایران که حاصل

همکاری روح‌الله خالقی و حسین گل گلاب بود؛ این ترانه با صدای غلامحسین بنان، چندبار تمرین شد و در ۲۷ مهرماه ۱۳۲۳ هنگام اجرای نخستین کنسرت ارکستر انجمن موسیقی ملی ایران، در سینما تهران در خیابان استانبول برای دو شب متوالی اجرا شد و در هر شب نیز بنا بر تقاضای حاضران، این سرود سه بار اجرا شد که حاضران در سالن سینما هر بار با شور و هیجانی خاص ارکستر و خواننده و گروه کر راهمراهی می‌کردند؛ به طوری که می‌گویند مرحوم استاد بنان با اظهار محبت به حاضران در آن جلسه، خطاب به آنها گفته است که بعد از این، هر کدام از شما یک «بنان» هستید. پس از اجرای این سرود در سینما تهران، اتفاق‌های جالب دیگری رخ داد که آنها را در شماره‌های بعد برایتان نقل می‌کنم.

توضیح و تصحیح: در اولین بخش این مطلب که سه شنبه ۹۱/۱۰/۵ چاپ شد؛ نام زنده یاد استاد «خالقی» به اشتباه «خالدی» درج شده بود که با این شرح، اصلاح می‌گردد.



مرحوم حسین گل گلاب، سراینده سرود «ای ایران ای مرز پر گهر»

عمرانی شاعر برجسته انقلاب غافل شدیم. عمرانی عزیز بعد از این که از حضور در صحنه ادبیات ناامید شد، برای تسلاهی روح بقرار خود به کارهای اجرایی روی آورد. در حالی که اگر ما پیش از این او را در می‌یافتیم و بسترهای لازم را برای باروری و بالندگی اش فراهم می‌کردیم، او هرگز به بهانه مشغله‌های اجرایی، سنگر شعر را خالی نمی‌کرد. مشغله‌هایی که یک شاعر خلاق را گرفتار و اسیر «روز مرگی» و «روز مرگی» می‌کند.

برنامه استراتژیک فرهنگی

وی گفت: پس از انقلاب - به خاطر نداشتن برنامه استراتژیک فرهنگی در حوزه ادبیات - مادچار ریزش‌های ادبی زیادی در عرصه شعر شدیم. امروز نیز شاعران توانمند زیادی داریم که هنوز نتوانسته‌ایم از توانمندی‌های ادبی آنها به نحو شایسته استفاده کنیم، امیدوارم این کوتاهی‌ها و غفلت‌ها هر چه زودتر به پایان برسد و بزودی ما شاهد بالندگی و زایش هر چه پیشتر شجره طویه شعر و ادبیات انقلاب اسلامی باشیم.

باید تأدیر نشده، دست به کار شویم و در این جبهه نیز خط شکنی کنیم، و گر نه دیگرانی که با شعر و ادبیات انقلاب اسلامی نسبتی ندارند، از غفلت ما استفاده می‌کنند و دست به نظریه‌سازی می‌زنند و تابه خود بیاییم، ادبیات انقلاب را به نام خود مصادره می‌کنند. باید همین امروز دست به کار شویم. فردا خیلی دیر است. شاعر «ملکوت کلمات» در ادامه افزود: متأسفانه ما برداشت و تلقی اشتباهی از نکوداشت و بزرگداشت داریم. به این معنا که فکر می‌کنیم در روزهای آخر عمر یک شاعر و ادیب باید برای او نکوداشت بگیریم! در حالی که بزرگداشت قائم به فرد نیست. در واقع بزرگداشت یک ادیب و شاعر، بزرگداشت فرهنگ و ارزش‌های انقلاب است.

توانمندی‌های ادبی خلیل عمرانی
وی با گرامیداشت یاد و نام شاعر انقلاب خلیل عمرانی و با اظهار تأسّف از این که برگزاری این نکوداشت مصادف با پر کشیدن او شده است، تصریح کرد: ما از توانمندی‌های ادبی مرحوم خلیل



از سمت راست: محمد عزیزی (نسیم) شاعر و مدیر نشر روزگار؛ و رضا اسماعیلی، شاعر و پژوهشگر که در این مراسم از خصوصیات شعری محدثی خراسانی گفت.

نقد و بررسی فیلم ایرانی اکران شده در جشنواره ونیز

خانه پدری بدون مجوز اکران!

اشاره: فیلم «خانه پدری» به کارگردانی کیانوش عیاری از سال ۸۹ که ساخته شد تا به امروز، حواشی و حرف و حدیث های بسیاری را همراه خود داشته است. در خلاصه فیلم آمده که بررسی مسائل زنان ایران در ۷۰ سال اخیر.



پرداختن به موضوع زنان، به خودی خود همیشه مشکلات زیادی را برای فیلم ها به وجود آورده است، چه برسد به این که داستان به قتل رسیدن یک دختر جوان توسط پدرش باشد. فیلم مجوز اکران نگرفت. و حالا که نزدیک سه سال از ساخت آن می گذرد، در یک اکران خصوصی برای اهالی رسانه به نمایش در آمد. آن هم در دست بعد از جار و جنجال هایی که به خاطر اکرانش در جشنواره ونیز به وجود آمده بود.

قضیه از این قرار بود که کیانوش عیاری بدون اجازه تهیه کننده (مؤسسه ناجی هنر که زیر نظر نیروی انتظامی است)، فیلم را به جشنواره فرستاد و تهیه کننده هم تهدید کرد که باید فیلم را بیرون بیاورند؛ چرا که چهره پلیس و مردم ایران را خدشه دار می کند. جالبی قضیه اینجاست که نیروی انتظامی، خود تهیه کننده این فیلم بوده و حالا هم به صف اول مخالفان آن پیوسته است.

به هر حال، فیلم با همه مخالفت ها در بخش افق های جشنواره ونیز به نمایش در آمد. خیلی ها هم آن را دیدند و البته جایزه ای نگرفت.

نقد فیلم:

خانه پدری، فیلم تلخی است. تلخ به معنای واقعی. و اگر نظر من را بخواهند، می گویم که فرستادن آن به جشنواره ای

خارجی، یک اشتباه محض بود. فیلم، داستان خود را در قالب پنج اپیزود، مربوط به دوره های مختلف تاریخی ایران روایت می کند.

داستان از سال ۱۳۰۸ آغاز می شود و در همان ابتدا برگ برنده خود را رو می کند. پدری (با بازی بهرام رجبی) به خاطر مسائل ناموسی قصد جان دخترش را کرده و وقتی اهل خانه بیرون هستند، با همکاری پسر ۱۵ ساله اش به نام محتشم، دخترش ملوک را در زیرزمین خانه به زور و به شکلی وحشتناک به قتل می رساند و همانجا هم او را خاک می کند. این ۱۰ دقیقه ابتدایی فیلم است. یک شروع طوفانی و یک شوک ناگهانی به مخاطب ایرانی که چنین صحنه ای را به این صراحت در هیچ فیلم ایرانی ندیده است. تلخی صحنه کشتن دختر و خاک کردنش امکان ندارد تا مدت ها از جلوی چشمانتان کنار رود.

این رازی است که نباید دیگر اهالی خانه از آن مطلع شوند و به مادر و خواهران ملوک می گویند که دختر احتمالا از خانه فرار کرده است. فیلم در چهار اپیزود دیگر ادامه دارد که هر اپیزود با فاصله زمانی چند ساله، همان خانواده را در همان خانه نشان



می دهد که چه وضعیتی پیدا کرده اند.

اپیزود دوم، دهه ۲۰ شمسی است که در آنجا راز خانوادگی فاش می شود و مادر از غم فرزندش سکنه می کند و می میرد. و این اپیزود ها تا سال ۱۳۷۵ ادامه پیدا می کنند؛ یعنی وقتی که محتشم (با بازی مهدی هاشمی) به همراه پسرش (با بازی شهاب حسینی) به خانه قدیمی که حالا خرابه شده، وارد می شوند و می خواهند

با نبش قبر، استخوان های خواهر محتشم را در بیاورند و به جای دیگری ببرند تا کارگران بیابند و خانه را خراب کنند. در هر اپیزود هم به شکلی گذرا و نه خیلی عمیق، بی رحمی هایی که در مورد زنان خانه روا می شود، نشان داده می شود.

تنها لوکیشن فیلم، همین خانه پدری است و بیشتر اتفاقات آن هم در زیرزمینی رخ می دهد که طی سال ها استفاده های مختلفی توسط اعضای خانواده از آن شده است. خانواده ای که به مرور همگی شان از این راز و وحشتناک مطلع می شوند.

کیانوش عیاری سعی داشته خشونت علیه زنان را نشان دهد و دست روی موضوع جالبی هم گذاشته، اما نتوانسته به خوبی، به آن موضوع بپردازد. فیلم، چارچوب محکمی ندارد و از فیلمنامه و کارگردانی خود ضربه خورده است. تکنیک هایی که استفاده شده، بسیار ابتدایی است. مثلا هر

اپیزود با نگاه پدر از داخل زیرزمین به حیاط تمام می شود و اپیزود بعدی هم با باز شدن در خانه توسط یکی از اعضای خانواده شروع می شود. چرا باید این اتفاق در هر پنج اپیزود تکرار شود؟ اگر برای زیبا شدن اثر بوده که نه تنها به آن کمک نکرده که یک عنصر منفی در فیلم به شمار می آید. در کل

به نظر می آید از اول تدوین می شد. به جز بیشتر بازیگران ضعیف است. البته به جز مهدی هاشمی که در نقش محتشم در بزرگسالی خیلی خوب ظاهر شد و ناصر هاشمی هم که نقش جوانی محتشم را داشت در همان یک اپیزود، حضور خوبی داشت. مهران رجبی مثل همیشه است.

بازی اش قابل قبول است، اما نه برای این نقش. به نظر مهران رجبی اصلا مناسب نقش پدر نبود. او آلمان های یک پدر متعصب که دخترش را به قتل رسانده ندارد.

مهران رجبی در خیلی از صحنه ها، لحظه های طنزی را به وجود می آورد که من آن را به پای ضعف فیلم گذاشتم. نمی دانم آیا قصد کارگردان واقعا این بوده که در این

با برنامه تلویزیونی «رادیو هفت» و نویسنده و گوینده قصه های امیرعلی

باید از دل مردم قصه کشف کرد



سپید سید حسینی

فیلم سیاه، مخاطبان با دیدن مهران رجبی و با صحبت کردنش به یکباره بخندند؟! چون این چیزی بود که در طول تماشای فیلم بارها اتفاق افتاد. بازی باقی بازیگران هم متوسط و در مواردی خیلی ضعیف بود. برای نقش ملوک اگر از بازیگر دیگری که کار بلد تر باشد، استفاده می شد، شاید یکی از ماندگار ترین سکانس های تاریخ سینمای ایران به وجود می آمد.

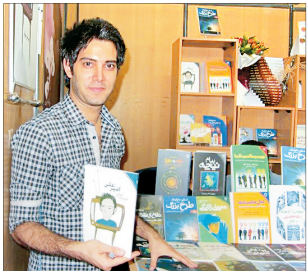


فیلم هیچ گونه موسیقی ندارد. این در حالی است که وجود موسیقی می توانست کمک خوبی به آن باشد. فکر می کنم که عیاری خانه پدری را ساخت برای نشان دادن همان ۱۰ دقیقه ابتدایی فیلم. چرا که بعد از آن ۱۰ دقیقه، هیچ چیز خاصی در فیلم ارائه نمی شود و خود من هر لحظه انتظار پایش را می کشیدم.

از همه اینها که بگذریم به بحث تکراری و تمام نشدنی توقیف می رسم. هر چقدر هم که بگوئیم این فیلم سیاه نمایی کرده و هر چقدر هم آن را به ضرر مردم بدانیم، باز هم دلیلی برای توقیف آن نمی بینم. به هر حال موضوع فیلم هر چقدر هم تلخ، واقعی بوده و حق نیست که فیلمی که با بودجه نیروی انتظامی (بخوانید پول مردم) ساخته شده، حالا یک گوشه خاک بخورد و یکی دو تا اکران خصوصی بگیرد.

اینها اصلا قابل توجه نیست. شاید وقت آن رسیده که با دید جدی تری به بحث درجه بندی فیلم ها نگاه کنیم و آن را به صورت منطقی و استاندارد وارد سینمایمان کنیم. قرار نیست چون عده ای ممکن است با دیدن این فیلم دچار ناراحتی شوند، بقیه هم از دیدنش محروم باشند.

زهرا اغفاری ۱



می تواند وجود داشته باشد استفاده کنم، با ایده هایی مثل نوشتن روی تخته وایتبرد و...
* **ایده داستان ها را از کجا می آورید؟ تا چه حد آن را از زندگی روزمره خود الهام گرفته اید؟**
- اتفاقات روزمره که خدا نکند! [می خندد]! ببینید، متأسفانه اتفاقی که مدتی است رخ داده، این است که جامعه نویسندگان، فیلمسازان و در مجموع اهالی هنر ما دایره روابط خود را محدود کرده اند؛ فقط با خودشان ارتباط دارند و در کنار مردم زندگی نمی کنند. این قضیه خیلی ضربه می زند. به این دلیل که ما اگر قرار است از مردم و برای مردم بنویسیم، باید به کوچه و خیابان برویم. داخل تاکسی یا مترو حتی اگر قرار باشد به مقصد خاصی هم نرسیم باید مردم و گرفتاری های به دغدغه هایشان را ببینیم و سلاقیشان را درک کنیم. چون در واقع مردم ما بینم. نتیجه این است که اگر خوب نگاه کنیم، می توانیم از دل مردم قصه کشف کنیم؛ مثلا من در ترافیک ساعت ها با پروری و بی ملاحظگی (!) به ماشین ها و آدم ها نگاه می کنم و سعی می کنم برایشان قصه بسازم. در کل منظور این که می خواهم بگویم با مشاهده مردم و روابط و مناسبات اجتماعی، قصه ها خود به خود کشف و نوشته می شوند.

* **شاید یکی از اولین چیزهایی که در مواجهه با داستان های شما برای مخاطب مطرح می شود، دایره واژگان و سیعی است که در داستان به چشم می خورد این دایره واژگان از چه منابعی نشأت می گیرند؟**

حدارواژگان یک نویسنده خیلی به سابقه مطالعاتی وی، علاقه مندی ها و نویسندگی های مورد علاقه وی ربط دارد. شاید بخش زیادی از این واژگان وام گرفته از نویسندگان مجربم ایرج پزشکزد باشد و تأثیرپذیری از آقای جمالزاده و حتی علی حاتمی که با این که فضایش بسیار متفاوت و غیرقابل مقایسه با قصه های من است، ولی تأثیری که از آن گرفته ام در زندگی ام انکارناپذیر است.
* **شما خودتان را متعلق به کدام دهه می دانید؟ ۵۰ یا ۶۰؟**
- فرقی نمی کند، به هر حال ما متولد اواخر دهه ۵۰



گزارشی

فرهنگی، هنری

از ایران ۹۰

بخش سیزدهم

۱۳- ظهور موجودی مرموز و ناشناخته به نام «جن»!

سال گذشته، سال رونق بازار جن گیران و رمالان و در واقع گرمی بازار شامورتنی بازان و فریبکاران هفت خط هم بود. این قضیه آنقدر گسترش یافت که در نهایت مقامات انتظامی وارد عمل شده و مبارزاتی بی امان را علیه این گروه دغل زن آغاز کرده و گروهی از جن گیران را بازداشت نمودند. بنا به نوشته روزنامه آرمان ۹۰/۳/۲۱: «علیرضا افشار، قائم مقام وزارت کشور در امور اجتماعی فرهنگی از اجرای طرح شناسایی و مقابله با عرفانهای کاذب، رمالی و جن گیری در ۱۰ استان کشور خبر داد.»

حالا نکته دقیق اینجاست که مقام مذکور، عرفان دروغین را در ردیف رمالی و جن گیری به حساب می آورد!...

تذکر: آن طور که این نویسنده در زمان کودکی از معمرین شنیده است، جن (و جمع آن «جنه») موجودی است به غایت زیرک، عاقل، سریع العمل، شیطان منش و بز و درو. در این زمان هم به کسانی که مرتکب کارهای خلاف و دوز و کلک هایی امثال اختلاس های اخیر بانکی می شوند؛ یعنی میان دو چشم، ابروهای زنده و در می روند، می گویند: «فلانی کارهایی می کند که به عقل جن هم نمی رسد!»



به هر حال، این پدیده یعنی موضوع جن و جن گیری، آنقدر در سال ماضی گسترش یافت که منجر به دخالت مراجع تقلید گردید و بنا به نوشته روزنامه آرمان (۹۰/۲/۱۸) مراجع بزرگی همچون آیت الله ناصر مکارم شیرازی،

آیت الله صافی گلپایگانی، آیت الله علوی گرگانی و آیت الله سیستانی درباره سؤالاتی که مربوط به جن و جن گیری از ایشان شده بود، نظر تأیید آمیزی ابراز نفرمودند...

روزنامه آرمان در همین شماره از بازار داغ خرافات مکتوب در ایران سال ۹۰ زیر عنوان «هر ۲۳ ایرانی، یک عنوان کتاب خرافاتی!» خبر داد و در همین حیص و بیص (!) بود که یکی از طُزّان (طنزپردازان) مشهور به نام آقای رضای رفیع در ضمیمه روزنامه اطلاعات (۹۰/۲/۲۷) بدین مطلب اشاره نموده و زیر عنوان «جنّه در بازار نشر کتاب» چنین افزوده فرمود: «در میان آن همه موضوعات مربوط به آدمها، جای پرداختن به جنّه محترم نیست... ترس از جنّه تا حدّی خیلی از دستگاه ها و نیروها رسوخ و نفوذ کرده است... حال که ذکر خیری از آقای رضا رفیع به میان آمد، شایسته است که از دو تن شاعر طنزپرداز، زنده یادان عباس فرات و کریم فکور هم که مقالات و اشعارشان را در روزنامه توفیق ۵۰-۵۰ سال قبل به نام مستعار «ابن جَنّی» و «جَنّ بوداده» رقم می زند، به نیکی یاد کنیم.

تبصره ۱: آنچه این بنده از طایفه به قول آقای رفیع، جنّه محترم، به یاد دارد؛ مربوط به سالهای کودکی و جوانی در موطن مألوف، کاشان، است که به تفصیل در کتاب منتظر المجوز خود به نام «تا مرزهای بی سرانجامی» به قلم آمده و خلاصه آن این است که به نقل از جن دیده های کاشان، «جن ها اکثرا در دم دمای صبح از کُنام خود بیرون آمده و در حمام های عمومی آن زمان در مقابل مؤمنینی که برای انجام غسل واجب به حمام می رفتند، ظاهر شده و باعث ترس و وحشت آنان می شدند. هیاکل آنها مانند آدمیزاد بود اما شاخ و دم و سُم داشتند!...

خود این کمترین هم در مسافرتی که در سال حمله آمریکا به عراق، به شهر کرمانشاه داشتم؛ روزی به اتفاق همسران به تکیه معاون الملک کرمانشاه رفتم و در میان نقاشی هایی که به صورت کاشیکاری بر دیوارهای آنجا از زمان قاجاریه نصب شده و بسیار هم از نظر هنر نقاشی و کاشیکاری جالب است، به یک تابلو کاشیکاری ۵x۴ متر برخورد کردم که تصویری بود از گروه لشکر جنّه به فرماندهی سرلشگر زَعفر جَنّی معروف به جعفر جَنّی که برای یاری امام حسین (ع) به کربلا آمده بودند و چنین بود که من جن ها را برای نخستین بار با همان شاخ و دم و سُم به رای العین مشاهده کردم. البته این موضوع یعنی حضور لشکر جنّه در صحرای کربلا مبنای صحیح تاریخی ندارد.

تبصره ۲: حسن ختام ذکر خیر جنّه و آخرین سخن این گزارشگر درباره این طایفه، آخرین سوره یعنی سوره ۱۱۴ قرآن کریم است که در آن، آفریدگار جهان و جهانیان خطاب به فرستاده گرامی خود، حضرت محمد(ص) درباره جنّه چنین هشدار می دهد: «قل اعوذ برّ النّاس، ملک النّاس، اله النّاس، من شرّ الوساوس الخّناس، الذّی یوسوس فی صدور النّاس - من الجنّة والنّاس» که ترجمه خلاصه کلام خداوند، پناه بردن به خدا از شرّ الجنّه و آدمیانی است که گاه از جنّه هم در سیه کاری ها سبق می برند!...

نگاهی به کتاب های «مدادم بوی باروت می دهد» و «رقص طناب در باد»؛ سروده بهنام فرخی

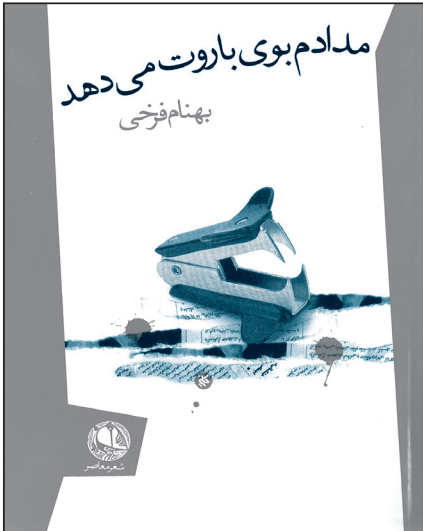


«ماهان سیار منش»

از زرق و برق زبانی دور نگاه داشته شوند تا شعری یکدست ارائه شود. اشعار خالی از ظرافت نیستند، با این حال، بسیاری از تداعی های اصیل ذهنی را در خود حمل می کنند. مانند:

«باد که می آید شمرم نمی آید
من شاعر روزهای آفتابی ام
بدا به حال باد نویسان و شب انگیزان.»

شاعر، تصفیۀ زبان، با حداقل استفاده از کلمات است و پالایش کلمات با تصفیۀ ذهن کامل می شود و شعر می تواند



بدون حواشی خوانده شود. البته اشعار دارای حواشی نیستند ولی کثرت اندیشه، اگرچه رمان نویس را در کارش موفق می کند، ولی شاعر را از وحدت ذهن، محروم می دارد. بهنام فرخی می تواند هنگامی که اندیشه هایشان را متکثر می کند، به آن مانند طرحی ببیندیشد که فقط به عنوان ماده وجود دارد. به همین دلیل این نکته را یاد آور شدم که سعی کنند در کتاب هایشان از کثرت اندیشه در شعر های مختلف، بیشتر امتناع کنند.

شاعر گاه سعی می کند یک شعر را با مبدل کردن آن به یک مثال و یا پیامی همگانی از قدرتتش بکاهد که این امر می تواند تأثیر شعر در خواننده را کم کند. مانند:

«جنگلی آتش گرفت

خشک ها سوختند، ترها... گریختند!»

بعضی از اشعار، تأثیر واحدی را در خوانندگان می گذارد. به این معنا که اگر طبیعت را با انسان آمیخته باشند و یا هر کدام را یگانه بیان کنند، تأثیرش برابر با یکدیگر است. مانند:

«شب کنار بر که

به آواز قورباغه هایی گوش می کنم که

با سمفونی دل

زیبا ترین عاشقانه ها را به مهتاب هدیه می دهند یا آسمان هر شب با تمام ستاره هایش پشت پلک هایم می نشیند و مهتاب جایش را به درندگان می دهد

تا در سنگینی خواب هایم

رؤباهای کودکی به کابوس های پیری بدل شود.»

نکته پایانی: هر دو کتاب، با سبک هایی سروده شده اند که توانسته اند تصویر درستی از اندیشهٔ شاعر را به نمایش بگذارند ولی اگر سبک و وحدت، در شعری ترکیب شوند؛ محصولی که آفریده می شود، به مراتب بهتر است.

به قول یکی از اشعار بهنام فرخی:

«دزدان موقری را دیدم

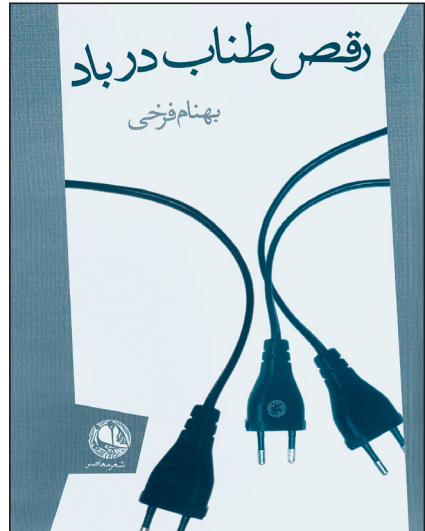
که یک پنجم اموال شان را با تبسم

به نیازمندان می بخشند

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید».

آینه خوب می داند:
تنهایی چیست؟
تنها کیست؟»

شعر بالا گواهی بر بیانی مناسب است. هنگامی که یک اسم و یک شیء با یکدیگر مقایسه و یکی به دیگری ارجاع داده می شود، متن از تقابل دو مترادف، تأویل می شود. یعنی شاعر، از کشش این دو در خود مطلع است و زبانی را به کار می گیرد که باعث می شود شعری بی طرفانه سروده شود.



اشعار بهنام فرخی، گاه به داستان نزدیک می شود و گاه خودش است که سخن می گوید. مانند این شعر:

«روغ! / از دی! / انهمت! / از نا! / غیبت! / اربا! / ازشه! / گل غنچه های باغ دل من یادتان باشد / شهر ما خانهٔ ماست.»

نباید در شعر، خصیصه های منفی اخلاقی بشر، چنین به صراحت بیان شود. بیان این گونه، شعر را از یکی از خاستگاه هایش که همانا بیان ضعف های بشریت به شکلی

راز گونه و پوشیده است، دور می کند و این که مخاطب اگر هوشمند باشد و یا حتی انسانی معمولی، بتواند به بهترین نحو در یابد.

«جنگل به وحشت خواهد افتاد

از

سکوت شهر.»

شعری که با هم خواندیم، دارای تناسبی بی بدیل و حظ کردنی شاعرانه از تصویر است. به نظر نگارنده، در کتاب «مدادم بوی باروت می دهد»، اشعار پرورانه تر شده اند با این که باز هم در بعضی از صفحات، شاهد اشعاری مانند کتاب «رقص طناب در باد» هستیم. اشعار «مدادم بوی باروت می دهد»، نمایی از انسان را نشان می دهند، انسانی با انواع خواهش هایی که در درونش است. در حالی که کتاب «رقص طناب در باد»، همان گونه که در پیش گفته شد؛ برقراری ارتباط میان انسان و طبیعت است.

می توان اشعار این کتاب را به تصویرهایی پی در پی مانند کرد که با دیدی وسیع امور را می بیند. این دید، می تواند مانند زمزمه ای درونی نباشد که گاهی به این امر برمی خوریم. مفهوم شعر باید هماهنگ با زبان شعر باشد و زبان هم در تناسب با مفهوم، مانند:

«آینه ها نشان می دهند ما را به ما

بد نیست اگر: گاهی دیگران در ما پیدا شوند

گاهی از خود گذشتن بد نیست.»

در کتاب مدادم بوی باروت می دهد، خاصیت پایداری مفهوم و متن را نه در تقابل با یکدیگر، بلکه برای پوشش دادن یکدیگر می بینم. ولی اشعار باید (البته نه در همهٔ موارد)

در این یادداشت به بررسی پاره ای از اشعار سپید مجموعه های «مدادم بوی باروت می دهد» و «رقص طناب در باد» سروده بهنام فرخی می پردازیم. اشعار بهنام فرخی، گاه با تصاویری از پیش گرفته شده، تدویشان را در ذهن نقش می بندند و این امر، به تأثیر پذیری اشعار کمک می کند.

با خلق تصاویری که از قبل دیده شده اند، متنی آفریده می شود که شعری خوب و تأثیر گذار محسوب می شود. چون این گونه اشعار می تواند بیان کنندهٔ اندیشهٔ نهفته در خود باشند (زیرا که زیاتشان مبهم نیست). به همین دلیل اگر دارای اسم نباشند، خواننده می تواند خود نامی مناسب را انتخاب کند. (در کمتر اشعاری در این دوران برخوردیم که بتوانند مانند این اشعار چنین جنبهٔ طبیعت و انسانی را در کنار یکدیگر قرار دهد و هیچکدام از این دو جنبه را پر رنگ تر از دیگری نشان ندهد تا یکدیگر را محدود کنند). مانند اشعار:

«کاش

باطری تمام جرقه یل ها سولفاته می شد

تا پایان پذیرد

رقص طناب در باد»

یا:

«به قلاب هیچ ماهیگیری اعتماد نیست

اگر چه نهنک باشی و

اقیانوس

عرصه گاه تو باشد.»

برخی از اشعار بهنام فرخی، حالتی خبری دارد و نمی توان نام شعر به تعدادی از آنها داد. از طرفی، نامربوط بودن جملات در مواردی که احساس می شود شاعر ناگزیر بوده که برای ساده سازی جملات و آسان پذیری ادراک آنها، بیان کند و این کار موجب شده است که اشعار تبدیل به مفاهیمی ناچیز شوند که نمی توان با شعر این گونه برخورد کرد. مانند:

«موافق یا مخالف؟!

این اصلا مهم نیست

ما انسانیم، هر دو همجنسیم

دل به دل راه دارد

دوستم داری دوست دارم یا شیشه های عینکم را پاک می کنم
کثیف تر می بینم
کثیف تر»

برخی از اشعار فرخی بر اساس تناسب بندهای گوناگون شعر شکل گرفته اند که اگر چه یک بند، پاره ای غیر قابل ارجاع به بندهای دیگر تصور می شود، با همپوشانی بندهای دیگر، به تنهایی کامل کننده است. مانند:

«وقتی از خاک / کاخ می سازیم تا دوباره خاک گردد / باید به گرم بودن مرگ ایمان داشت / هر چند در / به هر شکلی که باشد درد است یا هر روز / بر / خلاف مسیر زندگی در حرکت / تا شاید دور از خرس های پشمالو / آن سوی آبشار / پیدا کنم آزادی بی هاشور را.»

برخی از اشعار به دلیل بیان خبری و چینش نامناسب کلمات برای بیان اندیشه ای خاص، به سرانجام مناسبی نمی رسند. مانند:

«نردبان عقل های کوتاه / به پشت بام تفکرات بلند نمی رسند / ناتوانی بشر / گواه اندیشه های اندیشمندان است / و دستانی که هنوز به جایی دست نیافته اند.»

یا:

«یکی و تنها

دو تا و تنها تر

در ازدحام انسانها

تجربهٔ تنها ترین را کسب می کنی

شعر جهان

چشمه

مسعود پریشان

چه کسی تو را در آغوش می گیرد

دیر می فهمند

وقتی که سنگ را در هم می گیرند

چشمه ز دریا دل می کند.



قطعه ادبی

آیه های زمینی



«عرفان نظر آهاری»

بخش اول

توضیح ضمیمه:

«عرفان نظر آهاری» متولد ۱۳۵۳ در تهران است. او دکترای زبان و ادبیات فارسی دارد و کتاب هایش به زبان های انگلیسی، فرانسه، ترکی و عربی ترجمه شده است. وی تاکنون جوایز بسیاری را از آن خود کرده است. از جمله: جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، جایزه ادبی پروین اعتصامی، جایزه کتاب فصل، و نیز لوح افتخار IBBY (دفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان) در اسپانیا. او یکی از نویسندگان کتاب «داستان صلح» است که در کره جنوبی به چاپ رسیده است.

از این شماره، در هر نوبت، میزبان قطعه هایی ادبی از این نویسندهٔ خوش ذوق خواهیم بود که قلم داستانی اش، جوهره ای از عرفان نظری دارد.

دو روز مانده به پایان جهان

دو روز مانده به پایان جهان، تازه فهمید که هیچ زندگی نکرده است. تقویمش پر شده بود و تنها دو روز، تنها دو روز خط نخورده باقی بود.

پریشان شد و آشفته و عصبانی، نزد خدا رفت تا روزهای بیشتری از خدا بگیرد. داد زد و بد و بیراه گفت. خدا سکوت کرد. جیغ زد و جار و جنجال به راه انداخت، خدا سکوت کرد. آسمان و زمین را به هم ریخت، خدا سکوت کرد. به پر و پای فرشته و انسان پیچید، خدا سکوت کرد. کفر گفت و سجاده دور انداخت، خدا سکوت کرد. دلش گرفت و گریست و به سجده افتاد. خدا سکوتش را شکست و گفت: عزیزم، اما یک روز دیگر هم رفت. تمام روز را به بد و بیراه و جار و جنجال از دست دادی. تنها یک روز دیگر باقی است. بیا و لاف ایل این یک روز را زندگی کن.

ولسی او لابه لای حق هقش گفت: اما با یک روز... با یک روز چه کار می توان کرد؟...

خدا گفت: آن کس که لذت یک روز زیستن را تجربه کند، گویی که هزار سال زیسته است و آن که امروزش را در نمی یابد، هزار سال هم به کارش نمی آید. و آنگاه سهم یک روز زندگی را در دستانتش ریخت و گفت: حالا برو و زندگی کن.

او مات و مبهوت به زندگی نگاه کرد که در گودی دستانتش می درخشید. اما می ترسید حرکت کند، می ترسید راه برود، می ترسید زندگی از لای انگشتانش بریزد. قدری ایستاد... بعد با خودش گفت: وقتی فردایی ندارم، نگه داشتن این زندگی چه فایده ای دارد؟ بگذار این یک مشیت زندگی را مصرف کنم.

آن وقت شروع به دویدن کرد؛ زندگی را به سر و رویش پاشید، زندگی را نوشید و زندگی را بریید و چنان به وجد آمد که دید می تواند تا ته دنیا بدود، می تواند بال بزند، می تواند پا روی خورشید بگذارد. می تواند...

او در آن یک روز آسمان خراشی بنا نکرد. زمینی را مالک نشد. مقامی را به دست نیاورد، اما...

اما در همان یک روز، دست بر پوست درخت کشید. روی چمن خوابید. کفش دوزکی را تماشاش کرد. سرش را بالا گرفت و ابرها را دید و به آنهایی که او را نمی شناختند، سلام کرد و برای آنها که دوستش نداشتند، از ته دل دعا کرد. او در همان یک روز آشتی کرد و خندید و سبک شد. لذت برد و سرشار شد و بخشید، عاشق شد و عبور کرد و تمام شد. او همان یک روز زندگی کرد، اما فرشته ها در تقویم خدا نوشتند امروز او در گذشت، کسی که هزار سال زیسته بود!

رفتن و دویدن و پرواز

وقتی راه رفتن آموختی، دویدن بیاموز و دویدن که آموختی، پرواز را. راه رفتن بیاموز، زیر راههایی که می روی، جزئی از او می شود و سرزمین هایی که می پیمایی، بر مساحت تو اضافه می کند. دویدن بیاموز، چون هر چیز را که بخواهی دور است و هر قدر که زود باشی، دیر.

و پرواز را یاد بگیر، نه برای این که از زمین جدا باشی، برای آن که به اندازهٔ فاصلهٔ زمین تا آسمان گسترده شوی. من راه رفتن را از یک سنگ آموختم، دویدن را از یک کرم خاکی و پرواز را از یک درخت. بادها از رفتن به من چیزی نگفتند، زیرا آن قدر در حرکت بودند که رفتن را نمی شناختند!

پلنگان دویدن را یادم ندادند، زیرا آن قدر دویده بودند که دویدن را از یاد برده بودند. پرندگان نیز پرواز را به من نیاموختند، زیرا چنان در پرواز خود غرق بودند که آن را به فراموشی سپرده بودند! اما سنگی که درد سکون را کشیده بود، رفتن را می شناخت و کرمی که در اشتیاق دویدن سوخته بود، دویدن را می فهمید و درختی که پاهایش در گِل بود، از پرواز بسیار می دانست!

آنها از حسرت به درد رسیده بودند و از درد به اشتیاق و اشتیاق به معرفت. وقتی راه رفتن آموختی، دویدن بیاموز. و دویدن که آموختی، پرواز را.

راه رفتن بیاموز، زیرا هر روز می توانی از خودت تا خدا گام برداری. دویدی بیاموز، زیرا چه بهتر که از خودت تا خدا بدوی. و پرواز را یاد بگیر، زیرا ناگزیر باید روزی از خودت تا خدا پر بزنی.

روبهی قالب پنیری دید!

«اساسان سامان»

دوتا روباه بودند که کلاغ پیر را گول زدند و پنیر را هاپولی کردند. این خبر در شهر پیچید، در روزنامه ها، تلویزیون، حتی خبر ۲۰/۳۰ و مرآتی و کتاب درسی.

بچه کلاغها در این قضیه شاکي بودند. خانواده کلاغ ایزوله شدند. کلاغ ها آنها را از بین خودشان طرد کردند. چون باعث بی آبرویی کلاغها شده بودند. کلاغ پیر از شرمندگی زمین گیر شده بود. زنش که روش نمی شد به توک یا پیاد تو کوچه. خواستگار دخترشونم حلقه، گل و طلاها را پس داده بودند که دخترتون از رزونی تون، نخواستیم. دیگه توخونه کلاغ پیر از غم و غصه و اشک و آه پر شده بود. مامان کلاغه نگران بود که اگه زاغی پسرش خبر بشه و از شهرستون بیاد. چیکار کنه.

دارا رام دارم دام...

قطار در ایستگاه توقف میکنه و زاغی پاشنه کفش را ور می کشه و وارد شهر میشه. به کئی راه می رود و کارش خیلی درست است. به خانه می رود و ماجرای غم انگیز و تراژیک ابوی محترم را می شنود. مشتب به دیوار می کوبد. خشمگین به سراغ دوروباه می رود و معلوم است که آن دو دخلش را در می آورند و حسابی از خجالتش در می آیند.

زاغی خوین و مالین به پیش حاجی لک لک می رود و نزد او یک دوره ذن، بودیسم و یوگا و... می گذراند و سراغ روباه کوچک می رود. روباه را برای شام به صرف غوره دعوت می کند(نمی دونید!بدونید که روباه از غوره خیلی خوشش میاد).خلاصه زاغی غوره ها را اردون کوزه ای دراز می ریزد. روباه که غوره ها کورش کرده بودند، پوزه اش را در کوزه می کُند و برای خوردن غوره هوا از هر کلکی استفاده می کند. غافل از این که مقابل دوربین مخفی است. شب

معرفت زیادی

«انام شنیک»



تا یادم میاد، از این روز متفرغ بودم. یک روز پراز اضطراب. ننه خدا بیمارزم می گفت آدمیزاد زود به همه چی عادت می کنه نمی دونم چرا من هنوز عادت نکردم؟...

.....اکبر....

باز هم همین صدا. چرا همه چی این قدر تکراری شده؟اکبر.... چرا جواب نمیدی؟... حتما داری باز چرت و پرت می نویسی؟ کاش چندرغاز ارزش داشتن اونا؛ او ن وقت وضعیت من این نبود.

بازم غرغر خانم شروع شد. این عادتشه، همیشه غر میزنه. اون اوایلو یادش رفته، می گفت همین که میگم شوهرم نویسنده است برام کافیه. تا خرش از رو پل رد شد، دیگه ما شدیم چرت و پرت نویس!

باز این در کوبیده شد به هم:

—باز که نشستی داری می نویسی!

—پس چکار کنم؟

—خب به چاره کن. امروز اول برجه، هنوز خواهرزاده ام رو پاگشا نکردم. یخچال مثل جیب جنابعالی خالیه. شیر خشک بچه تموم شده. حتی نون هم تو خونه نیست مرد. تو چقدر بی خیالی! پاشو بگرد دنبال کار. این کاغذ بازی ها و چرند نویسی ها که نشد کار!

همین جور یکریز حرف می زد. دیگه تحمل حرفاشو نداشتم. این یارانه هامون هم که نمیریزن باهاش نون یخیرم. فقط نون هم که نیست پول برق، آب، تلفن، گاز، و... صاحب خونه، شیر خشک بچه... نه مثل این که باید برم دنبال یه کار دیگه. ما که توی نویسنده گی خبری ندیدیم.

کت و شلوارم مثل همیشه اتو خورده است. همون کت و شلوار عروسیمونه که آقام خدا بیامرز واسم خریده. حالا کجا برم دنبال کار؟ میرم پیش ناشر واسه چاپ کتابم. اگه کمکم کنن یکیش هم چاپ بشه، نونم تو روغنه. آره از اونجا شروع

قاضی شوخی نداشت!



«ابوعلی»

در یک عصر تاریک زمستانی و در عصر انفورماتیک و اطلاعات اتفاق افتاد. عصری که سرمایه داران بزرگی چون آقای ایرانسل و خانم تالیا همه جا را تحت تسلط خود درآورده بودند و عصری که شخصی به نام «همراه اول» همراه انسان شده بود...

❖تبسم و تفکر



«رسول آذرگون»

❖ متولد خرداد ۱۳۳۳ — تبریز
❖ تحصیلات دیپلم دبیرستان
❖ همکاری با نشریات و روزنامه های

سراسری

تلویزیون فیلم را نشان می دهد. روباه مضحکه عام و خاص می شود. موبایل (بیخشیدتلفن همراه) همه حیوانات پر از صحنه دوربین مخفی روباه در کوزه است. همه برای هم این صحنه را بلوتوث می کنند. سی دی بدون سانسورش هم سر چهارراه ها علنی به فروش می رسد.

روباه بزرگه شستش خبردار می شود که این ماجرا از کجا آب می خورد و بال(دست) کی تو کاره. کمین می شنیه و زاغی رو که بالانی به دوش داره، تسوی راه گیر می اندازه. زاغی بهش التماس می کنه که نون منو آجر نکن که دارم میرم تلویزیون پول حسابی کاسب بشم. دیگ طمع روبابه به جوش می آید، که چیه و چی هست. خلاصه زاغی مقرر میاد که قراره به خرترین جونور جایزه هنگفتی بلدند.

دیگ طمع روبابه سر میره و اختیار از کفش به در میره و پالانو ور میداره و به سرعت خودشو می رسونه تالار حرکت؛ پخش مستقیم تلویزیونی! بقیه شم که می تونید حدس بزنید. وسط اجرای برنامه خاله نرگس و خاله شادونه و دایبی فلان و عمه بهمان، روباه میاد داد میزنه من خرم! خاله ها هم که همیشه سعی دارند نکات آموزشی به بچه های خوشگل یاد بدند و برنامشون بد آموزشی نداشته باشه، هی اصرار که نه شما آقا روباهی، خر نیستی. از اینا اصرار و از خره نه بیخشید روباه سابق انکار، که من خرم!

توفان خنده ها

این صحنه ها در همه دنیا پخش میشه. انوشه انصاری هم در ایستگاه فضایی شاهد این ماجراست. حتی مریخی ها هم به جورایی از قضیه با خبر شدند که روباه خر نمیشه؛ مگر این که خیلی خر باشه! القصه؛ جونم براتون بگه، زاغی شادمان به خانه می رود. مادر از او اراضی است و شیرش را حلال او می کند. پدر هم از زیر لحاف جست می زند بیرون و حرکات موزون می کند که چی؟ که زاغی مارو روسفید کرده.

می کنم.

—سلام آقا، خسته نباشید.

—سلام؛ امرتونو بفرمایید.

—اوادم واسه چاپ کتابم....

دیگه نداشت حرف بزنم.

—به... حالا چقدر میخوان این هزینه کنید؟

—شما نداشتین حرفمو تموم کنم. خواستم بگم واسه هزینه اش کمکم کنید؛ اگه فروش کرد که می کنه....

به اینجاش که رسید، دیگه نداشت حرف بزنم.

—برادر من، شما داری کار معنوی می کنی. می دونی چقدر به شما این کار معرفت میده؛ همین بهترین هزینه واسه شماست.

چقدر هم قشنگ حرف می زد. کاملاً گوش دادم و تو ذهنم



ضبطش کردم که واسه اعظم تعریف کنم تا به من افتخار کنه. از انتشاراتی که اوادم بیرون، حس کردم جیبام پر از پول با طعم معرفت شده.

اعتماد به نفس زیادی پیدا کرده بودم که بعداً فهمیدم بهش میگن اعتماد به نفس کاذب؛ مثل آتنن دهی تلفن های همراه. رتم سرراغ حسین آقا قصاب، واسه عیال گوشت بگیرم، بلکه این خواهرزاده اش رو پاگشا کنه. آخه این چه رسم و رسومیه که ما داریم؟

—به... اکبر آقا؛ چه عجب از این طرفا؟.... چند کیلو بکشم؟... فکر کنم دیگه کتابت چاپ شده و اوامدی ولخرجی! —نه بابا، کتاب کجا بود؟



همراه ها به لرزش افتاده بود و رها به سوتش شتافت... لحظاتی بعد نوایی لطیف گوش هایش را نوازش داد. و البته در آن ایام و در آن

روزهای تجرد، صدای دختران حوابسیار لطیف تر از هر نوای دیگری به نظر می رسید و شنیده می شد. آنگاه این واژه ها از درون آن صوت لطیف بیرون ریخت: بیخشید آقا رها! من شماره شمارو



خواستگار قبلی دوباره میاد در خونشون، توی صف صد تا خواستگار دیگه. مؤسسه لغت نامه دهخدا و انتشارات امیر کبیر و ... ناچار می شوند کتاب های امثال و حکم و دوباره چاپ کنند. شعر زاغی را تبدیل به روبهی.... کنند.

کتاب های درسی و....

آها... یادم رفت بگم که روباه ها هم به جرم قتل دستگیر شدند. آخه خاله شادونه و خاله نرگس و بقیه خاله خوله های تلویزیونی، بعد از اون مراسم پخش مستقیم روباه، از شدت ناراحتی و غیظ دق کردند. آخه اونا اصلاً دوست نداشتند که برنامه هاشون بد آموزشی داشته باشه. دیگه بقیه؟... بقیه نداره که باقی بقایتون!...

—هزاربار بهت گفتمم این کاغذ پاره ها تو بیار من ازت می خرم. جون میده واسه پیچیدن گوشت.

جوابشو ندادم، اما پر بیراه هم نمی گفت. اما حیفه این همه معرفت رو پیچه دور گوشت.

—حالا چند کیلو بکشم؟

—دو کیلو فکر کنم بس باشه. چقدر میشه؟

—قابل شمارو نداره، ۴۰ تومان ناقابل.

دستمو که بردم تو جیبم، تازه یادم اوامد که جیبام خالیه. لامصب این معرفت هم باد میندازه تو جیب، آدم فکر می کنه پول داره.

—بیخشید حسین آقا، من پول ندارم اما تادلت بخواد معرفت دارم. چقدر معرفت بدم خدمتون؟

حسین آقا از اون نگاه هایی کرد که عاقل ها بر نادان می کنند و گفت: نه مثل این که تو خل شدی!

به مخم فشار آوردم تا اونایی رو که آقای ناشر گفته بود و من ضبط کرده بودم، به زبون بیارم. حتی یه کلمه اش هم یادم نمونه بود. سرمو انداختم پایین و بیرون اوادم.

واقعاً این چه معرفتی که باهاش نمیشه دو کیلو گوشت خرید؟... رتم توی صف نونوایی، شاید باهاش نون بدن. اونجا هم نشد. تازه مردم ریختن سرم که چرا پول نداری توی صف و ایستادی، وقت مارو گرفتی؟ نزدیک بود کتک هم بخورم.

چقدر بده ثروتی از معرفت داشته باشی و نتونی خرجش کنی. دیگه خسته شدم، رتم خونه. درو که باز کردم، دیدم صاحب خونه اوامده، اعظم هم داشت مثل همیشه حرص می خورد.

اعظم همیشه میگه تنها چیزی که تو خونه واسه خوردن پیدا میشه، همین حرصه. بذار همه حرصارو اعظم بخوره، من همیشه قانعم.

رتم به ذره معرفت خرج صاحبخونه کنم که نه گذاشت و نه برداشت، حکم تخلیه رو گذاشت رو میز و رفت. حالا من موندم و یه عالمه معرفت خرج نکرده که نمی دونم باید باهاش چکار کرد؟...

از داداشم گرفتم؛ داداشم گفت که شما شماره مهندس دوراندیش رو دارید... بلوای دل پدید آمد و عقل پرواز کرد. پروازی که شاید به سوری درخت های سیب ختم می شد و شاید هم خوشه های گندم، آری، بازی شروع شده بود. او گفت و این گفت. او فرستاد و این هم فرستاد. ایام گذشت. آسمان آبی بود و فنج های مادر بزرگ در حال برگزاری یکی از بهترین سمفونی هایشان بودند. روزها گذشت. آیت آمد، آزاده زاده شد. فردا رسید. آسمان آبری بود، باران نمی بارید. مهریه سنگین بود و قاضی شوخی نداشت.



از قلم های هاشم

فیلتریه بانصب در محل!

«رضا فرج»



اهل ادب مرا بیخشایند، دست خودم نیست. از بس راجع به آلودگی هوا نوشتم، دیگر دارم بالامی اورم. برای پزشکم شرح دادم حالتم را، گفت که از آلودگی هواست. پرسیدم: «هوا؟ نفس؟» «خندید و گفت: «نه، همین آلودگی هوای شهر. اگر از آلودگی هوای نفس بود که تا آخر عمر تعطیل بودی!»

آخوانیه جدید رسید.

هوا بس ناجوانمردانه آلوده است! چه جای صرف فالوده است؟ اهلا ای دولتی مردی که مسؤولی! کجاها پس تو مشغولی؟... «منم آن مرد صاحب مخ/اعده پارسشی این پرسشم پاسخ...

باور بفرمایید اگر تا الان این قلم خود را روی سنگ گذاشته بودیم، تا حالا اثرش روی سنگ خودنمایی می کرد. دیگر خسته نشده ایم از این تکرار آلودگی هوا و سپس تعطیلی مملکت و زوج و فرد شدن خودروها و اجرای طرح هایی که حکم تزریق داروی مسکن به یک بیمار صعب العلاج را دارد. (الآن یک مقدار هم تندتر نویسیم، به جرم سیاه نمایی، غیر قابل چاپ می شود. فلذا بگذارید از قول خودمان نگوییم و از قول بقیه مایه بگذاریم.)

حرفی از آن هزاران: «مدیرعامل شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، گفت: «ماجرای آلودگی هوای پایتخت داستانی طولانی

دارد و از سال ۸۴ تا به امروز، اقدام مثبتی در این خصوص انجام نشده است. برای استانداردسازی و ارتقای کیفیت خودروها کمتر کاری شده است، تعطیلی، تنها یک مسکن است...» (به نقل از جراید دپروز)

سابق اگر با آمدن برف، مدرسه ها تعطیل می شد و نسل مشتاق کسب دانش خوشحال می شدند؛ الآن اما با زیاد شدن میزان آلودگی هوا این اتفاق می افتد؛ منتهی بچه های مدرسه می مانند که خوشحالی کنند یا خشمک حالی؟... در روز در تیر اخبار برخی جراید آمده بود که «چاوز سخت نفس می کشد»... اولش خیال کردم آوردنش تهران. اما متن خبر را که خواندم، متوجه بر داشت غلطم شدم. فهمیدم که بیچاره به خاطر بیماری خودش دچار این حالت شده.

سنة پیشنهادی: بس که مادر راستای رفع و دفع آلودگی هوای تهران و سایر کلانشهرها در این سالها بسته پیشنهادی دادیم؛ از ابتدای تاریخ بشر، کسی نداده است. در عین حال باز هم از رو نمی رویم. چند روز است که آلودگی هوا مملکت را تعطیل کرده و مجبوریم راهکارهایی داشته باشیم خیلی مختصر و مفید که حالم به هم نخورد:

اسدئای رفع آلودگی: سابق دعای باران می خوانند و دعای رفع انواع بلا؛ الآن باید دعای رفع آلودگی هوا هم به آن اضافه شود و بلکه در اولویت قرار گیرد.

آسفیلتر تنگ ریه ها: تو وسط تیم های جراحی متبحر و حاذق، بر روی ریه های شهر زندان فیلتر صاف کننده هوا نصب شود. از فیلتر تنگ که همه اش نباید در جاهای مجازی استفاده کرد.

آستین شش ها: تا الآن شش ها اکسیژن می گرفتند، دی اکسید کربن پس می دادند؛ الآن به ضرورت شرایطی که داریم؛ باید رویکر دشتش هارابرعکس کرد. همه اش که هوا نباید دچار وارونگی شود!

میوه های بزرگ

مشکوک اند؟

فقط همین مانده بود که در وانفسای چرخش ۳۶۰ درجه ای سر در تماشای قیمت های چشمگیر انواع میوه های سردرختی و پادرحتی، در حاشیه مواظب قطر و طول و عرض آنها هم باشیم. یک خرده غیراستاندارد و بزرگتر از اندازه های معمول و متعارف در دولت های پیشین باشند، خوف آن می رود که مشکوک باشند.

نظر مجلس:

اهل دولت نظر به میوه کنند

ما در اندازه هاش حیرانیم در همین راستا سخنگوی کمیسیون کشاورزی مجلس در گفت و گو با مهر، «بازده های غیرمعمول تولیداتی همچون سیب، پرتقال، سیب زمینی و پیاز را از دستاوردهای استفاده بیش از حد از کودهای شیمیایی اعلام کرد و گفت: «درشتی غیرمعمول محصولات کشاورزی برای اغلب مصرف کنندگان، نه تنها ممکن است مورد سؤال نباشد که حتی برای برخی خرید این محصولات خوشایند نیز هست؛ در صورتی که مصرف آنها در طول زمان تهدیدی جدی برای سلامت شهروندان است.»

وزیر سابق بهداشت: ما که رفتیم؛ مواظب سلامتی خود باشیم!



فلذاست که الآن چند وقتی است شاهد افزایش مناقشه بر سر آلودگی محصولات کشاورزی هستیم. مجلس هشدار می دهد، دولت انکار می کند. مجلس تاحدی هشدارش جدی است که کمیسیون کشاورزی اش خواستار تشکیل کمیته تحقیق و تفحص از تولیدات کشاورزی و میزان استاندارد بودن آنها شده است. از سوی دیگر، انکار دولت نیز تا حدی جدی است که وزارت جهاد کشاورزی اش محصولات کشاورزی ایران را جزو سالم ترین محصولات جهان دانسته و سرطان زایی این محصولات را شایعه ای بی اساس خوانده است.

زبان حال مصرف کننده: به چه ساز تو برقصم ز منزه ز منزه؟... (ممیزی لازم: به چه ساز تو حرکات موزون نمایم ز منزه ز منزه؟...) **بسته پیشنهادی:** از آنجا که ملت همه میوه خورشان ملس است و باید هم که برای سلامتی خود میوه میل نمایند؛ و از سوی دیگر، میوه هم باید سالم باشد که بتواند سلامت خریداران و خورندگان خود را تأمین نماید؛ فلذا ذیلاً راهکارهای عاجلی داریم:

۱- همراه داشتن خط کش: تا اطلاع ثانوی که مجلس و دولت، به یک نظر واحد نرسیدند؛ اگر قصد خرید میوه دارید، یک متری، خط کشی، چیزی حتما به همراه خود ببرید. از این وسایل برای اندازه گیری سانت به سانت میوه ها استفاده کنید.

۲- نخربیدن میوه بزرگ: به جز میوه هایی که اصالتاً و به صورت خانوادگی و از گذشته تا الآن بزرگ بوده اند(مثل هندوانه و خربزه و طالبی و کدو) «عجالتاً از ابتیاع سایر میوه هایی که بزرگی آنها غیرطبیعی و بکشی به نظر می رسد، خودداری نمائید. مثلاً اندازهٔ خیار دست همه هست؛ بزرگتر بود، آن را خیار غبن حساب کنید، بگذاریدش کنار!

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۱۹ دی ۱۳۵۱ (برابر با ۴۲ پیچه ۹۰، ۱۳۹۲ و ۹ ژانویه ۱۹۷۲) نقل شده است

میلیونهاز اثر در مکه آماده انجام مناسک حج شدند

سحرگاه امروز آخرین دسته از زائران خانه خدا وارد جده شدند و صبح امروز فرودگاه جده از طرف دولت سعودی بسته شد. و بدین ترتیب کار عظیم انتقال میلیون ها نفر مسلمان مشتاق زیارت بیت الله الحرام به کشور سعودی پایان یافت. امروز ۱۹ دیماه مصادف با ۶ ذیحجه در کشور سعودی می باشد بنابر این میلیون ها نفر از زائران خانه خدا هم اکنون از شهرهای مختلف سعودی بسوی مکه معظمه در حرکت اند. زائران باید قبل از غروب روز ۸ ذیحجه خود را به مکه معظمه رسانده و پس از محرم شدن به سوی صحرای عرفات حرکت کنند.

۵۰ «سرپناه» در ایستگاه اتوبوسها ساخته میشود

پنجاه سرپناه در ایستگاه های اتوبوس ساخته میشود. اعتبار اجرای طرح مذکور چهار میلیون ریال تصویب شده است. امروز یک مقام آگاه در شهرداری پایتخت اعلام کرد برای رفاه مسافران اتوبوس درز مستان و روزهای گرم تابستان پنجاه سرپناه دیگر در خیابان های مختلف پایتخت ایجاد خواهد شد. قرار داد احداث سرپناه با مقاطعه کار منعقد گردیده و هر یک از آنها مبلغ ۸۰ هزار ریال هزینه دارد. سرپناههای مذکور در خیابان های ششاه رضا، شمیران، سپه ناصر خسرو، شوش، شهباز، و چند خیابان دیگر احداث می گردد.

همان مقام اضافه کرد، شهرداری پایتخت تاکنون پنج دستگاه توالت بهداشتی در خیابانهای ناصر خسرو، صاحب جم، شوش، سبزه میدان، و داخل پارک راه آهن احداث نموده است که بزودی مورد استفاده عموم قرار خواهد گرفت.

شرکت ملی صنایع فولاد ایران تشکیل میشود

بمنظور استخراج و بهره برداری از معادن آهن و تولید فولاد از طریق احیاء مستقیم فرآورده ها و محصولات فرعی وابسته و توزیع و فروش محصولات مزبور و انجام هرگونه عملیات تولیدی و معاملات بازرگانی مربوط به امور مذکور، شرکت مستقلی بنام شرکت ملی صنایع فولاد ایران با یک میلیارد ریال سرمایه تشکیل میشود. این شرکت وابسته به وزارت اقتصاد خواهد بود و سرمایه آن که متعلق بدولت است به یکهزار سهم یک میلیون ریالی تقسیم میگردد.

ضوابط جدید در مورد استخدام دانشجویان دانشسرایعالی

دانشجویان دانشسرایعالی که در دوران تحصیل، کمک هزینه تحصیلی دریافت مینمایند یا با حفظ رابطه استخدامی خود مأمور تحصیل شوند، باید بر طبق ضوابطی که از طرف وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت آموزش و پرورش پیشنهاد و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، تعهد خدمت و تضمین کافی بپردازند.

در لایحه اصلاح آئین نامه اجرایی تبصره ماده واحده قانون تشکیل هیأت امنای دانشسرایعالی که آماده تقدیم به پارلمان گردید همچنین قید گردید معلمانی که قبل از اشتغال به تحصیل در دوره های شبانه یا روزانه دانشسرایعالی حداقل پنجسال سابقه خدمت در آموزش و پرورش شهرستانها و بخش ها و روستاها داشته اند یا برای تحصیل در دانشسرای عالی شهری به پرداخت کرده و تعهد خدمت ندارند، مشمول محدودیت موضوع تبصره دو ماده واحده قانون اضافه اعتبار وزارت فرهنگ مصوب بهمن ۱۳۲۹ و اصلاحیه ۱۱ خرداد ۱۳۴۳ نخواهند بود.

خسارات مرکبات فارس توسط دو هیأت اعزامی به این

منطقه بررسی میشود

آقای روحانی وزیر کشاورزی و منابع طبیعی که دیروز به شیراز آمده بود، دستور داد، دو اکیپ از اداره کل کشاورزی فارس، به جهرم، داراب، کازرون، فسا و ممسنی عزیمت کرده به بررسی میزان خسارات مرکبات و درختان بپردازند. گزارش خبرنگار مادر جهرم حاکی است: باغداران جهرم، خروارها پرتقال و لیمو شیرین را که بر اثر سرمازدگی فاسد و پوسیده شده، بجای کود شیمیائی، در باغات خود پخش کردند و این روزها بازار میوه در این شهرستان سخت کساد شده است. طبق این گزارش در باغات جهرم، تعداد زیادی از درختان میوه در سالهای آتی هم بارور نخواهد شد، زیرا سرمای شدید، علاوه بر آنکه پرتقالها و لیمو شیرین های روی درخت را از بین برده، باعث خشکیدن و از بین رفتن شاخه های بارآور شده است. در حال حاضر، صرف نظر از میوهائی که از درختان باغهای جهرم فرو ریخته و یا در انبار ها فاسد گردیده است و مقادیر معتابهی از میوه ها هم روی دست باغداران مانده است.

تغییرات تازه در لایحه مالیات بر درآمد

کمیسیون دارائی مجلس شورای ملی در جلسه امروز خود لایحه اصلاحی مالیات بر درآمد را مورد رسیدگی قرار داد و تغییرات موارد زیر به تصویب کمیسیون مذکور رسید. * مالیات مقطعه کاران که سابقا مقطوع بوده در آینده هر سال بوسیله کمیسیون ضرایب تعیین میشود بطوریکه ضریب آن کمتر از ۸ درصد نخواهد بود. * کشاورزانی که بدهی مالیاتی معوقه دارند در صورتیکه ظرف ۳ ماه پس از تصویب قانون ماضل بدهی مالیاتی خود را می پردازند، مشمول جریمه و زیان دیرکرد نخواهند شد. * کارخانجات تولیدی که سهام خود را از ۳۳ تا ۴۹ درصد به کارکنان خود و یا به مردم واگذار نمایند از ۱۵ تا ۲۵ درصد بخشودگی مالیاتی خواهند داشت. * اصلاح ماده ۶۱ موددیانی که ملزم به داشتن دفتر مالیاتی هستند چنانچه نتوانند یک یا چند سند هزینه و یادآمد خود را ارائه نمایند مأمور تشخیص فقط اسناد مذکور را مورد میشناسد و این امر دلیل رد تمام دفاتر مودی نخواهد بود.

قالب امروز



زمستان سخت در کانادا / منبع: Msnbc

امروز با حافظ

مرا میبینی و هر دم زیادت می کنی در دم

ترا می بینم و میلم زیادت می شود هر دم

به سه سامنم نمی پرسی نمی دانم چه سرداری

به در مانم نمی کوشی نمی دانی مگر در دم

نه راه است این که بگذاری مرا بر خاک و بگریزی

گذاری آر و بازم پرس تا خاک ر هت گرم

ندارم دست از دامن بجز در خاک و آن دم هم

که بر خاکم روان گردی به گرد دامنم گرم

فرو رفت از غم عشقت دم دم می دهی تا کی

دمار از من بر آوردی نمی گویی بر آوردم

شبی دل را به تاریکی ز زلفت باز می جستم

رخت می دیدم و جامی هلالی باز می خوردم

کشیدم در برت ناگاه و شد در تاب گیسویت

نهادم بر لبست لب را و جان و دل فدا کردم

تو خوش می باش با حافظ برو گو خصم جان می ده

چو گرمی از تو می بینم چه پاک از خصم دم سردم

چگونه می توانیم موفق شویم

بخل و حسد؛ سرطان روح

میشل بیر می گوید: حسود چون ببری است که نه تنها شکار خود را می درد بلکه از فرط خشونت به قلب خود نیز لطمه می زند.

آیامی دانید چنانچه تعدادی خر چنگ را در جعبه ای قرار دهیم چه اتفاقی می افتد؟ تصور این ست که آن ها به راحتی از دیوار جعبه بالا می روند و خود را خلاص می کنند لکن چنین نیست. به محض اینکه خر چنگی از دیوار بالا رود دیگران به او آویزان شده و او را پائین می کنند.

بدین ترتیب هیچ خر چنگی نمی تواند از جعبه خارج شود و جان خود را نجات دهد و در نهایت تلاش هیچ کدام به نتیجه نرسیده و همگی خواهند مرد. آيا شگفت آور نیست؟ حالا تصور کنید انسانی که به عارضه حسادت مبتلاست. او هم که به علت دارا بودن این خصلت عموماً در زندگی احساس عقب ماندگی می کند، چشم رشد و ترقی دیگران را ندارد و تاسمی تواند دیگران را به هر نحوی از موفقیت باز می دارد. حسادت از فقدان خصلت نیکوی ممانعت ناشی می شود و در همه جوامع و افراد عمومیت دارد و فاجعه آنجاست که اگر این روحیه منفی در جامعه ای و کشوری مسلط باشد نتیجه آن عقب ماندن و هرز رفتن نیروها و امکانات آن جامعه خواهد بود.

نوشته: شیو خرا

ترجمه: عبدالله مویانی

امروز در تاریخ

پول ایرانی «داریک» ۲۵۱۷ ساله شد

طبق بررسی های مستشرقین اروپایی [بر پایه نوشته های مورخان یونان باستان که کارهای داریوش بزرگ را دقیقاً و وسیعاً شرح داده اند] و تطبیق تقویم ها، پول رسمی ایران (سکه داریک) در ژانویه سال ۵۰۴ پیش از میلاد ضرب و رایج شد و این، نخستین سکه متحدالشکل جهان که دارای وزن و عیار یکسان بود در ژانویه ۲۰۱۳ دو هزار و ۵۱۷ ساله شده است. داریوش دستور ضرب این سکه را در دو مین روز نخستین ماه زمستان سال ۵۰۴ پیش از میلاد (دیماه و یک روز پس از شب چله یلدا) داده بود. سکه های داریک (گرفته شده از نام داریوش) تا پایان عهد هخامنشیان [سلطه اسکندر مقدونی ارایج بودند. نقش تصویر رئیس کشور بر یکطرف سکه نیز از زمان داریوش مرسوم شده است.

پاسخ شاه ایران به «صلح رومی»!

نهم ژانویه سال ۲۹۳ میلادی نرسی پسر شاپور یکم در پاسخ پیام امپراتور وقت روم که در آن تاکید کرده بود این کشور سر جنگ ندارد و جنگ های روم با دیگران بخاطر برقراری یک صلح پایدار است! که در تاریخ به «صلح رومی» معروف شده به او نوشت تا تعبیر صلح، چنین باشد که امپراتور روم بیان کرده است، صلحی وجود نخواهد داشت. نرسی رو نوشت پاسخ خود به امپراتور روم را برای تیرداد حکمران ایرانی ارمنستان فرستاد تا فریب و عده های سیاسی رومیان را نخورد و نرسی چند ماه بعد تیسرداد را که با وجود این تذکر، به تماس مستقیم با دولت روم ادامه داده بود از شاهی ارمنستان برکنار کرد. دیو کلیتان (دیو کلسین) امپراتور روم به حمایت از تیرداد و نیز تضعیف نفوذ ایران در منطقه، ارتش خود را روانه شرق ساخت که این ارتش در خاک سوریه امروز [شرق رود فرات و نرسیده به حران] از ارتش ایران شکست خورد و عقب نشینی کرد.

تجلیل و حمایت از خادمان فرهنگ

۱۸ دی ماه ۱۳۳۱ دکتر مصدق اساسنامه تازه شورای عالی فرهنگ مرکب از ۱۶ عضو که هشت نفر شان انتخابی بودند و نباید کمتر از ۴۰ سال سن و ده سال تجربه در امور فرهنگی داشته باشند امضا کرد و دستور اجرای آن را داد. طبق اساسنامه، این شورا به منظور نظارت بر همه شئون فرهنگی کشور، توسعه امور فرهنگی، اصلاح مقررات و آیین نامه های فرهنگی و آموزش و پرورش، تجلیل و محافظت از مفاخر ملی، معرفی و تجلیل و حمایت از آنانکه خدمات فرهنگی می کنند (ادیبان، دانشمندان، اندیشمندان، اهل قلم و فرهنگیان)، اهتمام در تهذیب اخلاق و ... به وجود آمد.

انتشار نامه موهن «رشیدی مطلق»!

۱۹ دیماه ۱۳۵۶ در پی انتشار یک نامه اهانت آمیز به مرجع مذهب شیعه (امام خمینی) به امضای مستعار «احمد رشیدی مطلق» در روزنامه اطلاعات که از طریق مقامات دولتی مربوط به این روزنامه تحمیل شده بود، حوزه های علمیه در شهرهای مختلف از جمله قم و مشهد دست به اعتراض زدند. مدرّسان و طلبه ها با شعارهای تندیه خیابان ها ریختند که دامنه این اعتراض و تظاهرات در روزهای بعد گسترش یافت و به تدریج به صورت یک قیام عمومی درآمد که تا ۲۱ بهمن سال بعد ادامه یافت و به تغییر نظام حکومتی ایران انجامید. تنظیم این نامه و چگونگی تحمیل آن به روزنامه اطلاعات جهت انتشار که نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بوده و آغاز گردهای تازه به شمار آمده است، و این که چه نیروهایی پشت آن قرار داشتند تا انتشار یابد، موضوعی است بسیار مفصل و، هنوز تا حدی مبهم و نامشکوف.

انتخابات دومر حله ای از دیدگاه بنیادگذاران آمریکا

در این روز در ژانویه ۱۷۸۹ نخستین انتخابات ریاست جمهوری آمریکابه پایان رسید و جورج واشنگتن به این سمت انتخاب شد. قانونگذاران عهد استقلال امریکا معتقد بودند که اگر انتخاب یک رئیس جمهوری مستقیماً به مردم سپرده شود، ممکن است احساسشان غلبه کند و فردی واجد شرایط طومو جهر انتخاب نکنند. بنابر این، بنظر به انتخابات دومر حله ای دادند که در این کشور در طول زمان و عموماً تپس از دو حزبی شدن از هدف اصلی دور شده است. طبق نظام انتخاباتی آمریکا، در مورد انتخاب رئیس کشور مردم الکتورهایعنی کسانی را که باید رئیس جمهوری را انتخاب کنند بر می گزینند و این الکتور هادر مجمع خود به نام «کالج انتخاباتی» در یک جلسه و بدون بحث و مذاکره رئیس جمهوری را برای مدت چهار سال از میان نامزدها انتخاب می کنند. آرای که در انتخابات عمومی به نامزدهای ریاست جمهوری داده می شود فقط شاخص محبوبیت آنهاست نه دلیل انتخاب شدن.

جدول سودوکو

قانون های حل جدول سودوکو:

- در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
- در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

دشوار ۶۹۰

آسان ۱۳۶۷

		۸		۹			۶	۴
۳				۷	۸			
						۲		۸
				۵				۳
	۱	۳					۵	۴
		۴			۹			
۶			۲					
				۴	۸			۹
۴	۵			۱		۷		

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می رسد.

		۱			۳	۵	۶	
	۶				۱		۹	۳
	۹		۵		۲	۴	۷	
	۴	۷	۳				۵	۶
۳	۲				۹	۱	۴	
		۱	۴	۹		۷		۸
	۷	۵		۲			۳	
	۳	۹	۶					

۷	۵	(۴)	۶	۱	۹	۸	۲	۳
۸	(۲)	(۳)	(۷)	۵	(۴)	(۶)	۱	۹
(۶)	(۱)	۹	۸	(۲)	(۳)	۷	۵	۴
(۴)	۷	۵	۹	۳	(۶)	۱	۸	(۲)
۱	۶	(۸)	(۴)	۷	(۲)	(۹)	۳	۵
(۹)	(۳)	۲	(۵)	۸	۱	(۴)	۷	(۶)
۲	۴	۷	(۱)	(۹)	۵	۳	(۶)	(۸)
۵	۸	(۶)	(۳)	۴	(۷)	(۲)	(۹)	۱
۳	۹	۱	۲	۶	۸	(۵)	۴	۷

(۹)	۲	۳	۵	(۱)	(۸)	(۶)	۴	۷
۶	۴	۷	(۹)	(۲)	۳	۵	۱	(۸)
۵	۱	۸	۶	۴	(۷)	۹	(۲)	۳
۳	(۹)	(۲)	۸	۷	۵	۱	(۶)	۴
(۱)	(۵)	(۶)	۳	۹	۴	۸	۷	(۲)
۸	(۷)	۳	۲	۶	۱	(۳)	(۹)	۵
۴	(۳)	۹	(۱)	۸	۲	۷	۵	۶
(۲)	۶	۵	۷	(۳)	(۹)	۴	۸	۱
۷	۸	(۱)	(۴)	(۵)	۶	۲	۳	(۹)